



Ketabton.com



د افغانستان دخلک دموکراتیک گوند ده رازی گهیتی عومنی منشی، دانقلابی شورا رئیس او صدراعظم ببرک کارمل په هغه بر تهین میتنگ کی و بناکوی چې د خواجه روائی په گارنیز یون کی چې د هوایی او مدافع هوایی قوا و د قواندنی او د کابل گارنیز یون دقطعاتو دافسانو و پو ضابطانو اوسربازانو له خوا جوشوی ۰

سلام های گرم و تمیات نیک ببرک کارمل
شیندند ولايت هرات رسانید که از طرف
منشی عومنی گمیته مرکزی حزب دموکراتیک
صد ها نفر از مردم آنجا با شور و شفت
خلق افغانستان رئیس شورای انتقالی
ازغلابی استقبال گردید .
* * *

د افغانستان د خلک د مو گراییک گوند
رئیس او صدراعظم ببرک کارمل له خوا -

ارانی د چه یور رئیس په تو ګډ جلاتهاب
فرانسا و میتران د تاکلی کیدو له اهل پاریس
نه د ده په نامه د مبارکی تیلگرام مخا بره
شمودید .
* * *

پجواب تلگرام های تبریکیه ببرک کارمل
منشی عومنی گهیتی هر گزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی
و صدراعظم چه یوری د مو گراییک افغانستان
بمناسبت سی و شنبهین سالگرد آزادی هر دم
هزارستان تلگرام های اهانته از طرف
یانوش ګا دار هتشی اول گمیته هر گزی
حزب سو سینالیست کار گزی هجا رستان
پال لو سینزی د رئیس هیات رئیسه چه یوری
در د هزارستان و ګیور ګس لازار د رئیس
شورای و زیران آ نکشور بکابل موا ملن
نوده است .

وزیران روز چهار شنبه ۲۳ تور در هر شورای
انقلابی ارگ جلسه نود .

در آغاز جلسه ببرک کارمل ۱۰۰ عضوی
شورای و زیران را به مسئولیت های سنتکین
شان در قبال جا مده و مردم و تبدیل
دستگاه اداره دولتی بیک دستگاه واقعاً
خدوت ګذار برای مردم و پیشرفت اجتماعی
و اقتصادی گشوده تو چه ساخته .
* * *

افتخار و قایه

تحت د یاست ببرک کارمل منشی عومنی
گمیته هر گزی حزب د مو گراییک خلق
افغانستان رئیس شورای انتقالی و صدراعظم
جمهوری د مو گراییک افغانستان شو د ای



تکنی گهیتی عومنی منشی، دانقلابی شورا رئیس او صدراعظم ببرک کارمل دیوالی سره سینه ده دال
لیقولو په حال ګن .



دسياسي بيرو غوري دانقلابي شورا هرمتيال او دعمندراعفشم هرستيال سلطانعلی کشتمند کلهچن دچکوسلاواکياگن دعلن ورخى يەناسينه شفهه هيواد لوئ سفير ته مبارتسى وابى . به عكس كى دگوند دهركزى كمتهن دسياسي بيروغوري دستگير پنجشىري هم ليدل كېرى .

خلک د یهو کراتیک گوند د هر کزی گمهتی پوش سترو افسرانو دو لته لوپه ر تبه
د رئیس ڈاکٹری ا نا هینا راتبزاد له خوا
سیاسی بیرو غیری دانقلابی شورا هرستیان کار کو و نکو او به کابل کی د دو سترو
گوند د سیاسی بیرو او هر کزی گمهتی خینو هیوادو سفیرانو او بو خی آ تشو گون
پرهنگری ٹشیزم باند د بر یالیتو بدشیر
دیرشمی کالیزی له امله له بہرنیو هیوادو
کبری ۹۹ .

سره د شوروی اتحاد دوستی او گلتهی دیکو دهولنو داتحادی د رئیس اودشوروی اتحاد او افغانستان د دوستی د بتو لنه د رئیس ۱ نتو نوف په نامه مسکونه دهبار کې ملکرای مغابره شویدی .

د نور ملي او دموکراتیک انقلاب او په تیره
بنا دعفه نوی پراو دهیواد مليونی او زیار -
ایستونکی برگنی د فیوجانی و راسته نظام
د استبداد او ظلم له جغ خغه خلاص کړل او
د تولو هیوادپالو خلکو او په تیره بیادهیواد
د مبارزو خوانانو رسالت دی چې د انقلاب د
شپږ تبا او دعفه دارزښتونو ددفاع په لارکۍ
بروره مبارزه وکړي .

عنوانی بپرداز کار هنری عمومی گمیسته
هرگزی حزب د هو گرااتیک خلق افغانستان
رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری
دهو گرااتیک افغانستان تلگرام تبریز یکیه بـه
هناسبت سو هین سالگرد انقلاب شکو همند
تود از طرف صدام حسین رئیس جمهور
عراق بکابل هوا صلت گرده است .

رئیس جمهور عراق طی این تلگرام تبریکت گرم و صمیمانه مردم عراق را به مردم افغانستان تقدیم نموده صحت و سلامت شخص ببرک کار هل را با پیروزی خای هزبند مردم افغانستان تهنا گرده است.

په کابل کې د چکو سلواکیا د سوسیالیستی جمهوریت لوي سفارت د تور ۱۵ نیټه غرمه



یوشمیر همه دانقلاب سپاهیان چی دانقلابی هدفونو دتوضیح له پاره خستو ولایاتو ته لازم.

دلاستالشاده



سره هیاست از شما و برای شما

گنورگی دیمتروف فرزند قهرمان بلغاریا .

زنده باد صلح ، مرگ بر جنگ و جنگ افروزان .

چهره وا فی زن در آئینه تمام نمایی
اندیشه برو لتری

کار گران جهان روز اول می را باشگوهمندی
خاصی تجلیل می نماید

اعتنیاد با ادویه مخدوذه ، بعثیثیک سرطان
اجتماعی

زبان و سیله پیوند عاطفی انسان .

شرح پشتی : اول و پشتی چارم ، همچنان
صفحات هن دادر صفحه ۲۲ مطالعه
فرمایند .

تعصیح ضروری
در صفحه ۳ ستوں سوم سطر سوم بجای
سطر دوم خوانده شود .

واقعیت اینست که امیر بالیست های امریکایی با ارجاع داخلی منطقه و رعیان چن سخت درزو بند اند تادر راه انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امیر بالیستی خلق افغانستان سنگ اندازی کنند ، شهر ، دهات ، مکاتب و مساجد را در آتش بکشد ، زدن اطفال و پیرمردان ها را وحشیانه به قتل برسانند و دست آورد های انقلاب تور را از «بریک کازمل» میان بردارند .

شنبه ۲۶ تور ۱۳۶۰ - ۱۶ می ۱۹۸۱

پیکنیک و نیروی

صلح و دوستی و عاشق نهضت و تحول اند در امراض از داده صلح و دموکراسی و تامین دیانت از هیچ گونه مبارزه دست نمی گیرند .
اگر کشور های متوفی و صلح دوست جهان از یاد نبرده اند و هنوز کوره های آدمسوزی ازین پدیده ملعون زایدۀ نظام استبداد و ستم وارد گاه های هرگز آفرین فاشیستان هاند .
مگر تاهنوز هیولای فاشیزم را هردم جهان آین طفک کشیف سرمایه داری امیر بالیستی است .
آشیانی این طفک کشیف سرمایه داری امیر بالیستی است .

پیروزی در فاشیزم

نهم ماه می به هشایه بزرگترین بیرونی

تاریخی انسان و انسانیت ، بر فاشیزم هشایه

خود را از دست داده بودند اند کی آرامی بخشید .

نهم ماه می روز فتح و غلبه نهایی بر فاشیزم

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

واردو گاه های هرگز آفرین فاشیستان هاند

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

آشیانی این طفک کشیف سرمایه داری

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

آزادی خواه ، انسان دوست و مترقبی درین

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

نیزد نقش قاطع داشتند که سیم اتحاد -

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

شوروی در این زمینه خیلی برجسته و برازنده

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

است .

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

زیرا این روز با خون رسید ترین

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

و برومندترین فرزنده اتحاد شوروی رنگین

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

شده است که همه جهان بشریت هرگونه

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

غایی از این زمینه خیلی برجسته و برازنده

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

است .

هزار و پانصد هزار نیروی ارتش

پیشنهادات صلح

ایقا نموده است . طرح این پیشنهادات خاقد روحیه صرفاً تاکتیکی و عوام‌گردانه بوده و از سرشت عمیق سیاست دولت انقلابی ما منشاء می‌گیرد . هادر جهت بکرسی نشاندن این پیشنهاد را که ظاهراً غرایی‌گری آنرا صریحاً رد ننموده است بارها کوشیده‌ایم یک دوبار دو لغت پاکستان با اظهارات عبده و سردرگم که بعد از معلوم شدن ریاکارانه بوده است اظهارات آن را خود را در جهت انجام مذاکرات اعلام داشته ولی متأسفانه شیخ گام عملی بی‌درجه آغاز مذاکرات و یا کوشش در راه تبیه مقدمات آن، بر نداشته و گو را که راهه بدر گاه قصر سفید چشم دوخته و سیاست ما جراحت یافته آنرا تعقیب نمود .

هر بار یکه پاکستان با همین اظهارات مبهم و متشوّش هم تعامل خود را در بن جهت تبارز داده است ، متأسفانه ذیصلاح قصر سفید با دستیار چکنی دست یکبار های کشور های همچوار حل نماییم . ما به صراحت طرح ساختیم که طی این مذاکرات در صورت ارائه تضمین قابل اعتبار شده اند تا درین زمانه موافع را ایجاد نمایند . ما آنچه را عن بایست انجام دهیم انجام دادیم اگر دو لغت های همچوار و افقاً خواهان حل مسالمت آمیز معضلات کتو نی پیرا مون او فساع افغانستان هستند بایست پیشنهادات شخص معقول و واقعیت‌انه ما را که بدون تحمل قید و شرط قبلی مطرح گردیده است پیذیرند در غیر آن نخواهند توانست تعاملات ناسالم جنگ طلبانه و آتش افروزانه خود را در زیر پرده پرده و دو غبار اتها مان و ایمامات بپوشانند .

سر مقاله حقیقت انقلاب سور

پرسش از پیشنهادات صلح ۱۴ ماهی گذشت

درین جهت از هیچ‌گونه تلاش لازم داریم نورزیده است . ولی هستند نیروهای در منطقه ما که واقعیت انقلاب افغانستان و پیامدهای اجتناب ناپذیر دو جوئی آنرا به نفع توده های ملیونی زحمتکش نمی‌پذیرند و از هیچ‌گونه امکانی جهت افزایش

هادر شماره گذشته اعلامیه و زارت‌آورد خارجه جمهوری ده می‌گراییم افغانستان بمناسبت سپری شدن یک سال از این ماه پیشنهادات مشبور صلح آمیز می‌رخه ۱۴

سایعاتی که ازان بر می‌خیزد ناسی‌ازهین نیات ما جراحت یافته و انتقام جویانه‌وسیاست غیر واقعیت‌انه همین مخالف و نیروهای ارتعاشی منطقه ما می‌باشد .

ما بتاریخ ۱۴ ماه می‌۱۹۸۵ به صراحت اعلام داشتیم که حاضر مستیم تمام معضلات عده کشور را که باعث

های همچواری را که در برابر راه حل کشیدگی او فساع پیرا مون افغانستان مسالمت آمیز و ضع کشور های منطقه بخصوص در ارتباط با او فساع کشور های سنتگ اندازی

می‌نمایند به مسؤولیت سنتگ شان دربرابر تاریخ و سر نوشت خلق های منطقه متوجه ساخته و یکبار دیگر نیات صادقانه دو لغت

انقلابی ما را در جهت یافتن یک راه حل منطقی مسالمت آمیز و به نفع توده های مردم کشور های منطقه مطرح ساخت .

درواقع کشورهای منطقه مسؤولیت نیاز

عاجل مردم ما در جهت اعمار جا معه توین

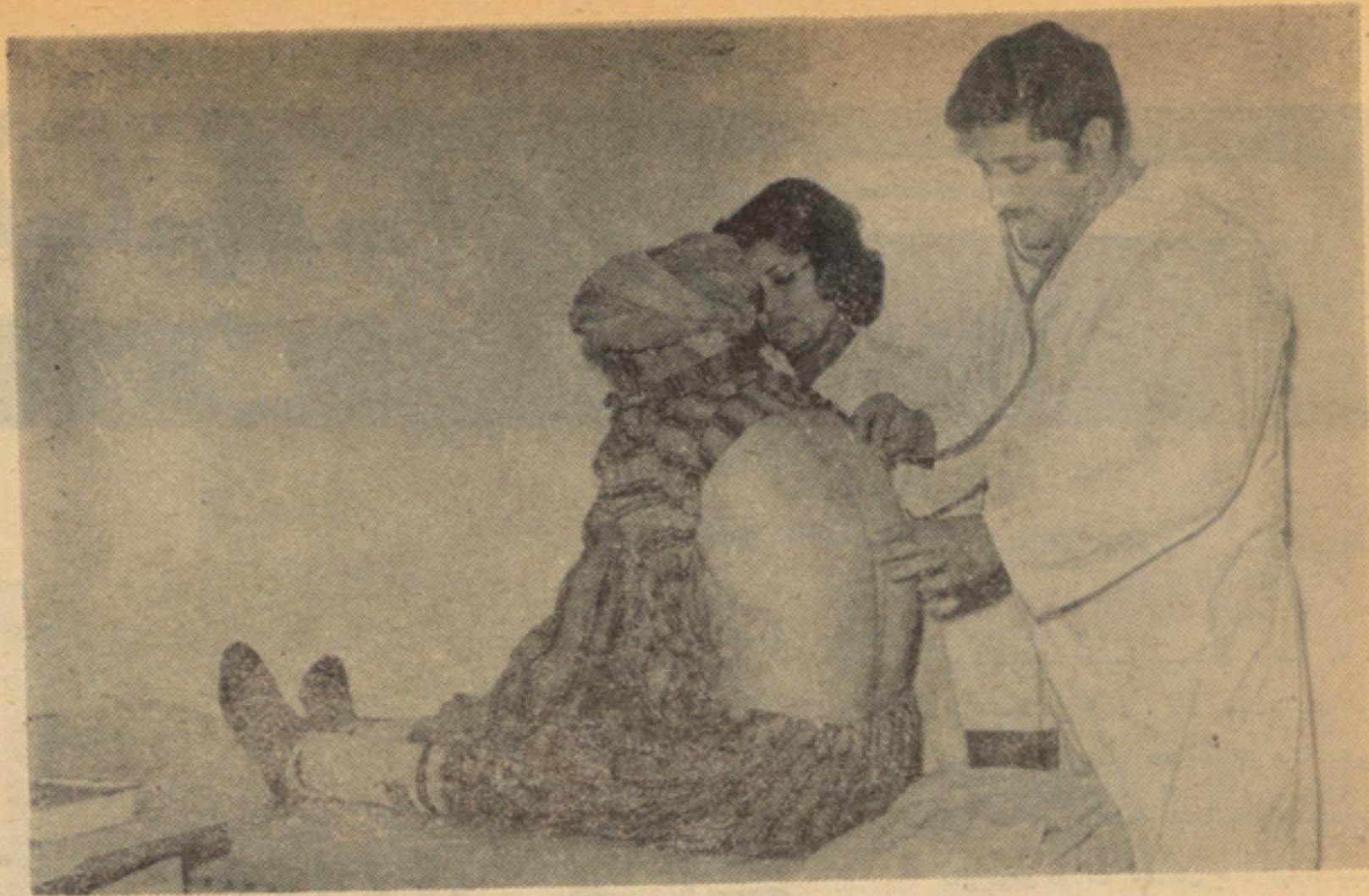
و نیاز انسانی توده های عمیقاً علاقمند بوده و

بعداً این پیشنهادات در موضع مختلف شکل مکملتری را بخود گرفته و بیکی از واقعیت های سو سخت و انکار ناپذیر مناسبات جاری بین المللی نه تنها در سطح منطقه ما بلکه در مقیاس جهانی مبدل گردید .

دولت انقلابی افغانستان با احساس مسؤولیت عمیق و شرافتمدانه با طرح این پیشنهادات وظیفه انسانی صلح یافته خود را در برابر مردمان منطقه و جهان

در و لایات و هم از راه لاتری به مصیبت رسیدگان و محتا جان کمک نقدی و بیا جنسی داده است که این اهداد شامل معاشر هفتاد و نه هیلیون افغانی، بیش از چهار هزار و شصت تن گندم، پنجمصد و سی تن آرد، بیست و پنج تن برنج، اضافه از سهصد و بیست و هشت تن روغن، پنجاه و سه تن شیر پودری، شصت تن بوره، یک تن چای و هشتاد و هزار تن حبوبات دیگر می‌گردد.

در بخش خدمات لاتری بیش از دو ازده و نیم هیلیون افغانی برای بیش از یکصد و نه هزار نفر بر ندگان چوازی گو نامون مدد رسانی شده و در ساحه مسایل صبحی با توجه به پائین بودن سطح آماهی و داشتن صبحی، فقر مسلط در جامعه عدم شرایط حفظ الصحه فردی و محیطی که در مجموع خود منجر به روز ا نوع بیماری های مسری و غیر مسری در میان جامعه می‌گردد و نظر داشت این نکته که ۱ هکا نات و زارت صحبت عامه نیز برای رسیدگی به همه این نا بسا نیز



دکتوران موظف سره میاشت همیشه در خدمت عموم افغانستان کم بضاعت ما هستند.

نوشته: س. ر. ها شهیار

سزو ۵۰۵ میاشت از شما و برای شما

* در سال گذشته بیش از یک میلیون و هشتصد و هزار هموطن هریض ما از طریق کلینیک هاو شفاخانه های سره میاشت زیر تداوی قرار گرفته اند.

معدود می باشد در نزد کلینیک و دو شفاخانه هر بوط به این سازمان گه دکتوران به گونه داوطلب در آن فعالیت می کنند بیش از یک هیلیون و هشتصد و چهل هزار نفر از هموطنان ما به مصرف افغانی از پنج هیلیون و دو صد هفتاد هزار افغانی، تداوی، پانسمان، پیچکاری گردیده وادیه نیز برای شان تو زیع شده است.



مستحقینکه از کمک های سره میاشت برخوردار شده اند.

سره میاشت ها از آغاز تا سیس خود شجده هم تو در روز جهانی سره - تاکنون بر اساس مشی بشر خواه نهاد میاشت ها همه ساله زیر عنوان و شعاری جداگانه به وسیله همه کشور های عضولیگ جهانی و در میان همه ملت های گیتی تجلیل و بزرگداشت میگردد و بکبار دیگر در این روز از بسیوه خدمات فراموش نشدنی ابرهود بزرگ با عاطفه تاریخ هانری دونانت بیان گذار موسیان صلیب سرخ، هلال احمر و سره میاشت ها ارج گذاشته میشود و از سوی دیگر وسائل ارتباط چمعی میگوشند با انشا ندهی شرایط و بر رسمی از وا قعات و حوادث طبیعی و غیر طبیعی که منجر به بی خانمان شدن، آوا ره گشتن، صند و دین از چنگ، قحطی و گرسنگی و ده ها مشکل دیگر از این مانند برای توده های و سیع انسانی می‌گردد زمینه های تازه را برای به وجود آ و روی امکانات گستره تر کمک رسانی به انسان درمانده در هر کجا بین که است و بدون در نظر داشت تبعیض های نژادی و یا مسائل سیاسی فراهم آورند.

جمعیت افغانی سو هشتاد و سال کذشته معاوی

بیش از نود و هفت میلیون افغانی کمک نقدی

و جنسی به هم وطنان نیاز مندمداده است



صنه بی از قرعه کشی تک لاتری سره میاشت

سره میاشت در ساحه خد مات ۱ جتماعی کشور انجام شده بتواند که به همین وصی خود که چمغا شامل بیش از هشتاد اساس در پیلوی و زارت صحت عا مه نقش و چهار میلیون افغانی می شود در جریان عمده در جبهت رساندن خد مات صحنی به یکسال گذشته تلاش به عمل آورده تانعوه مردم داشته است مه ستون های چهار گانه ارائه خدمات خود را همتر ساخته و شرایطی را کار سازی کند که در زود ترین با پیروی از مشی انسان خواهانه جمعیت فرست ممکن حد اکثر کمک لازم را برای افغانی سره میاشت خدمات شان با تعلو مستمندان و محنا جان و نیاز هنдан درسطح و دگرگونی چشمگیری به همراه بوده و نه-



تنها برای بیش از چهار هزار نفر که در این ویاجنگی صد ها زخمی و مصدوم را از خود کانون ها جمع آوردی و باشه به جای می گذارد و یا قحطی و گرسنگی تهدید تازه بی ای برای مرگ عده بی نا می دهد مگرند شرایط کا ملا انسانی همیا آمده بلکه با زمینه سازی های تازه تر بیوی و فراهم می آورد ، دست کمک از آستین بر تعیینی و اکتشاف روز افزون شعب صنعتی و زندگی ساز دو باره آ نیا می گردد ، بر در اثر حوادث کانون های پر میز فا میل خودرا از دست داده اند در فضای پر همرو عطوفت زندگی گرده گمبود های شان رفع و برای تامین زندگی آینده شان اقداماتی سود هند به عمل آید .

باتو جه به همه این خدمات و آر هان طبیعی است که قدرت کمک و سانی و مدد دهن آ نیا نیز در اثر کمی بود چهوناتوانایی های بولی رو به ضعف می گذاشد بیا بیم به این تکه بیند یشیم که خا دنه انسان را خبر نمی گند و در هر آن وهر لحظه امکان وقوع واقعه نا مطلوب غیر متر قبه و ویرانگر زندگی برای همه ما وجود دارد و باید این تکه را از یاد تبریم که انسان در برآبر همتوخ خود و جایی دارد و رسانی که باید به اینجا آید و گز نه توکز محنت دیگران بین خنف بیرون از این راه را بینه ایم و شیرخانه جمعی خانواده را بین بناه می گرداند انشاید که نا مدت بیست و دوی

با خرید یک قطمه تک لاتری باعمنو معیوب خود کمک میکنید .

اکاه بود ، کتاب مطالعه هی گزد ، به روز
تویستندگی بی بود و بروزی در صفحه تویستن
کان انتلابی بلغاریا فرار گرفت . گنورگی
بمطالعه تاریخ و طن خود و اینکه چطور
کشورس اسیر پنجۀ ظلم و تعدی امپراتوری
عثمانی فرار گرفت و چگونه ، مرد مان
سبع هموطنش بخاطر رهایی از بوغ
امپراتوری عثمانی بیکار نمودند ، علاوه‌نمی
الله . باید بخاطر داشت که این مادر فقره‌مان
بن زن مبارز و دلیر به هنرگام تو شتن
بن نا مه به گنورگی سه تن از جگرگوشة
خود را از دست داده بود . «کنسا نتن ،
خوان فعال و مبارز که بعیث مدیر اتحادیه
ازگزان چا بخانه کار می گرد در اتر توطنه
سانتاز ، بند هست ز بر ببرق ۱ حضار و
هذا در جبهه چنگ بالکان سالیهای ۱۹۱۲-

حَسِيبُ اللَّهِ مُرْعَبَة

گئور گی دیمتو ڈف فرزند قهرمان مردم بلغاریا

سرنوشت «تودور» برادر دیگر دیمتروف این هم درد ناکتر است . «تو دور» عضو فعال حزب کهو نیست بلغاریا، بجزم استن چیان بسی علمی و فعال است انقلابی، طرف دزخیمان دستگیر و تحت شکنجه پر انسانی قرار گرفت تا هگروی رفای بارز اش را معرفی نماید ، ۱۷۰۰۰ انقلابی لیه درد و رنج و شکنجه را متحمل گردید احمدی از عمقتا ران رز منه اش را بکسر حافظ ددمتش خا کمه نداد ، تو دور بشکل برمنشانه بقتل رسید و جسد او را بجای علو می ، مد فون سا خنند . ز مانیکه دردانگیده به سراغ بسرش رفت و جوابی حوال د آیندش گردید ، بو لیس مکلت او محل و مخفی کاه د خترت «لنا» را بها وسیع کن و ما هم کور بسرت را نشان دهیم . «مادر د لیر ، مادر فر زندان بدیق و مبارز خلق بلغاریا با جرات صدا د، هر چنایت از دست شما ساخته است

تی خیانت به بلغاریا ، تو دور کجاست ؟
 تراوی را بدون محاکمه ، نکنجه دادیست ؟
 شما چه اصراری در گشتن و نایبود گردید
 روزندان صدیق وطن روانی دارید ؟ ، شما
 دخترم لنا ، دست نخوا هید یافت ،
 ووی از تمام این فرصت ها جهت گسترش
 اندیشه های انقلابی ، استفاده مطلوب و
 نسازنده بود .

رودور بشما يك کلمه نخوا هد گفت و قضا
کارگران و ز همکشان بلغاریا بصورت بیکیر
کار نموده ا معا باش کارگران «برنیک»
کارگران نساجی شهر ا سلیویا ، انتساب
کارگران غا بریکه گوگرد سازی و سایر
انتسابات و تقاضا هرات ز همکشان را بطوری
کنورگی کو چال ، غر کو شکی مشیار و رهبری و سازمان ناد . وی انتساب

سال ۱۹۱۸ مصادف بیانک هزارو سه صد هین سالگرد ایجاد دولت بلغاریا و توده من سالگرد تاسیس حزب کمونیست بلغاریا و بیست و نشمن سالگرد قیام توده بی خد فاشیستی سپتامبر و بیست و پنجمین سالگرد عظیم ترین یکیتوم ۱۶ اپریل ۱۹۵۶ حزب کمونیست بلغاریا است در کشور معحب مایبا به رهنمایی حزب دموکراتیک خلق افغا نستان و تجویز دولت کمیته ملی انسجام برگزاری جشن یک هزارو سه صد هین سالگرد تاسیس دولت بلغاریا در افغا نستان ایجاد گردیدتا مراسم بربرا داشتن جشن ملی زحمتکشان بلغاریا رادر افغانستان انقلابی سازمان بددهد در این مقاله بدین مناسبت هرزند قهرمان خلق بلغاریا گنودگی دیده شود بانی جبهه وسیع پدر وطن بلغاریا معرفی میشود

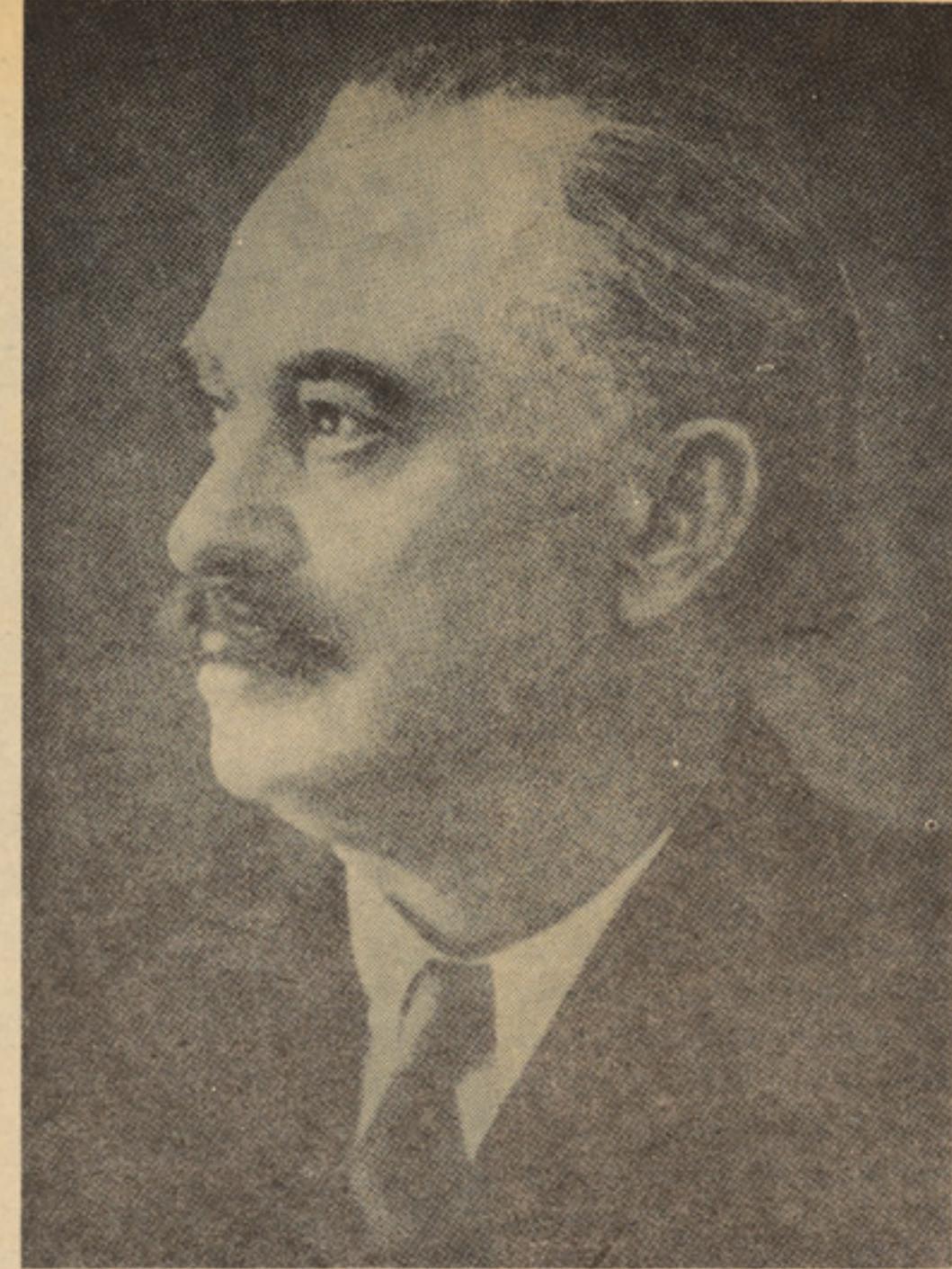
بعد از جون سال ۱۹۱۸ در روسیه کوهستانی «رادوییر» شمال غربی بلغاریا، گردید که روستایی در بیک خانواده فقیر و تمیض است به جهان اند که بعد در دوره زندگی اش در سرتاسر میهن خود و جنبش کارگری جهان، نقش عظیم ایفاء نمود پدرش بیشه ور کوچکی بود که در گیر و دار زندگی، سرمایه ناجیز خود را از دست داده بعثت یک کارگر ساده در کارگاه ها، زحمت ورنج میکشید و آخرهم عوایدش، مصارف زندگی خانواده اش را تکافو نمیگرد. این وضع ناگوار زندگی و فشار روز افزون هر اقتصادی باعث گردید که گنورگی کوچک بعثت فرزند ارشد خانواده در سن دوازده سالگی از تحصیل دست بکشد و با افرادی جسم خود بتواند در چشم تبیه سد جوع خانواده همکاری نماید. اورچا یاقانه کوچکی بکار برداخت. همان دوران، دوران آغاز مطالعه آثار متوفی و ادبیاتی طبقه مبارزه را ادامه خواهد داد و تا پایان عمر خدمتکار طبقه ز جهتگش باشی خواهد



گنورگی دیمتروف، در سال ۱۹۴۷

کمو نیست ها را صادر نموده بود و به آن عده از کمو نیستان که با اعضاي اتحادیه توده ای کشاور زان بلغاریا در تعریف به حکومت فاشیستی همکاری می گردند دستور داده شد که به مبارزه مسلحه پایان دهند. کوچتا موفق شد، قصاید بان فاشیست، اسلا بو لیسکی را مثل گو سفتند سر بریدند و حکومت اختناق و استبداد و فاشیستی را برقرار گردند. نیروهای سالم و انقلابی حزب بکمک گمنترن به اشتباه خود پی برد و اشتباه را تصحیح نمودند. کمیته مرکزی در جلسه تاریخی ۱ گست ۱۹۲۳ مشی تدارک عصیان مسلح را اتخاذ گرد، نقشه طرز عمل و تکنیک عصیان هم تهیه شد وهم کمیته عالی نظامی انقلابی تحت رهبری حزب بکمونیست بلغاریا، تشکیل شد. تلاش و سیع در راه تشكیل مردم در جبهه وسیع واحد ضد فاشیستی مبذول گردید. گنورگی دیمتروف، در این هو ره مساعی فرا وان بخرج داد و مقاولات متعدد بر شسته تحریر آورد که هنوز هم ۱ین مقاولات اعتبار خود را از دست نداش است.

حزب کمو نیست بلغاریا قیام را به فاشیستان اعلام گرد. حزب در جلب اتحادیه کشاورزان پرداخت و تواندازه موفق شد در سال ۲۳ ستمبر ۱۹۲۳ حزب کمونیست بلغاریا قیام را سازمان، رهبری و آغاز گرد ۱ ما دشمن، سر کوب شد، حزب کمو نیست در سپاهی از قیام گرفت و از جمله ضعف امور نقا هی، هورد تجزیه و تحلیل قرار داشت. شرایط ناگوار زندگی خلق های بلغاریا، داده شد و تجارت و نتایج از آن بدست عرک فا جمه آمیز برادران وی، ظلم و آمد. در آن وقت اتحاد بین کارگران و دهقانان تحقیم نیافته بود، عملیات استبداد و فشار بر گرده زحمتکشان بلغاریا بصورت ناهم آهنگ صورت می گرفت، همه و همه دیمتروف را با اهداف کمبود اسلحه ۱ حساس می شد و تدا رکات بقیه در صفحه ۲۸



گنورگی دیمتروف فرزند قهرمان مردم بلغاریا

نقلا هرات و نا را می های کارگران را گردید، از همان وقت، ساخته فعالیت بصورت علمی مو ره بر رسمی قرار داد و وبازی این قهرمان از مردم ای بلغاریا خارج شد درسن های گرا نبایی کسب کرد و باشarde و خاصیت جهانی یافت و بعیث یکی از رهبران بر جسته گمنترن، معز فی گردید. هنگا میکه در سال ۱۹۲۳ بورزوایی بزرگ بلغاریا بکمک از قش بکو د تای فاشیستی دست زد و دو لت ملی ۱ لکساندر ۱ سلا - بولیسکی، رئیس اتحادیه کشاورزان گشایش می یافت، دیمتروف به همراه هی واسیل کو لاروف و سایر رهبران انقلابی در دست داشت، واژگون ساخت. این دوران بلغاریا، بصورت مخفی، عازم کشور سورا یک درس آموزنده و تجربه گرا نبایا باشد، حزب کشاور زان بلغاریا که بسر گرد گی اسلا بو لیسکی قدرت را بدست گرفت، فکر می گرد که بورزوایی، سر کوب شده و بیماری آنتی کمونیزم اعضاي آن حزب را گمراه ساخته بود و برای سر کوب حزب کمونیست بلغاریا چشم دو خته بود. از این بیرون دار، بورزوایی ۱ ستفاده نمود با تقویت نیروی های فاشیستی کو د تای را برآ رهایی یافتند و از سرزمین رومانی اخراج شدند. گنورگی به جهان پخش گردید، بنابر تقلا هرات و سیع و پر دامنه مردم بلغاریا، در اثر فشار ۱ فکار عمومی جهان و خلق رومانیا، گنورگی با رفایش از زندان رهایی یافتند و از سرزمین رومانی اخراج شدند. گنورگی دیمتروف توانت در سومین نظامی نظم نیروهای انقلابی کمو نیست ها بدون استفاده باقی ماند و دلیل آن هم این بود که رهبری حزب دستور بیطریشی گنگره گمنترن، اشتراک نماید، در آن بود که رهبری حزب دستور بیطریشی



گنورگی و دیمتروف در سال ۱۹۳۴

جنگ جهانی دوم کمی به عقب بر می گردد و تاریخ دهه دوم و سوم و چارم قرن بیست را بخصوص در مورد اروپا ورق می زنیم: پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) که طی آن آلمان و متعددین آن شکست خورده است، فصل نوینی در تاریخ بشریت آغاز یافت. کنفرانس صلح پاریس یکبار دیگر جهان را تقسیم نمود، این موضوع یعنی تقسیم مجدد جهان علیت و هدف میرامبر بالیزم برای آغاز جنگ جهانی اول و دوم بود. سرزمین های تحت استعمار آلمان که اضافه از سه میلیون کیلو متر مساحت داشتند، کشور های فاتح چون انگلستان، فرانسه، چاپان، بلژیک و دیگر آن تقسیم شد. این جنگ یعنی جنگ جهانی اول خسارت و تلفات زیادی ببار آورد و بحران جهانی سرهایه دارد. رسانه های عمق تراخت واقعه بزرگ و دو رانساز دیگر که طی جنگ جهانی اول بوقوع پیوست همانا پیروزی انتقام کبیر اکتوبر بود که در اکتوبر سال ۱۹۱۷ یعنی در بیانیه جنگ جهانی اول به پیروزی رسید و این پیروزی نفعمند دو لشکر است. کشان را در جهان بیان آورد که این حادثه در پیلوی آنکه رهگشای آزادی کامل را حمکشان جهان است ضربه مسلکی بر پیکر امیر بالیزم است و هم چنان رهگشای رعایت خلق های در بند استعمار نیز شد.

عقد دعا هدئ صلح پاریس تفادی میان کشور های امیر بالیستی را وارد مرحله نوینی نمود. این تفادی بین فاتحین جنگ و مغلوب جنگ یعنی انگلستان، فرانسه، ایالات متحده و چاپان از یکطرف و آلمان از طرف دیگر را تشدید نمود. ولی طوری که قبل از تفاهم انتقام سو سیا لیستی بمناسبت شماره یک امیر بالیزم سبب شد که تفادی میان کشور های امیر بالیستی به صورت موقتی فرو کش کند.

حمله آلمان نازی او آین حمله کشواره های امیر بالیستی بر اتحاد شوروی نبود بلکه پس از پیروزی انتقام بین سال ۱۹۱۸ و ۱۹۲۰ چهار ده دو لت امیر بالیستی که فرانسه، انگلستان، چاپان و آلمان در صف مقدم قرار داشتند برگشود رجوان شوراها



چند صحنه از تبرد دلیرانه سربازان شوروی بر فاشیزم.

الف - میهن فدا

سی و ششمین سالگرد پیروزی بر فاشیزم!

زندگی بر جنگ و جنگ افروزان



صفنه بی از پیروزی سربازان اتحاد شوروی بر فاشیزم.
تواندن

آوانیکه نیرو های زمینی و هوایی و بحری آلمان هتلری تحت پلا ن ((بار باروس)) باشد چون گوه پا یهاد و چون صغری استوار است و اتحاد چما هیر شود وی سوسیالیستی به پا یهادی هردم و اراده ایک پلان حمله ور می شدند) بشکل قهر مان خوشیش توانست ازین امتحان مشکل و بزرگ سر فراز بد آید. فاشیزم که می توان آنرا فرزند خلف کشور های امیر بالیستی نزد خود چنین سنجیده بودند که اتحاد چما هیر شوروی سوسیالیستی در زیر این ضربه ناگهانی هولناک وضد انسانی یعنی جنگ دوم جهانی بشریت را سوگوار و داغدار ساخت. برای آشنازی بهتر با چکو تکی آغاز تاریخ شہادت می دهد دو لتی که پشتواهه



زمانیکه بیرق شوروی به فراز یکی از عمارت‌های دولتی برافراشته می‌شود.

پرستانه مدافع و نگین می ساخت . آلمان هتلری چهت حمله به خاک شوروی و سیما تدارک دیده بود . آ و نیکه حمله به شوروی را آغاز کرد دارای ار دوی در حدود هفت و نیم میلیون نفر مجهز با هدرون ترین سلاح آنوقت را در اختیار داشت . این اردو توسط اضفه از بینج هزار و شش صد تانک وده هزار طیاره تقویه می شد . بتار یخ ۲۲ جون دو صد لشکر یابینج و نیم میلیون نفر از بن اردو با ۴۳۰۰ تانک و یک هزار طیاره سر حدات اتحاد شوروی را عبور گردند متحدین آلمان چون فنلاند ، مجا رستان ، رومانیا و ایتالیا درین حمله آلمان را یاری می رسانید .

حمله ور شدند . پلان آنها این بود تا نخستین
گشور سو سیالیستی را خفه و نا بسود
سازند و لی این پلان آنها به پا یافر دی
مردم د لیر شو ر وی و تائید معنوی همه
زحمتکشان جهان به نا کامی ۱ نجات مید . پس
از آن در طی د هه سوم ۱ سا سات سوسیالیزم
در اتحاد سوروی روز تا روز مستحکمتر
گردید . ولی در مقابل ، امپریالیزم نیز با
تلائی فرا وان می گوشید تا گشور کسیبر
شورا ها را بیهود و سیلده ای که باشد از با
در آورد و لی چون باطل هر گز حق را غلوب
گرده نمی تواند امپریالیزم نیز نتوانست
به هدف خود برسد . با وجود آنهم
امپریالیزم ۱ هریکا با کفک های زیاد به
آلمان شکست خورده می خواست ۱ زین
گشور بر علیه اتحاد سوروی غیر مستقیم
استفاده نماید . چون در پس تو پیروزی
انقلاب اکتوبر اتحاد سوروی روز تا روز
قدرتمند می شد و موضع صلح و سوسیا-
لیزم بسویه سراسر جهان رو به تکامل
و بسط بود ، امپریالیزم برای مقابله به آن
به تقویة فاشیزم در آلمان پرداخت .

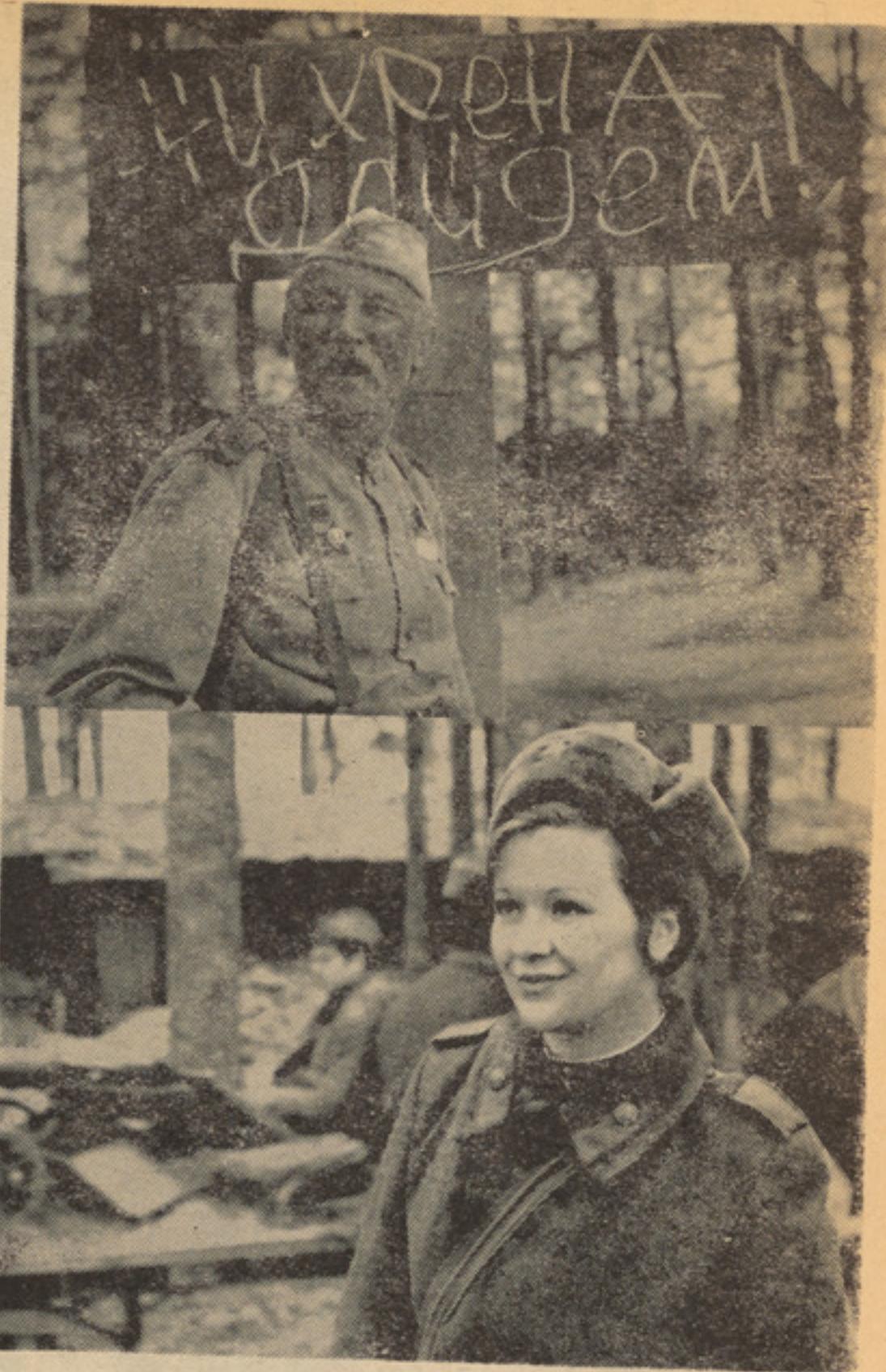
بتاریخ ۳۰ جنوری سال ۱۹۳۳ به کمک
مستقیم ۱ نهضه رات بزرگ داخلی و خارجی
قدرت را در آلمان هتلری بدست گرفت و
این چنین دوره سیاه و هو لشک قاریخ آلمان
وجهان آغاز گردید . از همان اولین روز
های به قدرت رسیدن نازیزم در آلمان
جوانه های جنگ طلبی و تجاوز کاری در
سیاست آندو الت هویدا بود تا آنکه بسیه
شهکاری همتای خویش در ایتالیا (موسیو -
لینی) ، هتلر به هسپانیا حمله ور شد و از
آدم کش دیگری بنام فراتکو دفع بعهمسل
آورد ، هکلا متحد و فا دار آلمان نازی یعنی
ایتالیا در سال ۱۹۳۵ به ایتوپی حمله و
شده آن کشور را تصرف نمود . در ماه
اکتوبر ۱۹۳۶ اتحاد بین آلمان و ایتالیا
بنام معهور (روم و برلین) بیان آمد و

در ماه نوامبر همان سال جاپان نیز به آنها پیوست و محور «برلین، روم، توکیو» بیان آمد. در سال ۱۹۳۸ اردوی آلمان آسترالیا را اشغال کرد. امپریالیزم جهانی درین دوره و دار متوجه عملی شدن نقشه اصلی خویش یعنی سوق فاتحیزم و تازیزم برای حمله بر اتحاد شوروی بود. کشورهای امپریالیستی غربی نه تنها علیه اعمال تجاوز کارانه دول محور اعتراف نمی‌کردند بلکه برای تقویة آلمان دل های شان ذوق می‌زد، غافل از زینتکه این حیوان وحشی بعضی فاشیزم هتلری برخی از آنها را نیز گوشمالی خواهند داد. به این معنی که تقاد میان کشورهای امپریالیستی بر سر تقسیم جهان و هنگذاشت تصالح منابع مواد خام بشدت خود موج وجود بود ولی همین کشورهای امپریالیستی در یک جهت موقعیت کلی و هدف واحد داشتند و آن ازین

ستراتیزی حرب دوم طوری بود که هیج مثال در نبرد ماسکو هر روز مقدار زیاد نیروی در مقابل آلمان مقاومت کرد و مواد خواراکه ، اسلحه و مینهای سر باز نمی‌توانست زیرا او دوی نازی ها علاوه توسط دهها قطار آهن از آسیای میانه از طرز حمله و غیره از زرادخانه عظیمی با مرکز کشور شو راه به ماسکو گشیلشی- جمعیت ۲۹۰ میلیون نفر (بشمول متصرفات و متحده اش) بر خوردار بود . انگلستان شد . هکذا در نبرد سنا لینکنگارد صد ها که قدرتمند ترین کشور امیریکا با لیستی آن وطن پرست از ملیت های مختلف با نشان دادن رشادت بی نظیر در راه دفاع از میهن زمان بود در محاصره آلمان نازی فرار داشت و ایالات متحده امریکا دست زیر اتحاد خلل نایدیر میان اردو مردم ایجاد زنخ ناقلل مبارزه حریقان بود . درین کارو درین پیکار تبا اتحاد شوروی قادر بسود شد . که در نتیجه همه قوای مهاجم را به عقب نشینی و تسلیم وا دار نمود و آن دشنه علیه این طاعون یعنی نازیزم و فاشیزم دلیرانه بزرگ . باید یک هو شو دیگر را دلیرانه بزرگ . باید یک هو شو دیگر را نیز در نظر داشت و آن تهدید جاپان از طرف شرق علیه اتحاد شوروی بود . لذا همه نقش بر آب ساخت چنانچه فرماندهی شوروی علاوه از دفع تجاوز آلمان مجبور عمومی اردوی امریکا در ماه جولای سال ۱۹۴۱ (بقرار تو شسته ویلیام شایر در کتاب بود یک مقدار نیروی نظا می خویش را رایش سوم) به مدیران مستول روز نامه های امریکائی اطلاع داد که دو یا سه هفته پیشتر به سقوط اتحاد شوروی نما نده است . لذا به گفته همین هو لف گفته های اندکلستان و امریکا در مورد شکست شوروی عجولانه ترا از هتلر بود ، خلق شور وی در بر تو نظام عدل و داد سو سیالیستی علاوه از نشان دادن رشادت و دلیری و وطن پرستی ، سجیه عالی انسانی را نیز خود تبارز دادند ، نیرو های نازی پس از تغییر سر زمینی علاوه از بدست گر فتن قدرت به انواع ظلم و جبر که فلم ازیاد آوری اش شرم دارد نیز دست می زند و لی آوانیکه لشکر سرخ فاتحانه وا رد بر لین شد بجز ما را دی که دشمن مقاومت لوجهانه می نمود همه رفتار و گرداش انسانی و حتی غیر کیته توزانه بود . در ماه اکتوبر سال ۱۹۴۴ از سرخ هتلری ها را کمال از سر زمین خویش بیرون راندند وحال قبل از حمله آلمان (به استثنای ویرانی ها و تلفات) اعاده شد . از همین روز ما موریت بزرگ و انسانی دیگری را اردوی سرخ به عهده گرفت و آن نجات سر زمین های دیگر اشغالی از چنگال خویریز فاشیزم بود .

صیخگا عان روز اول ماه می ۱۹۴۵ اردوی فاتح شوروی برق سرخ را بر فراز رایشتاک (قصر صادرات آلمان) به احتزار در آورد و در نیمه شب هشتم ماه می آلمان نازی بلاقید و شرط تسلیم شد و صبح همان روز دیگر معاربه ای را که هتلر به منظور تسلط بر جهان و بخصوص قلع و قمع اتحاد شود وی سو سیا لیستی آغاز کرد و سقوط دو لش خانه پذیرفت .

چنگ جهانی دوم با آنکه در قدم او بیرونی و قدرتمندی اردوی سو سیا لیستی را برآوردی امیریلیزم در عمل نابت ساخت داغ های انتقام نایدیری در دل بشریت گذاشت . درینجا نظر گذرانی به تلفات مالی و جانی



لیختن پیروزی در سیمای سربازان دیده میشود .



در آن روز های سخت سربازان شوروی بارشادت خاصی با فاشیست ها چنگیدند .

دارند پاشور و شعف و فرستادن نفرین‌های
بی‌پایان بر جنگ افروزانه می‌این روز
نجات بشریت از طاعون جنگ و فاشیزم
را جشن بگیرند.

نیاید ناگفته بگذربم که در شکست و قلع
و قمع نازیزم و فاشیزم مردمان نقاط مختلف
جهان بخصوص نیروهای چریکی سر زمین
عای اشغال شده و دیگر هو تلفین فسد
لشیستی سیم بسالی ادا کرده‌اند. ولی
سیم اتحاد شوروی دین نبرد ضد دشمنان
بشریت فاطح و تعین گشته بود.

اینکه سی و شش سال از شکست
نازیزم و فاشیزم سبیر شده است سیاره‌ها
یکبار دیگر باجتنگ احتمالی گه مجرک
و آتش افروزان آن همانا همان امیر یا لیزم
و فاشیزم عصر حاضر خواهد بود، تهدید
می‌شود. مشاوران سیاسی امیر یا لیزم
بدون اینکه پندت‌های ناشی از نتائج جنگ
جهانی دوم را در نظر بگیرند، سخت در
تلash اند تا در نقاط مختلف جهان برخلاف

اراده خلق‌های آن مناطق، مناطق نفس‌خود
برای خود تدارک بیند و بجا بجا ساختن
انواع اسلحه منجمله سلاح کشان دسته -
جهعنی به سر توشت بشریت بازی می‌گشته.
مثال زنده رو حیه جنگ طلبانه امیر یا لیزم
در قدم اول تشکیل پیمان تجاوز کارانه
ناقو (۴ اپریل ۱۹۴۹) می‌باشد. بیشترانه در
اینکه متابع و معافل امیر یا لیزم در حال
اعمال تحریک آمیز و تجاوز کارانه را در
نقاط مختلف گیتی مر تکب می‌شود اصطلاح
بدون چسب و غیر حقیقی خطوط شوروی؟!
را برای اعمال تجاوز کارانه خود رو بوس
آوار می‌دند ولی آنایکه جریا نات
سیاسی جهان را تعقیب می‌گشته بخوبی
می‌دانند که بر خلاف ادعای پوج امیر یا لیزم
این امیر یا لیزم ایالات متعدد امریکا است
که بر خلاف اراده و خواست مردمان ساکن
در منطقه خلیج فارس قوت‌های نفت‌گاهی و به
اصطلاح نیرویی تعریف کنند سریع و غیره را
در آن منطقه همچنان کنند می‌سازد و خلق‌های
منطقه را مورد تهدید و تجاوز قرار می‌دهند.
دهد. آری خطروی که خلق‌های آسیا -
افریقا و امریکای لاتین را تهدید می‌گشته
خطروی نیست ایجاد و توسعه پایگاه
های نظامی و جا بجا کردن نیروهای نظامی
رانواع اسلحه در نقاط مختلف جهان است
که از طرف امیر یا لیزم مدر راس امیر یا لیزم
بنگ فر اوز یا نکی صورت می‌گیرد. می‌
اشد.

مردم صلح جو، حمامه آفرین و آزاده
افغانستان در حالیکه سی و ششمین سالگرد
پیروزی صلح را بر جنگ که به پا یمددی

ویران گردید. چهل و سه هزار کتا بغانه
خودرا از دست داد یکهزار و هفتاد و ده
منهم گردید، سی و یکهزار و هشتاد و
شهر ویران شده بجا ماند. هفتاد هزار از
بنجاه واحد صنعتی ۶۵۰۰۰ کیلو متراه‌انه،
هتلر و تحریک دیگر نیروهای امپریالیستی
روستا در شوروی غارت و ویران شدش (۴۱۰۰)

ناسی از جنگ دوم جهانی و اتحاد شوروی
می‌گذشند خواننده محترم حدس زده می‌-
تواند که واقعاً طاعونی بابه قدرت رسانید
شهر ویران شده بجا ماند. هفتاد هزار از
بنجاه واحد صنعتی ۶۵۰۰۰ کیلو متراه‌انه،
هتلر و تحریک دیگر نیروهای امپریالیستی
روستا در شوروی غارت و ویران شدش (۴۱۰۰)



اعمال خشونت آمیز و غیرانسانی فاشیست‌ها، بصورت گسترده و وسیع درسینما هم بیانه گردید.

شیوه یافته بود که طبیب حاذقی چون میلیون خانه مسکونی با خاک یکسان گشت میلیون حیوان از بین رفت. جمعاً ۲۵۶۹ میلیارد روبل اتحاد شوروی در نتیجه جنگ سوسیالیزم و دز تغییر ناپذیر آن یعنی چهل هزار شفا خانه و آسایشگاه و بیمارستان میلیارد روبل اتحاد شوروی را سیدگراهی گردید. هشتاد و چار هزار هر کنترل تعلیم و جهانی دوم خسارة هند گردید. لذا بشریت اتحاد جما هیر شوروی سو سیا لیستی قادر بود خلق شوروی در نتیجه حمله تربیه اعم از مکتب و کوکستان و پوهنتون مترقی و همه نیروهای صلح طلب حق به معوان بود خلق شوروی در نتیجه حمله.

نیم نگاهی بر :

تبیع و نگارش ع.م. اسکندری

چهارم واقعی زن در آینده قم امام نما

ازدیشه پرولتیری

افراد آینده جا معا که را علیل و ناتوان بار می آورد . علاوه بر این شر کت بلاقید و شرط اطفال خورد سال و نوجوان (پسر و دختر) در تو لید خود باعث ازرسی عظیم اخلاقی در بین این لایه انسانی گردیده و سبب از همپاشیدگی نظم خا نواده می گردد . ازینجا مسلم استنتاج و کسب شدت تضاد های اجتماعی اگر چه باعث و رود تعدادی از زنان در جا معا طبقاتی و بالخصوص در جهان سرمایداری به بازار کار می گردد ، ولی این حضور زنان در تولید هر گز معنای وارستگی زن را از اسارت ندارد بلکه در آخرین تحلیل معناش افزون وزنه سنگین دیگری بر مصائب زن و وظایف اجتماعی او است .

آری ! محرومیت زنان از آزادی و نابرابری حقوقی آنان زاده مفرز مردها نیست ، (اگرچه اکثریت مردان جامعه طبقاتی همیشه روانا خود را بالاتر از زنان می دانند) این مسئله شاملوده نظام های طبقاتی است و ریشه اقتصادی دارد . بخاطر رفع این مسئله تنها حرف زدن ازتساوی حقوق بر طبق قانون ، آنطور یکه ایدنولوگ ها و رهبران جوامع بورژوازی فریاد می کشند کافی نیست . اگر هزاران نسخه قانون ساخته شود و در آن به اصطلاح برابری حقوقی زنان با مردان تضمین گردد و میلیون ها منبع تبلیغاتی از آزادی زنان حرف بزنند . هادمیکه زنان عرصه تولید اجتماعی بدور است و اگر در تو لید اجتماعی هم سهیم استولی در خدمت سرمایه قرار دارد نمی تواند آزاد باشد . لذا بخاطر بر هم زدن موقعیت غیر انسانی زنان در جامعه و بخاطر برابری اطفال می گردد که در نتیجه

ایدئولوگ های بورژوازی (جهان سرمایداری) فقط به همین دلیل که شاید زن جهان سرمایداری همکام با مردان دربرو سه تولید سهیم است از برابری حقوق زنان با مردان سرشت دیگریست ... و در تهای این «موجودیست دارای گیسوان د راز و عقل کوتاه » لذا او باید در انحصار «برابری» چه مصالحتی را برای زن و خانواده به بار آورده و می آورد : اگر چه معلوم است که پیشرفت ساینس و تکنالوژی کار بر مشقت دستی را کاهش میدهد و نیروی انسان را ذخیره می کند . لذا باید طبیعتا برای انسان خوش بختی بیافریند ، ولی این پیشرفت تحقیک در جهان سرمایه خود مصیبتی است بس بزرگ برای انسان . چه باایجاد ما شین آلات کار آسان تر میشود . کری راکه قبلا (در صورت نبودن ماشین آلات) باید مردان اجرامی کردن فعل (با ما شین) زنان و کو دکان نیز می توانند به انجام بر سانند . لذا سرمایه میدار بخاطر سودآبیشتر زنان و کو دکان را در فابریک جذب می کند . نتیجه این حضور در تو لید آنست که زنان و کو دکان با مزد بمراتب کمتری به کار استخدام می گردن تا معاش ای را که قبل از پدر فامیل می گرفت ، میان زن و اطفا لش تقسیم گردد و مرد از کار رانده شده و به ازدواج بیکاران پا بگذارد . که از یک طرف نیروی کار زن و کو دکان با پرداخت مزد نا چیز به بی رحمانه ترین شکل استثمار می گردد ، در حالیکه آنها جمعا همان در آمدی را خواهند داشت که قبل از پدر یکی از اعضای همان فامیل (مرد) میسر بود و از جانب دیگر شرکت کو دکان در کار بر مشقت و طویل المدت تو لیدی میگردید .

تآنکه زن را به مالکیت خصوصی مرد تبدیل می کنند . بر اساس «عقاید نظام » فیودالی زن موجودیست ناقص العقل ، نابخردوناتوان . او از سرشت دیگریست ... و در تهای این «موجودیست دارای گیسوان د راز و عقل کوتاه » لذا او باید در انحصار مالکیت شخصی بنابر پیشرفت وسائل تولید بیان می آید ، که این مالکیت شخصی در قبضه مرد است . مرد را سالار می سازد و اداره امور منزل از شکل دسته جمعی آن کشیده شده و به یک مشغولیت خصوصی و کسل کننده برای زن مبدل می گردد . تآنکه زن از پرسه اجتماعی تو لید بدر زده می شود . این دیگر سر آغا زیست برای محرومیت کامل زن . با وجود آنکه گذار از مادر سالاری به پدر سالاری نتیجه رشد نیروهای مو لده و انقلابی است بخاطر برقرار توازن میان مناسبات تو لیدی با نیروهای مولده جامعه . ولی این خود شکستی است بس بزرگ برای زن . ف . ۱ نگلس درین باره چنین می نویسد که سرنگونی حقوق ما دری شکست تاریخی جهانی زن بود . شوهر زمام رهنمائی خانه را غصب کرد و زن از مقام پر افتخار خود محروم گردیده تحت اسارت و فرمانبرداری شوهر فقط و سیله و لادت گردید .

ساخت اقتصادی ، اجتماعی بر دگری نیز «بردگی در خانه برای زن به ارمغان آورد ، چون او عمل پرده هر دیست که خود اسیر دیگری بود نظام فیو دالی در اسارت زن گامهای فراخ تری بر میدارد و این نیمه پیکره جامعه را به «ضعیفه » ، «سیاه سر » که باید در پناه دیگری به زیست خود ادامه دهد تبدیل میکند و برای آنکه این کتله هرچه بیشتر در انقیاد مردان باشد ، «ایدئولوگ های فیو دالی » محمل های ایدئولوژیک بیشتری می باند



یکی از زنان قهرمان اتحاد شو روی که در موارد مختلف به گرفتن مدلات های متعدد موفق گردیده است .

ولی در عمل اورا به مزدوری مزدوگانی که آنهم زیر انحصار ، اتحاد باعث از هم پاشیدگی کا نون خانواده گردید .

جامعه سهمی ساخت خواز این طریق به وابستگی اقتصادی وی در حقاً بل مرد که عامل اصلی محرومیت زنان و قیمومیت مرد بر زن است پایان بخشید. باید در نظر داشت که حضور زن در کار تو لیدی در جامعه سوسیالیستی آن نیست که در جامعه سرمایداری بوده درینجا زند ر شرایطی به بازار کار وارد می شود که اقتصاد ملی و دسته جمعی بر جامعه مسلط است و در آن از استثمار فرد از فرد سراغی نیست و بدین طریق او می تواند مساوی با مرد باشد و هو قوی چون موقعیت تمام قوانین اسارت بار طبقاتی مرد را در جامعه اشغال می نماید. اندیشه سوسیالیزم علمی بدین عن آکتفا نمی ورزد، زیرا معلوم است، با آنکه زن و مرد در تو لیداجتماعی ورهبری اجتماعی مشترک کا سهمیاند و تفاوت قابل ملاحظه میان آن زنان را از محیط کسالت بار امور فرقی میان و ظایف مرد و زن قابل شود. چون زن علاوه بر آنکه در تولید سوسیالیستی همگام با مرد است، وظیفه دیگری را نیز بدوش دارد که آن وظیفة مادری او و امور سوسیالیزم». لذا بخاطر آنکه زن در زندگی نیز عملاً با مرد تساوی حقوق را داشته باشد باید او را از چهار دیوار خانه بیرون کشید و در انقلابی تو دهها، تقویه و تشديد اداره تو لیدی، سیاسی و فرهنگی بقیه در صفحه ۲۹

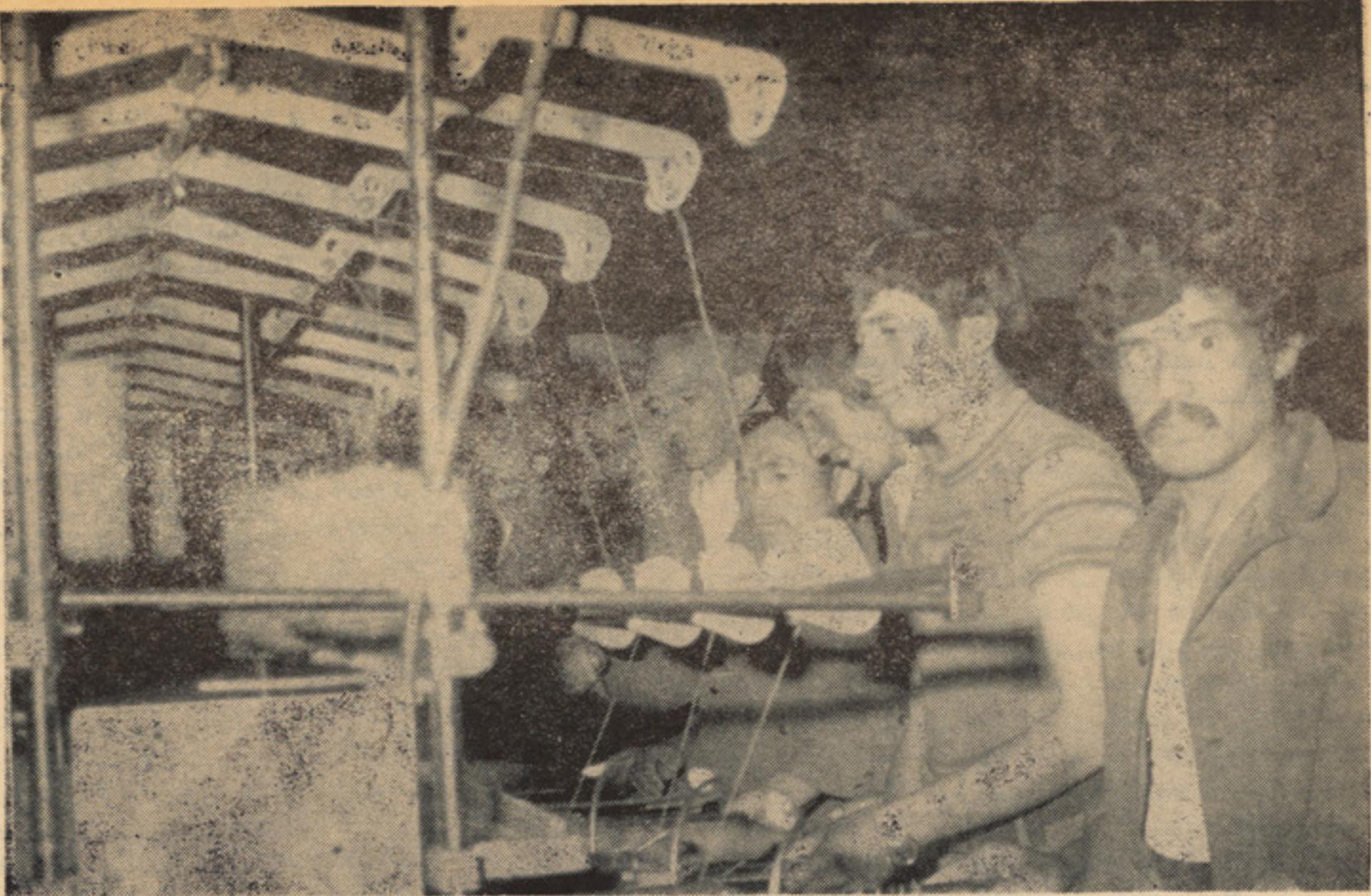
مجتمعیتی بین بدون اشتراك کامل و به هدف خود پرسند». با پیروزی انقلاب کبیر سو سیاستی اکبر و بوجود آمدن کشور کبیر شوراهای برای اولین بارز نجیب های اسارت از بازویان انسان رحمت کند بدون آنکه برای آزادی کامل زنان مبارزه کند». هم چنان که جنبش انقلابی زنان برای حصول آزادی شان بدون رابطه با جنبش عظیم توده که بخاطر پایان دادن اقتصادی بیان می آید نمی تواند. هر کسیکه تا انداده با تاریخ آشنائی داشته باشد، همچنان می داند که دگر گونی های بزرگ اجتماعی بدون مو جو دیت زن، غیر ممکن است. ترقی اجتماعی بطور دقیق می تواند از رول اجتماع جنس لطیف تعیین شود».

استادان بزرگ پسر یتو بانیان اندیشه پرولتاری تغییر جوامع کهنه وايجاد جوامع نوين و انساني را فور مول بندی کرده و راه رستگاري انسان را از چنگال اهريمني استثمار به خوبی نشان دادند. که علم بزرگ پیروزی های پر اقبال آن رهبر کارگران جهان درین مورد اشاره می کند که: «اگر کارگران انان می خواهند دوره رفعها و محنت هارا که مرتب باعصر جنگ های امپریاليستی است کوتاه تر سازد، ضروریست که کوشش آنها برای صلح، به شورش و مبارزه بخاطر سوسیالیزم مبدل گردد. کارگر زن تنها از طریق جنبش انقلابی تو دهها، تقویه و تشديد اداره تو لیدی، سیاسی و فرهنگی



ساز طبقه کارگر است. آنها نشان دادند که برای کسب آزادی، پرولتاریا و تمامی حمایت کشان جهان باید به مبارزه انقلابی انسانی دست زند و بانیروی خود جهان انسانی را بنا نهند، به همین منوال آنها به اثبات رسانیدند که آزادی زن نیز فقط با مبارزه خود آنان می توانند حاصل شود. رهبر پرولتاریا جهان در مورد گفته بود که:

«ما میکوئیم که نجات کارگران باشیست و ظیفه خود کارگران باشد، عیناً همین طور نجات زنان کارگر نیز باشیست و ظیفه خود زنان کارگر باشد». این دو مسئله (مسئله آزادی زنان و مسئله نجات تودهها) با هم دیگر در رابطه همیشگی و دیالكتیکی بوده، نفی یکی نفی دیگری و پیروزی هر یک پیروزی ایست برای دیگر. این بدین معناست که مبارزات زنان برای کسب حقوق شان هر گز نمی تواند جدا از مبارزات عمومی تودهها باشد، همزمان با آنکه پیروزی تعویلات بزرگ



فوتوی فوق نهایاتکر کار پر تهر و خستگی ناپذیر کارگران زحمتکش فابریکه پشمینه باقی می باشد.

پیوسته بگذشته کارگران روز اول می داشکوهنمدی خاصی تجلیل می نمایند



محمدعلی باشی عمومی افغان ترکانی تصدی

گران زحمتکش گشود ما سواد و دانش کسب
نمایند و شعور سیاسی خویش را بالا ببرند،
حتی دولت انقلابی ما در پرتو پیروزی مرحله
جدید و تکاملی انقلاب آزادی بخش تور زمینه
مبذول می دارد، دولت علاوه بر آنکه معاش
کارگران را به پیمانه وسیعی افزایش بخشد
است زمینه کسب سواد را نیز برای کارگران
دانشجویان گشود به گشود های دوست غرض

هم به سر کار نمی فرمید» کارگر چنان حساس
می گند که واقعاً هم ما اشخاص تنبل و بیکاره
بی هستیم که کار روزانه ها قناعت آمرین
را فراهم نمی سازد و این شیوه در دوران
قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند توردرهمه
کار خانجات و دستگاه های کارگری کشودهای
مشاهده می رسانید کارگران برای آنکه به
حقوق حقه خویش و فریب کاری های کار
فرمایان مستبد بی نیزند از تگاه روانی و ذهنی
سخت گوینده می شدند و بعای تشویق تهدید

می شدند و در بدال کار زیاد تهره گمی بدست
می آوردند ولی با پیروزی انقلاب آزادی بخش
تور وبخصوص مرحله نوین و تکاملی آن در این
وضع تغیر قابل ملاحظه بی بیان آمد و حزب
ودولت انقلابی مایه امر تشویق و کمک مادی
و معنوی کارگران دورانساز گشود توجه جدی
مبنی دارد، دولت علاوه بر آنکه معاش

جواب می گوید: «محمدعلی باشی عمومی افغان ترکانی
تصدی، هر دی است کهین سال که بقول خودش
فراخ التحصیل رشته نجاری مکتب صنایع
می باشد و از مدت نزدیک سال بدین سود
خدمت هموطنان خود قرار دارد».
می برسم: اولاد داری؟
می گوید: اعضا فامیل را به شمول خودم
گران از نظر روانی نیز در خور اهمیت به
سیزده نفر تشکیل می دهد یعنی به استثنای
شعبات بر سر کار ما کارگران قدم زده هماید
خودم و خانم یازده اولاد دارم.
می گوییم: فعلاً درجه چند هستید و معاش

جواب می دهد: فعلاً درجه اول می باشم و
مبلغ چار هزار و دو صد و پنجاه افغانی معاش
دارم و اکنون که به اثر توجهات نیک دولت
انقلابی مادر معاشات کارگران واجیران دولت
افزایشی بعمل آمده است نهادام در معاش من
به دیروز کار زیادی انجام بذیرد، ولی
بر عکس اگر گفته شود «شما کار گران نالایقی
ازوی می برسم که از نظر شما چه چیز باعث
هستید که با وجود آنکه هر کدام شما سالیان
علاقه یکنفر کارگر در کار او می گردد دفعتاً زیادی را در این کار سپری نموده اید هنوز
گشود روز به روز مساعد ترمیکر داند تا کار

اتحاد طبقه کارگرو تهمام زحمتکشان افغانستان شرط ضروری برای پیروزی نهائی انقلاب اوروپ مرحله نوین آن است.

هرگز بر ۱ میلادی ۱۹۴۵ این دشمن کارگران و خلقهای زحمتکش جهان.

کارگران هیهنه! صفووف تانرا بخاطر اعماق جامعه نوین فشرده تر سازید.

فرخنده باد جشن اولمی.
جشن همبستگی بین اسلامی کارگران.

افغانستان آزاد سر بلند و انقلابی که ماباید
تحقیق آن کارو پیکار می نمایم.
نوروز علی کارگر شعبه بافت فابریکه
یشمیله باشی که از مدت دوازده سال بدین
طرف در این فابریکه کار می کند بعد از آنکه
حلول جشن همبستگی بین المللی کارگران
جهان را به کارگران کشود و گیتی تبریک
می گوید، می افزاید:
این روز مثل وحدت و یکپارچگی کارگران
در برایر وحدت جهان سرمایه داری می باشد
و این روز تجدید و تحکیم اخوت و
یک پارچگی کارگران زحمتکش کشورهای جهان
است، چه در همین روز بود که کارگران
بزرگترین شکست را به جهان سرمایه داری
دارد آورده حقوق خوبش را بست آوردند.

و آمرین حس تفاهم ایجاد نماید تادر فضای
پراز اعتماد و دوستی کارگران ما بتوانند کار
های محوله را بخوبی دنبال نمایند و از آن
نتایج خوبی بیار آورند.
او میگوید رویه آمرین هادر مقابل کارگران
فوق ایعاده خوب است و ماعم از رعنایی های
آن هادر کار روزمره خویش استفاده اعظمی
بعمل می آوریم، امیدواریم ما همه ماموران،
کارگران، دهقانان، پیشه وران و سایر
زحمتکشان افغانستان به امر اعماق جامعه
عادلانه نوین فاقد استثمار فرد از فرد بزودی
تایل آمده همه نابرابری هارا از دامان مظہر
جامعه «حیوب خود دورسازیم»
این است آرمان مشترک همه زحمتکشان

محمد ولی باشی شعبه فشنگ.

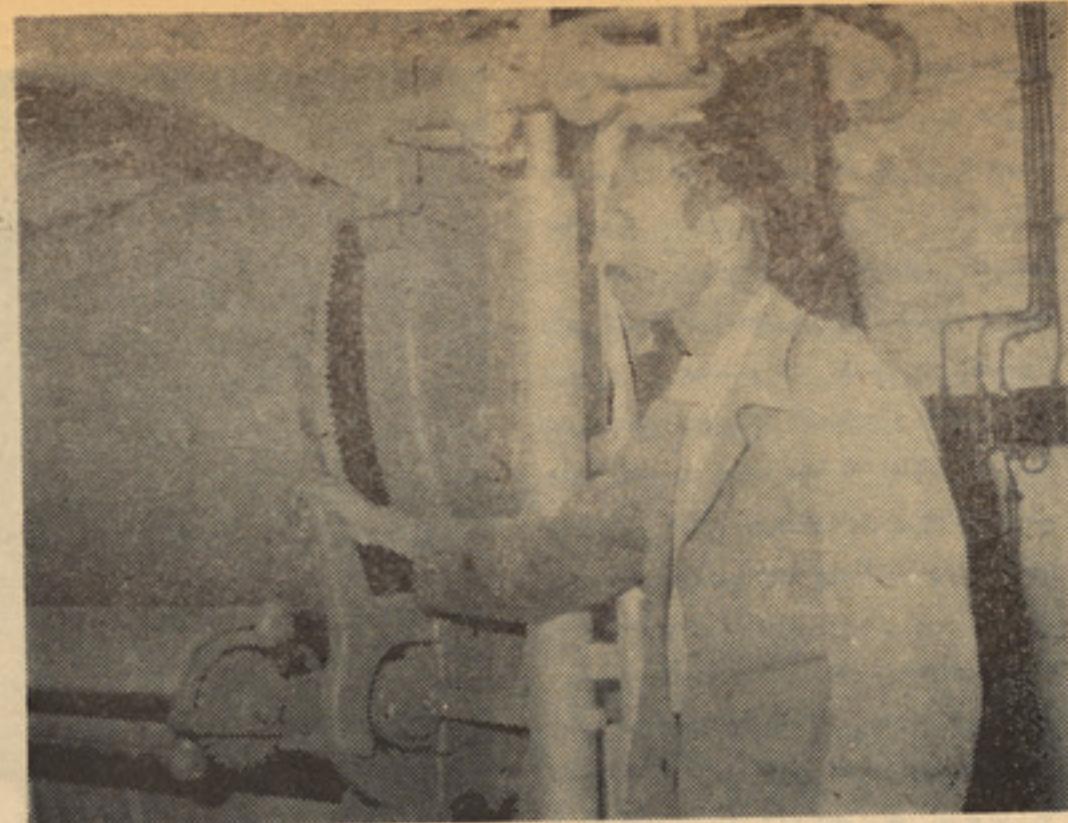
فراتر درس و تعلیم مساعد گردانیده است
که این امر در ذات خود قدم بزرگی است که
در جهت اکتشاف ذهنیت کارگران زحمتکش است.

کشود بر داشته شده است.
وی می افزاید: ما هرگز از این اقدامات
مربوط بعداز پیروزی انقلاب برگشت نایدیم
ارزشمند حزب پیش آنکه خوش دولت
نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن در
مقابل کارگران چنین میگوید:
چون دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان
نماینده راستین ما کارگران و زحمتکشان
کشود بوده به خواست واراده مامیان آمده
است گوتشش بخرج مددتمایان شمه کارگران
محبوب و دوست داشتنی مان افغانستان آزاد
وانقلابی درستگر کار و بیکار فراد خواهیم
داشت تا به کمک هم بتوانیم اهداف و آرمان
های والای حزب دموکراتیک خلق افغانستان
را که در واقعیت امر اهداف کلیه زحمتکشان
کشور اعم از کارگران، دهقانان، ماموران،
پیشه وران و سایر اقشار و طبقات زحمت کش
کشور را تشکیل می دهد در ساحة عمل پیاده
سازیم می بدم قول خویش نا آخرین رقم
حیات پایدار و نابت قدم خواهیم بود.

حال بر فابریکه دیگر تولیدی کشود یعنی
فابریکه یشمیله باشی می رویم و با چند تن از
کارگران این فابریکه نیز سر صحبت
می گشائیم.

محمد ولی باشی شعبه فشنگ مربوط
مدیریت و نگاه می آمیزی که از مدت چهارده سال
بدین سو در این فابریکه کار می کند و در کار
خود نیز مبارز زیادی نشان می دهد بپاسخ
سوالی میگوید:

فعلاً یجیت یک کارگر درجه پنج ایفای
وقایله می نمایم و مبلغ دو هزار و شش صد
افغانی معاش دارم قبل از افزایش معاشات
معاش ماهانه مرابلغ دوهزار و هشتاد و هفت افغانی
تشکیل می داد که بدین ترتیب بادر نظر
داشت افزودی آخر در معاش ماهانه من



نوروز علی کارگر شعبه بافت.

ما یوسی که نجات شان را از آن دشوار می‌باشد غوطه ور آند و نمی‌توانند مسا عی خوش را طور لازم متنو جه عمران جامعه نهایند.

دکتر اید وارد بابا یان رئیس کمیته دایمی کنترول ادویه مخدره وزارت صحت عامه اتحاد شوروی و نهاینده این کشور در کمیون ادویه مخدره شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در زمینه مسا له اعتیاد بادویه مخدوه در جوامع سرمایه داری و جوا مع سو سیا لیستی بخصوص اتحاد شوروی چنین گفته است:

طی سال های اخیر اعتیاد بادویه مخدوه بیش از پیش بحیث یک برآبلم حاد در کشور های غربی عرض اندام نموده است. در حالیکم در گذشته (۲۰۰) هزار نفر در غرب به هیروئین معتاد بود اکنون بر معتادان این ادویه در غرب طور قابل ملاحظه افزایش بعمل آمده است. تن چه در غرب تا حدودی در سطح ملی و بین المللی علیه تعیین استعمال ادویه مخدوه مبارزه می شود معبدا هستون گفت که تابیری که در زمینه در غرب اغذیه می شود صرف به منظور فرونشاندن مظاهر اعتیاد بادویه مخدوه است نه برای امدادی علی ریشه بی آن که در شرایط اجتماعی نهایت می باشد. علی اعتیاد بادویه مخدوه در جامعه سرمایه داری عبارت انداز بیکاری عدم امنیت و مصوو نبست، تعیین بحران اقتصادی و رشد انفلاتیون که بیش از هر طبقه بر روح و فکر جوانان این کشورها تأثیرات سو و ناگواری بجا می گذارد. مساله بیکاری در جوامع سرمایه داری به قدری حاد است که حتی بسا از فارغ التحصیلان مؤسسات تعليمات عالی قادر نیستند که کار پیدا کنند و یا اگر به مشکل موفق بدریافت شغل و کار گردند تضمینی برای حداکثر طولانی آن موجود نیست. و همچنان از عدم

«دسترس به تسپیلات لازمه تعیینی و صحی درین کشورها رنج میبرند. در حالیکه در جوامع سو سیا لیستی طور مثال اتحاد شوروی مساله شغل به خوبی حل شده و حق داشتن کار به حیث یک حق طبیعی برای اتباع این کشور تضمین گردیده و در عمل فرسته های گوناگونی اسرار جهت استغلال درامور مختلف تو لید اجتماعی درین کشور موجود است.

در عین حال یک تعداد زیاد افراد در جوامع غریبی با آنکه مربوط به طبقه مر فه است معتاد بادویه مخدوه آند که بدون شک می توان علت این امر را در ترکیب و ساختمان اجتماعی جوامع سرمایه داری و ارزش هایی دانست که بر آنها تاکید دارد باشد از عان کرد که در جوامع غریبی برای منجر ف گردانیدن تو جه از علی اجتماعی اعتیاد بادویه مخدوه، عوامل بیو لوز یکی از مسائل حادیگه حیات بشر را در وانزدی او را در جهت غیر تو لیدی و غیر معتاد بادویه مخدوه پیوسته به عدم تعادل رادر زمینه دخیل میدانند و طور مثال



اقتصاد کشور های سرمایه داری غربی طور روزافزون به بحران عمیق مواجه می شد. از دیابیکاری که علت آن روی آوردن به ادویه مخدوه می باشد درین جوامع محسوس است. این گروه عظیم دختران روز هارا با تنهایی یافتن کار سیری می کنند و از بیکاری رنج میبرند.

ترجمه: ر.ی

نویسنده دکتر بابایان

اعتباد به ادویه خدره بحیث یک

سرطان اجتماعی

بیکاری، عدم مصوو نیست و بحرانات اقتصادی عوامل اصلی اعتیاد بادویه خطرناک در ممل سرمایه داری غربی است.

در جوامع سوسیالیستی علی واقعی اعتیاد بادویه مخدوه از بین برده شده است.

یکی از مسائل حادیگه حیات بشر را در وانزدی او را در جهت غیر تو لیدی و غیر معتاد بادویه مخدوه پیوسته به عدم تعادل هصر کنونی مورد تهدید قرار داده، شهر سوق هیده عبارت از اعتیاد بادویه رو حی و جسمی مواجه آند و در بعضی رادر زمینه دخیل میدانند و طور مثال

ادویه است تا چه از راه قا نو نی و چه از طریق غیرقا نو نی دوام داشته طور فوق العاده برای قاچاق بران بیرون متفق باشد . تحقیقات نشان داده است که در ایتالیا برای بعضی کشورهای دیگر ادویه مخدره خفیف برای معتمدان فراهم شده است و این یک روش جدیدی نمی باشد چهار سالاً لیان هتمادی چنین عقیده موجود بوده است که یک از طرق اساسی معالجه دادن یک مقدار کم ادویه مخدره بر هریضان است . کذا مساعی برای جائزین ساختن سایر ادویه طبی به جای ادویه مخدره به معتمدان به عمل آمده است . با این معنی که برای ترک اعتیاد یک دوری مخدره به هریض نوع دیگر دوا را می دهند که تأثیرات مشابهه بر ارگانیزم جسمی و ذهنی فرد بجا می گذار و تی مطالعه و تجزیه چندین ساله در قسمت جا گزینن گردانیدن ادویه مخدره با سایر انواع ادویه که تا حال تحت کنترول در نیا مده ، باید گفت که ما هیئت همچو تدبیر بعضاً منجر با محای سریع معتمد و هرگز وی میگردد در واقع این یک طریق مبارزه علیه ادویه مخدره و یا یک نوع معالجه نی بلکه یک سازش بین طبیب و بیمار معتمد بادویه مخدره است که بعضاً به قیمت صحت و حتی

حیات اخیر الذکر تمام می شود . به عقیده دکتر بابایان ، منع و یا ترک کامل ادویه مخدره گزینه امن نسبتاً مشکلی است به آنهم اساسی ترین طریقه در زمینه محسوب میگردد زیرا هدف از آن حفاظت صحت افراد است که اعتیاد بادویه مخدره یک مرخص است که باید هائند یک مرخص با آن طور منظم معا مله شود چنانیکه در اتحاد سوروی این کار صورت میگردد .

در اتحاد شوروی تعداد کسا نیکه بعیت معتمدان ادویه مخدره تبت شده و تحت معالجه

است رو به کا هش میباشد چنانچه در سال ۱۹۷۵ قریب ۲۷۰۰ معتمد ادویه مخدره درین کشور موجود بود و این رقم در سال ۱۹۷۸ بالغ بر (۳۰۰۰) معتمد بود . باید گفت که معتمدان ادویه مخدره مخصوصاً استعمال کنندگان مورفین و کودین ، ادویه مذکور را بعیت تخفیف دهنده درد تصور می کنند در حالیکه ادویه مذکور قادر نیست که طور دائمی ایجاد تسکین کنند و اثرات سو بر ذهن و تعادل جسمی معتمد به جای میگارد .

در اتحاد شوروی هسته و مواد اولیه تولید ادویه مخدره از بین برده شده معتمدان محدود گوگانین درین کشور مربوط به دوره های گذشته قبل از انقلاب کمتر اکتو بر است . در اتحاد شوروی مبارزه علیه ادویه مخدره و جلوگیری از گسترش آن بر اساس تو جه برداشته و علل کسب اعتیاد و روی آوردن بقیه در صفحه ۴۱



گفته میشود که درغرب بعضی مردم یک نوع تمايل در مورد استعمال ادویه مخدره نشان میدهند .

البته این ریشه مبالغه نیست چه اعتیادروز افزون بادویه مخدره در غرب عمدتاً زایده یک بحران عمومی عمیق است که گزینه نگیر جهان سرما به داری گردیده است . از همه خراب تر اینکه مقامات مربوط درین کشورها ترجیح میدهند که از مقاومت کمتر در زمین مقابله با تعییم ادویه مخدره کار گیرند و حتی در صد قانونی گردانیدن استعمال ادویه (بعیت یک راه حل افتاده اند ، مقامات مذکور مدعی اند که ادویه مخدره بی چون ماری جوانا ، چرس وغیره کدام ضرر جدی را بار نمی آورد . چنانچه جیوه کارتر و نیس چهارم سالی امریکا در اگست (۱۹۷۷) طی

نطاق در کانکرس امریکا گفت :

ماری جوانا یک مبالغه ضد و نقیض باقی خواهد بود ، زیرا بعد از چهار دهه ، مساعی برای عدم تشویق استدعاهاز آن از طریق قوانین جدی تاکنون موفق آمیز نبوده است . بیش از (۴۵) میلیون امریکا بی در حیات شان به استعمال ماری جوانا مبادرت ورزیده و قریب (۱۱) میلیون دیگر طور منظم آنرا استعمال می کنند . من قوانین را حمایت میکنم که قانون فیدرال مبنی بر تعیین مجازات جنایی فدرالی در مقابل داشتن الی یک ادویه مخدره تاکنون موفق آمیز نبوده اند . ادارات غیر فیدرالی اداره می شود در صدد مجازات را از بین ببرد ..

البته این تصویر کامل حقایق نیست چه همه معتمدان با آنکه مؤسسات صحي توسط اونس ماری جوانا را ترمیم کنند و این مجازات را از بین ببرد ..

بناءً تعجب اور نیست که تسلیمی در سایر کشورهای اروپای غربی مجازات امریکا بی در مقابل فشار برای تعییم ادویه مخدره و کمتر شدن کنترول آن به استعمال حتی بیشتر ماری جوانا و تعییم آن در امریکا انجا میده است . خطر بزرگتر از اینجا بر می خیزد که معتمدان میغواهند هیلک در جمهوریت فیدرال آلمان مصرف شد



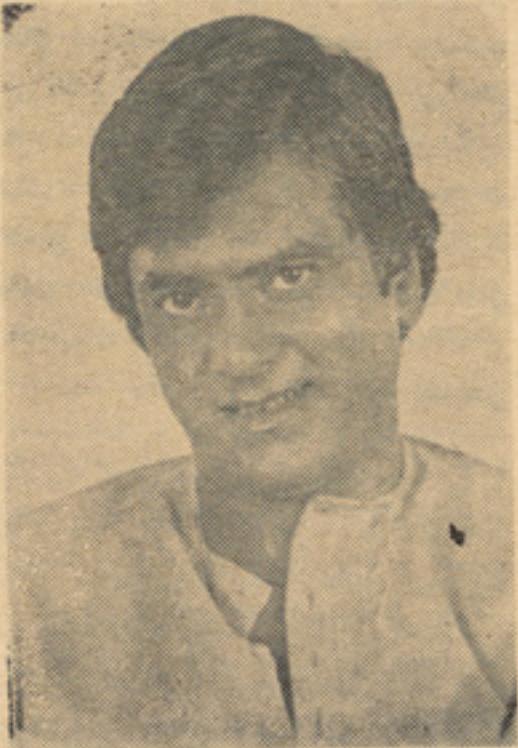
* در اتحاد شوروی علل واقعی اعتیاد بادویه مخدره که عبارت از بیکاری ، غربت و وولگردی است از میان رفته است . جوانان با اطمینان از آینده درامور تولیدی خدمت میکنند و در بیبود جامعه شان می اندیشند .

ناظر ای ای ملوخ و سنتیکو ۱۱ کتر یس زیبای هنرمند حبوب سینمای هند

شور وی

چیتندر اکتور معروف سینمای هند که فلم های خوب اورا بیاد داریم درین اواخر فعالیت های سینمایی اش را کاهش داده تا زیادتر به امور شخصی خود بپردازد یکی از فلم های خوب وی را که بمناسبت ویساک در تلویزیون به نشر سپرد. پریتما است نتوسنه نقش مقابل وی را خیلی ماهرانه بازی کرده است.

سناریوی فلم روی پرابلم عای زن و شوهر استوار است که گذشت کانون خانواده را از بر بادی نجات میدهد.



چیتندر اکتور معروف سینمای هند

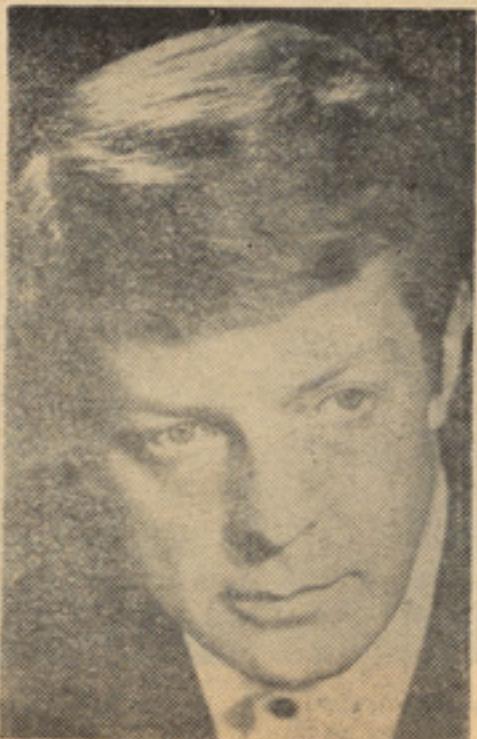


انستیتوت سینما را تما م کرده و در فلم های ((درنژدیک بنده))، ((شاعر بیت بخوان))، ((امید))، ((بحر))، ((سرخ و سیاه))، افسانه تیل)) خیلی مو فقاهه در خشیده و پر نده جایره دو لته شناخته شده است.

نهاد گان

افسانه

ساز



هنرمند جوان او لک سترشرينوف

او لک سترشرينوف اکتور معروف سینما و تیاتر اتحادیه سوروی آموزشگاه هنری بنام «شوگین» را تمام کرده است.

در تیاتر هنری مسکو بنام «گورکی» ایفای وظیفه می‌نماید و در نمایش تئاتری «چایکا» سه خواهر خوب میدر خشد.

در فلم های «خرمگس»، «مکسیکویی» چهل یکم «مسافر» فلم مشترک هند و اتحادیه سوروی دختر کیتان «زنگنی در دست توست» شب عای سفید» داستان شمال «ماتکه قره» «دوبل» (ترسو) سه خواهر، جوان سوم اورا و پرنسدا «میکردن».

«الوداع» در فلم مأموریت در «کابل» «زمین تاملات» خیلی ماهرانه تبارز نموده است.

کمال ناصر دوست



کمال ناصر

جو انسی خیلی صمیمی و با استعداد است. من گشتر تی را بیا د دارم در زیتب نتداری که تماشاج خیلی کم بود اما وقتیکه این خواننده جوان ظاهر شد و بیارچه های خود را خواند خیلی بورد توجه واقع گز دید، آواز رسا و گیر ادارا گرایین جوان زیاد تر تشویق شود و بیارچه های جدید تبت نماید استعداد وی روز بروز شگوفان تر خواهد شد. اما کمال ناصر باید باشستکار خستگی ناپذیر مصروف شود وجدیت بخرج دهد از همه مپمتر زود مغروف نگردد باشپرست دست داشته قانع نباشد افق هنری انتہاست.

فبر د آزادی

شعر . - د ((ستگر))

لیونی سیمه

نه می شسته بیر وانه رسمو ا توب او له چو غل خخه
ماد یتی مینی خنخیرو نه تو لشلوی دی
زه خو - له زندی او له مر گئی خخه داریم نه
ما هر شیبیه دمر گث تا لو نو کی خا نکلی دی
اور خه - سو خید ل خه ور نه سر نه غیر و هه زه
ما دبیلتا نه او رونه وار به وار لید لی دی
ما چی زیه ور کپری دی دیار سیبی خلی مینی ته
هر خه چی راخی راخی دی ما پایه خان منلی دی .
نه غواصم شراب ساقی اپتیاور نه هیچ نه لرم
ما پیالا لو دشو نیبو کی د مینی شراب چینی دی
زه سر تیر دهی مینی - کار می مینه - تل به مینه وی
ما هر یور قیب ته دا په جار او جار و یلی دی
زهد عشق هور چل کی نا سستیم و ینم با که می شسته دی
خه که رقیمان می به لو تیماریسی را غلی دی
خم به ویرا ندی خمده دا تکل او دا می هو چ دی هو د
نه می شسته برووا چی د تلو لاری بی نیو لی دی
زه دخیلی مینی ننگ او هو دپوره کیدل غواصم
خکه می دلی دلی او رونو ته دنگلی دی
نه لرم هیچ نه ارم . دهیم خیز بیر وانه لرم
ما دین او دنیا د عشق جوا ریوکی با یللی دی
یه مینی زما مینی زوندی اوروانی او س
ما خیله خوانی او روند تو لستا لاره کی بشیند لی دی .

د چنگابن ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ کال - گندھار



بزم فاز

به نوک سیمه سیمه مین فگند ۵ عقد گهر
رس شاخه زرین به بزم فاز بهار
شراب نو گسی و موج شگو فه عطر فسیم
ز کفر بوده دل واز دلمربوده قرار

یک صبحگاه که نور فروزان آفتاب
بر قله های
سامانخ این بوم و بر نبود .

نسیم سرد
لرزه بر اندام می فگند

از روشنی
به هیج گناری اثر نبود

آنسوی دشت
یعنی هیان گرانه ها

رزم آ و ران

فشرده بدان گهیسار

صف بسته بی شمار

عنکا مه ها به پا

فریاد و نعره ها

به به چه محشر است

دنیای دیگر است

توفان خشم و گین

غردم فزوونتر است

در دشت بیگران

سور دلاوران

اینجا د گر

صحنه پیکار روز گار

هر دان زندگی

آمد به کار زار

نا درد حق

بد شمن بیداد گر دهد

ایشت که ما زندگی

آزاد میکنیم

از گشتگان راه نبرد یاد میکنیم

ربانی کو عنورد

سال - ۱۳۵۷

سر بلندی بحوى

ستگر د شمن اد نهی شکنی
در صف دو سنان شکست میاش
بت شکن ار نشدی عیبی نیست
بر عهن وار بت برسن میاش
گر شکستی بر زم شکوه مکن
و ر شدی گا مگار میش میاش
بر سر دار سر بلندی جوى
ارج گرمی طلبی بست میاش
دد طلب گام دا جلو تر نه
یای در بند آنجه هست میاش
عظیم شیوال

رژیم غذایی و مساله‌زیبایی

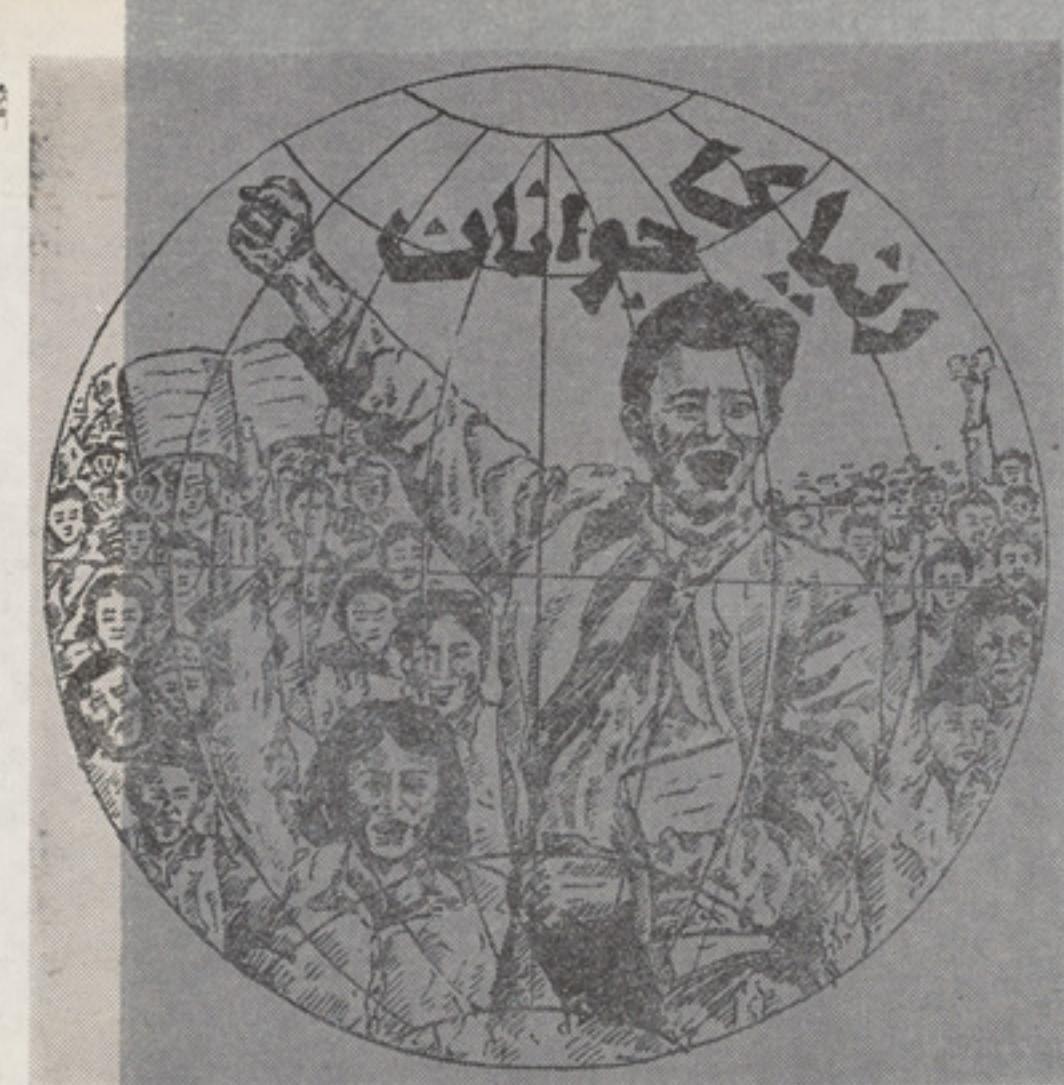
هر سال هو تعیکه سال نو آغاز هم شود توانسته دستورات د گتور را هر یار نماید و یا اصلاً به د گتور مراجعت نموده جوانان مخصوصاً د ختران برای اینکه در سال روان بتوانند زیبایی خود را حفظ و بدون مشوره گتور دست به گرفتن رژیم غذایی زده که این کار بدون نتیجه بوده نمایند شروع می‌کنند به ساختن بر نامه و شخص را ضعیف و ناتوان نیز می‌سازند. این رژیم غذایی و پروگرام را تعقیب می‌کنند و با علاوه قمندی دنبال می‌نمایند طبق موازین علمی و تقریر به شرایط جسمانی ولی هستند یک‌گاهه که آنرا در نیمه راه رها صورت بگیرد. چه در غیر آن کو چکترین فایده و پیشرفتی در این زمینه بدست صحت و سلامت و زیبایی خوش هستند در نفواده آمد.

گسانیکه به مشکل چاقی گرفتار است و می‌خواهد از اندام زیبا بر خوردار گردند او از همه ورزش‌های که برای درفع این مشکل موجود است استفاده کنند. در پهلوی آن رژیم غذایی موثر و دوهدار مطابق دستورهای علمی که برای این منقوله تهیه شده استفاده گردد.

گرفتن رژیم غذایی شاید کار بسیار ساده نباشد، این عمل هوصله و دقت زیادی می‌خواهد که نباید به آن بی‌توجه بود. یک هو ضوع را خود می‌سازند. یک هو ضوع را خود می‌سازند، خواب کمتر می‌نمایند، ورزش زیاد می‌نمایند و گاهی هم ادویه مختلف را نیز استعمال می‌کنند که این کار آنها علاوه از اینکه فایده به حال شان نداشته باشد نیز دارد.

مشلاً دختر جوانی که وزن ۱۰۰ کیلوگرم بوده و انسان نمی‌تواند که بدون آن از بدن بوده کار و زندگی عادی بپردازد و عدم کافی به کار و زندگی عادی بپردازد و عدم از غذاها چشم می‌پوشد، این پیراهیز آن باعث بی‌حالی و ضعف های متوالی شاید ماه‌ها ۱۰ کیلوگرم تا ۲۰ کیلوگرم می‌گردد.

ساده ترین راه برای زیبا بی اندام ورزش است سبب هریضی های دیگر نیز شده. این بخار آنست که شخص مذکور بوده در پهلوی آن خوردن و صرف نمودن



رسانی جوانان

رسانی جوانان

حوالان و خود ارادیت

۹) یک‌گاهه در باره پسر جوان نیکه هوتور او را بیرون اجرازه برد و بود بین دو گشته در عوض آنکه وقتی در باز گشت در اختیار مدلزت بخواهد از قضیه اذکار نموده و خود هم شب را از ترس بخانه رفیق خود گذشتند، اظهار عقیله می‌کند: «آیا با او چکنم؟

۱۰) پسر یکه در اثر نداشتن اشیاء درست و هدایت روشن معلم خود ناکام شده بود در حلب لیکه او دارای استعداد بالقد قدر از حد او سلط بود چنین میگفت: «این معلم ایو سنه در صنف میگفت که اکن کاری می‌کنید یا نمی‌کند و درسن هی خواهد و یا نمیخواهد من بوط بشما است.

او هر گز به انجام کاری، هارا وا دار نساخت و هدایت و اصرح ورزشمن نداد. بین کاری نکرد م در نتیجه ناکام شدم...» درین دورد خاص اینقدر میتوان گفت که این و سیله همچو حد مت را

آرزو دارم تا انجام دهم و والدین بعمل آورد چنانکه همچو قدر صفت خدمه ای به نسل جوان سایلان مددیدی برای من میسر بود و افتخار رهنما ای ایشان را داشتم. اکنون به این و سیله همچو حد مت را

نا برده رنج گنج میسر نمی‌شود + مزد آن گرفت جان برادر که کار نازک انقباطی خود ارادیت جوان بسازم.

ادامه دارد



های سرشناس و شناخته شده شعر معاصر تاجیک به شماره آید ، به همین گونه مو سیقی و دیگر هنر های محلی ها را بیشتر مادر کلان او هنر پیشه توانای تیاتر بوده و در گذشت تا در بر نامه های آینده خود از آن مایه بگیرید و در صورتی که «گروه های مادرش آیدینه عثمان و هنر مشل ورزیده تیاتر است ، او که ازدواج گرده و صاحب دو پسر نیز هی باشد آزو داشت فرزندانش دختر هی بودند تایشه ر فاصله گزیده بیش ببرند و در این هنر به شهرت رسند ، خودش نیز آموخته را زشگاه رقص را به پایان آورده و مدت چهارسال در مسکو به تکمیل آموزش در تیاتر مشهور آنجا گذرانده بوده ای و نیز در لین آباد سرود خوان و رقصه بوده است .

زیبا تاکنون در کشور های عربی ، تند ، چکو سلواکیا ، هنگری ، اکثر کشور های سوسیالیستی و تمام جمهوریت عالی اتحاد شوروی سفر گرده و بر نامه های فرا وانی را به اجرا آورده است که با استقبال گرم و پرحرارت مردمان این کشورها روپرورد شده است .

او درباره اینکه آیا رقص هم هاست هنر های دیگر هی تواند هنای هم عالی و اجتماعی را در بیننده القاء کند و میان اجراء گذشته هنرمند و بیننده و تمثیلگر توئی ارتباط عاطلفی را برقرار سازد و یا خیر ؟ میگوید :

نا تمام

افغان آشنا شوید و یا خصوصیت های مارس به تلویزیون افغانستان هدیه می گردد چنانکه آهنگ افغانی : « گلشن » درگ کنید که این ها همه نماد هایی است از آن مایه بگیرید و در صورتی که « گروه های شما رقص ها و سرود های ما را به اجرا می گیرند با شناخت بیشتر از دیگر کاری دو پسر نیز هی باشد آزو داشت فرزندانش دختر هی بودند تایشه ر فاصله گزیده بیش

بهرند و در این هنر به شهرت رسند ، خودش نیز آموخته را زشگاه رقص را به پایان آورده و مدت چهارسال در مسکو به تکمیل آموزش در تیاتر مشهور آنجا گذرانده بوده ای و نیز در لین آباد سرود خوان و رقصه بوده است .

زیبا تاکنون در کشور های عربی ، تند ، چکو سلواکیا ، هنگری ، اکثر کشور های سوسیالیستی و تمام جمهوریت عالی اتحاد شوروی سفر گرده و بر نامه های فرا وانی را به اجرا آورده است که با استقبال گرم و پرحرارت مردمان این کشورها روپرورد شده است .

او درباره اینکه آیا رقص هم هاست هنر های دیگر هی تواند هنای هم عالی و اجتماعی را در بیننده القاء کند و میان اجراء گذشته هنرمند و بیننده و تمثیلگر توئی ارتباط عاطلفی را برقرار سازد و یا خیر ؟ میگوید :

زیبا امین زاده که د هبری گروه « زیبا » را به عنوانه دارد در یک خانواده هنر برور زاده شده که کار های فرهنگی و هنری و ادبی را پیشه خود ساخته بوده اند ، پدر او شاعر معروف مردمی تاجیکستان است و فرستاده بیریم که امیدوارم این کار هر چه زود تر عملی گردد .

...

- دیده می شود که در گروه های شما افغانی را به و سیله گروه های « گلشن » و « زیبا » به اجرا آورده و آنرا از طریق مارس به تلویزیون افغانستان هدیه دهیم که این ها همه نماد هایی است از علاقه و اشتیاق مردمان ما به هنر های هردو هایش آن را به اجرا میگردند با شناخت بیشتر از دیگر کاری دو پسر نیز هی باشد آزو داشت فرزندانش دختر هی بودند تایشه ر فاصله گزیده بیش

بهرند و در این هنر به شهرت رسند ، خودش نیز آموخته را زشگاه رقص را به پایان آورده است که باشد آنرا از دیگر کاری دیگر که این را به اجرا میگردند .

ای بی بی رحم شکار بر اتفاقم هم صدق میگند ؟

چوایش اینگونه است :

مردم گشتو های ما با هم و جوهاد استراکی فراوان دارند ، عرف و عادات و ریشه خیلی از هنرها و در این شهاد آهنگ های محلی در میان شان وجوده مشترک دارد چنانکه دن به جرات می توانم برای شما بگویم که همین اکنون ها گفتار از کسی و گروه هنری دارند که در آن آهنگ های افغانی اجرا نگردد و حتی گفتار آهنگ تا جیکی ای را می توانم به سراغ گیریم که هو سیقی افغانی به رنگی در آن مایه نداده باشد از این تابرانه هایی را در آنجا به اجرا آورند ؟

ما این در خواست را در همین سفر با هنرمندان مسؤول هنری شما در میان گذاشته ایم و و عده هایی هم در زمینه داده شده است که امیدوارم و زارت اطلاعات و گلتور افغانی خود بیشتر شیرین دارند از کمپوزیت های خود معرفی گنند و شاید بپردازند که خود را تدوین گشتو های شناخته باشند آن . با همه اینها این اشتباه است که آواز خوانان ما آهنگ های را که به اجرای افغانی در میان مردم ندارند از این چنین که از سخن شما پیداست آهنگ های افغانی در میان مردم تا جیک هم شناخته شده است و هم محبوب بیت دارد . شما به خواست مردم خود در این زمینه چقدر از زش قایل می شوید و به چه بیمامنه آهنگ های ما را از رادیو و تلویزیون تاجیکستان نشر می کنید ؟

در پاسخ میگوید :

بیشتر از ینجا فیصله مردم تا جیکستان اتحاد شوروی در پهلوی بر نامه های رادیوی این چمپوری برو گرام های هو سیقی رادیو افغانستان را می شنوند و با خصوصیات اجرایی آن آشنایی کامل دارند و در مجموع همین علاوه بر مردم ما به هنرگشتو شما همچو شده است که رادیو و تلویزیون جمهوری تا جیکستان نیز آهنگ های فراوان هو سیقی افغانی را نشان گشتو در استقبال واقع گردند ، باز هم بر همین اساس ما از مقامات مسؤول هنری گشتو شما در ملاقات های خود با آنها خواهش کردیم مجموعه های دیگری از تبت های رادیویی و تلویزیونی هنرمندان افغان را در اختیار ما قرار دهند تا در تاجیکستان به مردم آنچه تعظیم گردد و هم چنین ماخوذ تصمیم گرفته ایم چند بر نامه آهنگ نازه



موضوی مبارزه زنان به خاطر ارتقای سطح دانش و ساختمان زندگی نوین مخصوصاً در جهت تعکیم و توسعه صلح در یاد داشت کنفرانس بین المللی کشورهای متفرق در سال ۱۹۶۹ تائید و ثبت گردیده و به استناد مربوط به این مطلب در سال ۱۹۷۴ اهمیت پیشتری داده شد. ازین مطلب بر می‌آید که تائید نقش زنان در تعکیم و رشد و توسعه صلح و خلخ سلاح تصادفی نیست.

در سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۲ متوالی تحقیقاتی برو بلم‌های خلخ سلاح و صلح را در جهان مورد بررسی و تحقیق عمیق قرار دادند.

این عمل یک واقيعیت غیر قابل تردید به خاطر تامین صلح و آرامش بشری می‌باشد.

به عنوان صوت نیروهای ضد صلح و دیموکراسی به انواع مختلف می‌خواهند صلح دنیا پدیده زیبا و دوست داشتنی عصر ما را بد نام کرده و دیموکراسی و ترقی و دوست آوردهای بشری را که به حق به خاطر سعادت انسانها همیتسازانی دارد مختلق بسازند.

ولی ازان جایی که چرخش جهان به نفع صلح، دیموکراسی، آزادی و آرامش بشری است عیج نیروی بی نهی تواند علیه آن هو ضعیغیری گند، ممکن است نیروهای سیاه هو قاتا مواعنی ایجاد گنند و لی دیرپا و پایدار نخواهد بود.

مليون‌ها زنان در سراسر جهان جهت‌گردید به خاطر رشد کشور شان در ساختهای مختلف اجتماعی بر خاسته اند، و در رفع کشیدگی‌ها را در جهت نظارتی آن نیز جنبش‌های سیاسی و اجتماعی سهم فعال گرفته اند.

به هر صورت متأسفانه درین عصری که در فرانسه، ایتالیا، ایالات متحده، انسان به کیسان می‌رود، درین زمانی که فنلاند، در بریتانیا و دیگر کشورهای غربی گار با زنان یکی از جنبه‌های مهم ارتقای طبیعت بدوست انسانها رو به مبارزه شدند است و لی هنوز به این نصف بیکر جوامع بشری حقوقی که لازم است داده نمی‌شود پیشرو و ترقی خواه انجام این گونه وظایف را و ظیفه عمدۀ شان می‌دانند.

مليون‌ها زنان در سراسر جهان جهت‌گردید به خاطر رشد کشور شان در ساختهای مختلف اجتماعی بر خاسته اند، و در رفع کشیدگی‌ها را در جهت نظارتی آن نیز جنبش‌های سیاسی و اجتماعی سهم فعال گرفته اند.

به هر صورت متأسفانه درین عصری که در فرانسه، ایتالیا، ایالات متحده، انسان به کیسان می‌رود، درین زمانی که فنلاند، در بریتانیا و دیگر کشورهای غربی گار با زنان یکی از جنبه‌های مهم ارتقای طبیعت بدوست انسانها رو به مبارزه شدند است و لی هنوز به این نصف بیکر جوامع بشری حقوقی که لازم است داده نمی‌شود پیشرو و ترقی خواه انجام این گونه وظایف را و ظیفه عمدۀ شان می‌دانند.

زنان پیشرو جهان باکلاش مشترک بخاطر مبارزه در راه تامین صلح عنگام‌جنگ عمومی دوم آگاه شد و این نیازمندی هم را به حیث یک واقعیت پنداشت.

از نگاه سیاسی آن می‌باشد بلکه این رفع کشیدگی‌ها را در جهت نظارتی آن نیز بعد از سال ۱۹۴۵ بوجود آمد وظیفه تضمین بتصور جدی طرفداری می‌نمایند.

به هر صورت متأسفانه درین عصری که در فرانسه، ایتالیا، ایالات متحده، انسان به کیسان می‌رود، درین زمانی که فنلاند، در بریتانیا و دیگر کشورهای غربی گار با زنان یکی از جنبه‌های مهم ارتقای طبیعت بدوست انسانها رو به مبارزه شدند است و لی هنوز به این نصف بیکر جوامع بشری حقوقی که لازم است داده نمی‌شود پیشرو و ترقی خواه انجام این گونه وظایف را و ظیفه عمدۀ شان می‌دانند.

به هر صورت متأسفانه درین عصری که در فرانسه، ایتالیا، ایالات متحده، انسان به کیسان می‌رود، درین زمانی که فنلاند، در بریتانیا و دیگر کشورهای غربی گار با زنان یکی از جنبه‌های مهم ارتقای طبیعت بدوست انسانها رو به مبارزه شدند است و لی هنوز به این نصف بیکر جوامع بشری حقوقی که لازم است داده نمی‌شود پیشرو و ترقی خواه انجام این گونه وظایف را و ظیفه عمدۀ شان می‌دانند.

ولی زندگی بهترین آموختگار است. تغییرات بزرگ‌گرای جتمانی که طی چند دهه اخیر در جهان رو نهاده گردیده بدون هیچ تردیدی تأثیر قابل ملاحظه در موقف زنان پذیرده است.

جزب آن‌ها در عملیات تو لیدی وساده خدمات اجتماعی واقعی و سمع گردیده‌امروز یک سوم حجم تو لیدی مواد کلتوری و فرهنگی جهان هر هون زن در ساخته بین املی می‌باشد.

توده‌های وسیع زنان جهان درگذشته‌اند که تخفیف کشیدگی‌های جهانی امکان ناچاری دارند. جدید مبارزه در راه صلح یکی از این تقدیرهای شدند.

زنان پیشرو و ترقی خواه جهان واقع‌دارین اندیشه، عویق شدند و خواستند تا آن راه‌ها و طریقه‌هایی را کشف‌نمایند که آینده ملیون‌ها انسان اعم از زن و مرد، اطفال، بزرگان را نیز تضمین گردد و توانند.

توده‌های وسیع زنان جهان درگذشته‌اند

که تخفیف کشیدگی‌های جهانی امکان ناچاری دارند.

جهانی مبارزه در راه صلح یکی از این تقدیرهای شدند.

برنیپ های عمدۀ سازمان‌های زنان در

کشورهای مختلف گردیده‌اند. زنان پیشرو

و ترقی خواه جهان اکنون جدا علاقه دارند.

تا آن مقدار پولی که در راه مسابقات سلیمانی

بصرف میرسد به جای آن به مقاصد تامین گرده است.

صلح جهانی مصرف شود.

نهضه زنان در مبارزه

به خاطر صلح

تو مادری و تو کارگری

من دیروزت را بیاد دارم
که نور چشم تیز بینت بروی بام و درود بیوار
هر آن خیره تر می‌شد.

وهر لحظه بار دوست زیاد تر می‌گردید.

من آنرا هم بیاد دارم.

که چون گنجشک‌های پر شکسته اسیر قفس

بودی و چون گهرگران قیمت در دست اهل هوس

• • •

به این قسم روز گاران زیاد تو محروم از همه چیز و چون لکه نام و ننگ بودی.

• • •

اما افسوس که دیر تراز جا جنبیدی و دیگران نیز دیرتر ترا در گردند که تولایق ترود اثاثی واز مردان استوار تری.

تو باید پیشتر و قرن‌ها قبل، قدم به عرصه اجتماعی می‌گذاشتی.

اما امروز این شعار از هر گوش به گوشم آشناست که:

ای زن تو باما برا برا
تو مادری و تو کارگری

ترا می‌گفتند که تو چون وسایل دیگر خانه بدون اختیار دیگران نباید از حرکت مستفید گردی. برای آنکه می‌گفتند، فکرت بس که بوج است و فکرت بس که ناجیز است.

تو در چار دیوار خانه سر سفید می‌گشتبی.

انقلاب علمی و تغییری انتگری آتشد تا زنان در عرض جایی به سطح دانش و معرفت شان بیشتر افزایش دهند که این خود نش اجتماعی شان را از زندگی تر ساخته و فرقه بیشتری را در جهت خدمات اجتماعی

شان مهیا می‌سازد.

ما هیئت مبارزه زنان به خاطر حقوق مساوی شان با مرد ها و جهت گیری علیه تعیضات سیاسی و اجتماعی همچنان تغییر قابل ملاحظه

گرده است.

((شوالیه)) را فرستادند : او این لقب را دیگر به آنها تقدیر کرد و نسخه : ((کهترین کاری که می توانم برای کشیدن انجام دهم این است که نخ هم همیون ها هوطن خود را که از درد و رنج ببرد زده شده اند هر چند بگذارم و با حکام انتخابی تباشتم هزار زن و پسر اهانت باری برهلا میسازد .))

در دسامبر همان سال پدر بزرگسم ((باندیت هو تیلار نیرو)) به ریاست گنگره ملی هندوستان انتخاب شد . او هر چند هیکلی بود و بر گرد هم آبی ها چه کوچک و چه بزرگ تسلط داشت . همه بالای ۱ و حساب می کردند . او با خود اش سرا سر خانه ها را که خیلی هم بزرگ بود بزرگ کرد .

در سال ۱۹۲۰ میلادی گنگره سیاست عدم عوکاری را که ((گاندی)) تو صیه می کرد پذیرفت . این بر نامه همچویز را تحریم می کرد . آنچه در حد رسماً های تسبیح نظر دو لات داد گاه ها متعه خارجی و انقلاب همه و همه تحریم شوند و باز هم این سیاست توصیه می کرد که در برایر قوانین ظالمانه ایستادگی باید کرد و زندانی شدن را پذیرفت . در سال ۱۹۲۱ میلادی گاندی بار دیگر همچویز را به یک ((هار قال)) بهمناسبت آمدن و یقین از کلستان به هندوستان فرا خواند دو لات تصریح گرفت که به گنگره حمله کنند و بینظریق اعفای خانواده ها عم جزء زندانیان شدند .

دن بار ها شاحد زندانی شدن پدرم بودم هنلا می که من سیزده سال داشتم او پنج بار محکوم و زندانی شده با اینکه این برای ما افتخاری بود اما هر بار وقوع خانوادگی ما بیرون میگورد و خانه در غم و اندوه فرو می رفت اما اندک اندک به این هم عادت کردم .

این تکرانی تشا به مناسبت زندانی شدن پدرم بو جود نمی آمد بلکه اضطرار آن خانواده ام از دادن وجه غرامتی که برای هر زندانی تعیین می گردند نیز سری باز می زد .

این بیش آمد مبارزات ما را دگر گون کرد . مبارزه ملی عویقا گسترش یا فست نهضت که تا آن روز روشنگران تباشداشت گنبدگان آن بودند در توده های مردم نفوذ کرد . ملیونها زن و مرد و بیرون و جوان قهرمانان خانه را دنبال ((اوراق)) زیر ورودی - کسر دند .

و انسانیه مارا با خود می بردند و با یافتن گوچکترین سند به ظلم و استبداد و جبر و زجر دست می زدند و از همین نوع زجر دریغ نمی گردند .

همان طوریکه عهده جهان بشریت از قلم و سیم امیرالایزم خون آشام در عذاب بودند هردم ما و فامیل ما نیز ازین گروه پلید شکنجه های غیر انسانی دیدند . اما پیروزی از آن مبارزین و سر سپردگان ۱ سنت .



فاسیزم جهان خوار این طفل نا اهل سرمایه اداری نه تنها جوانان و پسران را بایدسته را بزرگ و نابودی سپرد بلکه اطفال و گوشه کان رانیز بی رحمانه هدف مردمی قراردادهندین این نونهالان را برای همیش سیاه پوش و هاتم دار ساخت .

کشیده و دم بد سرت امپریالیسم از گله بیسی

خانه ها دیگر به مرگ فعالیت سیاست نمی بدل شده بود . جلسات پشت سر هم تشکیل باز گشت . در افریدنی جنوبی به هند و سلطان آش به رو یشان آشود .

هنر گونه هر سرده به آنجا می آمدند : هند یها ، انگلیسها و به خصوص تعدادی بیشماری از رو سنا آیان هندی . الله آباد بزرگترین شهر ایس آستانه ۱۹۱۹ میلادی در نیجه قانونی که فشار را بر مردم هندوستان زیاد می گرد و حکومت در آغاز اطلاعات زیادی نداشت اما هی دهد .

در دوران جنگ جهانی اول گاندی از میانهایان و بر خود راه سیاسی دو دی

آن روز سرده شد که هردم را دعوت به عبارته می گرد و یک گشایش را در سال ۱۹۱۹ میلادی در نیجه قانونی که فشار را بر مردم هندوستان زیاد می گرد و حکومت

این رو شخصیت های حقوقی بر جسته ای در این شهر زندگی می گردند .

به همین دلیل تعداد زیادی دانشجوی از نقاط دیگر به این شهر می آمدند . از نظر سیاسی بعضی از خانواده های سر شناس از جمله خانواده خسودم با جان و دل

هسواری می نمودند . البته این شهر در ایس آستانه ۱۹۱۹ میلادی یعنی در نیمه دهه ای

از آن زیر شد که مبارزه را آغاز نمایند و «سایماگراها» را ایجاد نمودند .

اعفای اتحادیه فوق موظف بودند که در برای قوانین غیر عادلانه و لو هم که به زندان

بیفتد ایستادگی نهایند و آنها را ندیده بازیاری می نمودند . البته این شهر دل

هر آن زدیم .

شهر های هندوستان دیگر سما بقه طولانی داشت . پدرم در سال ۱۹۱۲ میلادی عقیمه از مرد ، زن و بچه با آراءش کامل از انگلستان بر گشته بود . ((گاندی))

دران شرکت کردند . از تشن از کلستان هر دم هنگا هی که انگلیسها برای او گشاند شرکت گشته را به چاده بنستی گشاند

هەدیە ژوندون

آلبوم هنرى هەزمندان
شناختە شدە
تاجىكستان شوروى



گهورگی دیده‌تر و ف



می‌کرد و می‌گفت :

«من مخالف هرگونه ترور فردی و توطئه‌گری هستم ، هیچ چیز برای هنک شرافت‌انقلابی و شخصی من بذر از این نیست که مرا با شیوه بسی خردانه ای دور از استلوپ انقلابی همچشم گذارد .»

دلت تحقیقات و باز پرسی از دیمتروف ورفاخی بلغاریش به د را زا کشید و هیچ پیشرفتی در زمینه نو دار نگشت. تاینکه نوبت به معاکوه متهیین به لایپزیک رسید. این معاکوه ، معا کوه ساده نبود بلکه معاکوه و سوال و جواب بیان دو آیده‌لوزی متفضاد ، آیده لوزی دیمتروف مجذب بسا جوان بینی عده و افکار هارکسیستی و دیمتروف درحال بیانیه در گمنترن هفتم در مسکو در سال ۱۹۳۵ و در آنجا طرح چبه و مبع آیده لوزی فاشیستی هربوت به جناح سرمایه داری مالی انصاری و سایل ارتباط جهانی، اتحاد شوروی و بین امللی که نیستی کردند و با بیانه ها، استاد جعلی را تدارک هی کردند و هر روز حلقه معاصره را بر دیمتروف و همزمانش نکتر می شد.

با اند ۱ مرداد که ۱ میر یالیزم جهانی و کشور های همسرش با تو طنه و د میشه هی آشند ، بر تها میت از فسی کشور ها و پاریس کویته های چهت تحقیق و بر رسمی واهیت توطنه و دفاع از دیمتروف تشکیل شد. گهورگی دیمتروف که جندی قبیل زمان هم فاشیزم بد نیا و نمود می کردندگه اتحاد شوروی و بین امللی که نیستی ، اتحاد شوروی و بین امللی که نیستی ، مستعار در آن جا زندگی می کرد، به اتفاق بی بایه بستند ، اما این مرد قهر مان با آتش سوزی رایشناک را انجام داده است و به این بیانه تبلیغات ز هر آگین را علیه اتحاد شوروی و فد که نیز برای می اند اخنده بیانیه ای از این زندگی می کرد و تحت نام پولیس نازی بر دیمتروف ا تها مان دوچار از رفاقت به بیانه جاموسی به شجاعت این همه اتهامات را دلیرانه رد شد.

بیانیه ای از این زندگی می کرد و تحت نام پولیس نازی بر دیمتروف ا تها مان دوچار از رفاقت به بیانه جاموسی به شجاعت این همه اتهامات را دلیرانه رد شد. گهورگی دیمتروف که جندی قبیل زمان هم فاشیزم بد نیا و نمود می کردندگه اتحاد شوروی و بین امللی که نیستی ، اتحاد شوروی و بین امللی که نیستی ، مستعار در آن جا زندگی می کرد، به اتفاق بی بایه بستند ، اما این مرد قهر مان با آتش سوزی رایشناک را انجام داده است و به این بیانه تبلیغات ز هر آگین را علیه اتحاد شوروی و فد که نیز برای می اند اخنده بیانیه ای از این زندگی می کرد و تحت نام پولیس نازی بر دیمتروف ا تها مان دوچار از رفاقت به بیانه جاموسی به شجاعت این همه اتهامات را دلیرانه رد شد.

مهاکمه با هیا هی ز یاد با تشریفات فراوان با ندا های «پیروزی بلشویزم» تشکیل شد ، در ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۴ دیمتروف لب به سخن گشود و با جرات ا نقلابی تایله ایها مات نا روا و بی بایه نازی ها را رد کرد و پلک وار با منطق برند، تار و بود تمام دام ها ، تزویر ها و ظسم های نازی ها را از هم درید ، که همه حاضرین در سکوت هرگمار ، رفتند . ر نیس معکمه دیمتروف را بتایر لعن خشن وی بیان تقداد گرفت ، دیمتروف در چوب گفت : من تصدیق می کنم که لعن من خشن است مبارزات من هم در طول عمر خشن بوده ، لعن من صریح است من از شرافت سیاسی



لنین و گهورگی دیمتروف

های خونخوار و آزمادانه دشمن خود را در و جود فاشیزم تشغیص بدد هند و در تیجه علیه آن قیام نکردند .

زهایکه ، فاشیزم در آلمان خود را در برابر حزب مقتصد که نیست فعیف می - دید با نوشه ، زمینه آتش زدن «رایشناک» را فراهم ساخت ، با و قوع آتش سو زی خود هیتلر در محل حاضر بود و در همان جای اعلام گردگه حزب فاسیونال-سوییلیزم باید با که نیستها تصفیه گند. از این حاده سوء استفاده کرد همان شب ، حزب کمونیست را غیر قانونی دانست و درسراسر آلمان ، دستور حمله و حشیانه براعضای این خشم ، تغیر نسبت به فاشیزم د د کلیه نوشته ها و فعالیت های ا نقلابی این هر ده بارز این قهر مان راه نجات خلق های فاشیست و تمام گروه ها کشانیده شد زحمتکش ، بو فماحت ا نعکاس می یافت .

وی می گفت که امیر یالیزم بعیت آخرین که خود طراح آن بود ، اعلان گرداند «هر چند راه رایشناک فرو زان گردید بود ، که آتش را در رایشناک را از تو طبیه کرت عضویت که نیست آلمان را به چیز داشت . گهورگی دیمتروف که جندی قبیل شد.

مخفیانه به آلمان زندگی می کرد و تحت نام پولیس نازی بر دیمتروف ا تها مان دوچار از رفاقت به بیانه جاموسی به شجاعت این همه اتهامات را دلیرانه رد شد. گهورگی دیمتروف در برابر این سوال که با وجود آنکه فاشیزم دشمن ا کشیت ملت های جهان است و پس چگونه میتواند این کشور ها را تحت تسلط خود بین آورد و خوب بی بال در راس قرار گیرد ؟

میگوید :

سوء استفاده از سنت های ملی و از طریق تو جیه نا درست آن و هم بشایر ضعف طبقه کار گر .

دیمتروف می گوید : تجربه کشوری چون بلغاریا که ۵۰۰ سال علم مبارزه را علیه سلطه خارجی بر افراده ، نشان میدهد، رشته از سفن ملی خلق ها که باید بوسیله نیرو های مترقب و ا نقلابی بمشابه اهره جیت تحرک جا میکار رود و توده های شرافتشد ، بسیج شوند ، بدمست نیز و های فاشیستی قرار می گیرد و آنها این سنت ها را میخ نموده ، آنها را از ها هیبت ا نقلابی اش بدور می سازد و از آن بعیت و سیله شنادی ، و سیله تفکن ، تو طنه و فربت توده ها مورد استفاده قرار میدند .

دیمتروف در گزارش خود به هفتگین گفت :

این امللی که نیست می نویسد : رهبران سو سیال د هو گران ها هیبت واقعی فاشیزم را نادیده می گیرند و آنرا از جشن توده های هر ده می پوشانند. آنها هر ده را به مبارزه علیه بورز واژی دعوت نهی نمایند . در لحظاتیکه فاشیزم حمله می کرد ، قسمت ز یاد طبقه کار گر آلمان و سایر کشور ها توانستند قیافه سر ما یه

باقیه صفحه ۱۵

چهرو۵ واقعی زن در آئینه قمایم

نمایی اندیشه پرولتری

دست به گریبان اند، گودک همسری واژدواج اجباری گره کور دیگری بر بد بختی های زنان افغان است که خود ناگزیر نمایی از خصوصیات قرون وسطایی نظام های پو سیده و منسخ گذشته است، با پیروزی انقلاب علی و دمو کراتیک سوره خاصتاً مرحله نوین تکاملی آن در کشور ز مینه واقعی رشد استعداد های این بخش جا معه (زنان) میسر شد. زنان عملاً در سر نوشت جامعه وتولید سهم می گیرند و لی این کافی نیست زیرا در جامعه هارنخ بیسواند بالخصوص در میان زنان خیلی بالا است که تمام خرافات و عقبهاندگی های فر هنگی در میان زنان بیشتر ناشی از همین مسئله است. از همین جاست که وظیفه زنان روشن جامعه ما در قبال مبارزة آن زنان بخاطر

برابری حقوق زن خیلی سنگین و تاریخی است. چه علاوه بر مسایلی که زنان به سویه بین المللی بخاطر تساوی حقوق خود و احراق آن مبارزه می کنند در مقابل زنان افغان مبارزه بر ضد بی سوادی و بعداً مبارزه با عقبهاندگی های فر هنگی نیز قرار دارد. باید بخاطر رفع عقبهاندگی فر هنگی و خرا فاتی که دامن گیر زنان جا معاشر ماست با احتیاط کامل مبارزه شود. تشید و تحریر درین امر زنان را در جبهه خصم و کمپنه گرایان قرار می دهد. باید باشست کار و متانت کام مل به تبلیغات وسیع و تنویر اذهان آنان دست یازدید، تا آنها را بتوان متعدد ساخت واز بازوی پر توان ایشان که گنجینه ایست بس عظیم در امر شکو فایی جا معاشر خود کار گرفت.

یکی دیگر از ظاهر عقبهاندگی فر هنگی اکثریت زنان (حتی اکثر آناییکه روشن تر اند) جا معاشر درین است که ایشان از مبارزه زنان بخاطر برابری حقوق تصویر معکوس در ذهن خود ساخته اند و چنان می اندیشند که شاید مبارزه زنان بخاطر آزادی شان مبارزه ایست بر ضد مردان، در حالیکه حقیقت این چنین نیست. بلکه مبارزه زنان جزئی از مبارزات عظیم اجتماعی است. و این نبرد، نبرد دیست همراه با مردان و در کنار مردان، نه بر ضد مردان. این مسئله و تبلیغ و تفہیم آن نیز یکی دیگری از وظایف ملزم زنان منور جامعه ماست.

طبع هفت در صد محاسبه شده، در حالیکه (۵۱) در صد نقوش ایالات متحده را زنان تشکیل میدهد. ولی مثلاً در اتحاد شوروی در همین سال ها تعداد زنانیکه دکتوران طب اند چهل و پنج در صد و کار شنا سان اقتصادی زن (۷۳) در صد محاسبة میشود. چنین است موضع زن در جهان سو سیالیزم و چهره واقعی آن در آئینه تمام نمای اندیشه پرولتری. فقط جا معه بدون طبقات قادر است که زنان را که از همه شیر خوار گاه ها برای اطفال شیر- خوار و خورد سال و اعمار اتفاق هایی که مادران در آن اطفال خود را از سینه شیر بد هند، رخصتی زنان شیرده بعد از هرسه ساعت کار برای مدت اقلانیم ساعت، تو زیع مدد عاش به مادران شیر ده و کوتاه ساختن روز کار آنها تا شش ساعت. این همه مسایلی است اساسی که برای تاسیس اکثریت زنان دقت همیشگی را دوست دارد، زن حتی از کار و تمویل می گرددند، زن حتی از کار خسته کن «آشپز خانه» نیز رهایی حاصل می کند و بالاتر از آن در جامعه سو سیالیستی به قوی اگوست بیبل کو دکان نیز آزادی زن را محدود نمی کنند بلکه شا دی و زیبای زندگی را دوچندان می سازند. در برنامه حزب بلشویک خصوصاً بعد از پیروزی انقلاب کبیر سو- سیالیستی اکثر جهت بر قرار ری کامل حقوق نه تنها در مسوده قانون بلکه در عمل گام های از زشنمند اولی برداشته شده که با آن زن همیشه حاکم بر سر نوشت خود و متنکی به خود می گردد که درین برنامه چنین می آید:

- تحصیلات مجانی و اجباری عمومی و بولی تخنیکی برای تمام اطفال از هر دو جنس.

- منع کار زنانه در شقوقیکه آن برای صحبت جسمانی زن مضر است.

از : فروزی ینجشیری

پیامها

ماخواسته از صلح

ماره روان راه شکوه همند کار و
ماهه مقطار مردم زحم تکش وطن
مادر قلاش راه زین برادری

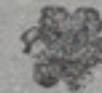
یک آرزو بدل

و آن اتحاد بی خمل جمله کارگر
با جمله بزرگر
و آنگه همه یکی
درج بهای ملی
یکجا رویم بسوی جهان بر ابری

بادیه نشن

خر من شکوه فه

دیشب تو پر یچهره در آغوش که بودی
میتاب که وزهره بنگویی که بودی
د خا طریعه عشق تو از بیان نبردیم
تو خاطر عشق فراموش که بودی
با یعنی همه زیبا تی و حسنه فرقه است
آراسته سر وی و قلب یوش که بودی
اشب بو لای تو همه باده گسادیم
دیشب بولای که و می نوش که بودی
چون خر من شکوه برو دوس نوز یاست
ای خرمن شکوه برو دوس که بودی
ما عاشق و دلداده تو حور لقا یم
تو عاشق و دلداده و مه هوش که بودی
از تیر نگاه تر فروزی سده بسمل
بسمل شده ناول خون جوش که بودی



هنگامه مشرق

بر خیز

برخیز ای هموطن !
که تیره سبها از هم رفته اند .
بنیاد استبداد را
از هم ریخته اند
سرود سحر ر سیده و میرسد
و خفتان را مجاز نباید بود .
پاشنه آشنین تاریخ
بنو ای خوا هر من
بنو ای برادر من
روی این آرزو سمت بایدار
درین خانه باید کار کرد
رنجهارا - فقر هارا
دور ازین دیار گرد
برخیز ای هموطن !
اگر هوی ترا سپید گرده روز تار
زمان ما ز هان پیرو زیست
بردر خونمن استعمال و استبداد
ملت ها رسته اند .
خلفها به با خاسته اند
و من و تو هم به پیش زویم
تا این ملت رنجیده را
و این خلق عذاب دیده را
ارج بیکران گذاریم
به سرزمین سعادتها رسائیم

شاد زی ای هر ز آزادی گزین
شادی ای گشود مرد آفرین
جان بیخش ای رنگ و بیوی آسیا
نازه پاس ای گلشن خاور زمین
ای می آزادم را ستانین

ای که از دور بیا آزاده ای
درس آزادی به خاور داده ای
نقد مردی اد مقان آوردہ ای
خیز هستی گن چرا استاده ای

ای دل بی آرزوی آسیا
خانه قوم نجیب آریا
ای بهار عشق بستان امید
سخت می بالم که می بشم ترا

ای ترا هنگامه مشرق زمین
ای شتر ره با آرزوی دل قرین
ای فروغ دیده ا فغانیان
پیشتر رو با قدم های زمان
سویکش ای افتاب خاوری
مرد خیز افتاده دا مانت چنان

اینکه سادی شایش آزاد گیست
انکشاف نازه را آمادگی است
بیرق رنگین بقلب گو هسار
در حوادث شاهد استاده گیست
جلوه گن در بزم هستی بیش ازین

نه وايستل شى خو يو واربي دخولي نهونل
چى دغه نويو سربازانو نه دى كوم چى دده
چلگى ته راغلى و دچراغ على په خاي بىل
چلگى ته ولاشى او دده چلگى كى يساخى
جمعه خان دنويو سربازانو له چلى خخه وو .

خوداخبره پاتى شوه . مگر زه د هفسى
مخصوصى گنجكاوى له امله چى دتولى هر
قوماندان يى لرى ، دى ته متوجه شوم چى
خان محمد له جمعه خان سره له ورايد بيل
دول چلتى لرى . نه داچى له ده سره بده
وضعه كوى ، بلگه يو خاصن قول رسمي اوله
مخصوص احترام نه چك چال چلنگى كى چى
د سربازانو د مشترك او له تکلف نه تشئوند
سره بشكاره توپير لرى .

جمعه خان شم چى له ہولو سره يى خورا
صيمىمى اپىكى ېتىكى كىرى وي له خان محمد
سره يى بىرخورد بىغى رسمي و .

هاته به بياهم چىرە عجىبه نه وە كە زه
نه واي پوشىدىلى چى دوى نه يواخى د يوي
ولسوالى بلگه ديوه كلى دى ، ددى خىرى يه
بۇھيدۇ زه لاحيران شوم . مگر يه هفه وخت
كى ھون په بىرە داتلۇتكۇ عملیاتو لپاره
تىارى نىولە او فرصلە مى لاستە رانقى چى
داپوبىشتنە خانە حل كىرم .

يوه شىپە كۈوه چى سىبا سپار وختى دوپ
باید لە اردوگاه نه حرڪت كىرى واي جمعه خان
ماڭە راشى اوزىز نازىز يى دا غوبىشتنە وگىز چى
دى دەقىل هاشىندار بلۇك تە تېدىل كىرم .
كىله چى ماڭە دە نە دليل وغوبىشت دە ووپىل
چى دەرقى په تعلیمەن ھەركىز كى يى تېقىل
هاشىندار بىن زە كىرى دى . بشايى دە خېرە
بە رېتىيا وە مگر ھاپە دغى وروستى شىپە چى
سما معاھابىي وظيفى تە روان وو ، پە هيچ
صورت نە غوبىشلى چى دەخپىل تۈلى پە بىنە
كى خەبدالون راولم . توخىكە مى دە داغوبىشتنە
رە كىرم .

مگر دەحمد خان دغوبىشنى اوددە دغوبىشنى
بە منځ كى زما پە ذهن كى داسى راغلە چى
يوه منطقى اپىكە شتە . داهى پېرىشىۋە چى
وروستە يى پە فرصلە سره مەلۇمە كىرم .
خە بە دى سر خۈزىم . يوه ھياتىت مۇن
پە سەنگرۇنۇ كى لە قىد انقلاب سرە پە گۈرە
چىرىخە بىخت وو . د خلورۇمى يا يېنخىنى ئىشى
نە وروستە چى داشرازو يوه خالە چى يوه
گۈوبىش خانە لويە كلا وە ، ونيولە او لە
ھۇۋەنە مۇشل تە زوندى وني يول ، ھۆلىم وە
كىلاڭى خاي كى او شاو خوا موامنەتى ترتىبات
سر تە ورسول . دېلىوگۇنۇ دقوماندانو دراپور
لە اورىدو او د ھادىياتو نە ورگولو وروستە
مو دوى تە دەتك اچازە ورگىرە . كەتل مى چى
دلوھىرى بلۇك قوماندان مەقىل شواو وي ويل:

نوربىبا

هانە گران ندى ، بلگە زەھى مى غواچى چى
دغه سربازان دوسلە وال يوخ ھول منسوبين
وپيزنى . او حتى لازمه ده چى ددوى پېغام
تەلە وطنوالو تە (لگە چى دەكتۈك قوماندان
ھم ئاقىدە لرى) ورسىزى ...

چەكتۈرن شىپە احمد اوپىدە شىپە غلى و .
بېرەتە اوس سربازان خى پە خاي شوى وو .
اوپىتە دىيە يوه سرباز لە ئوخى او دىكىرىپو
لە آوازونو خىخە بل آواز نە اورىدىل كېنە .
داسى پە خېر و پېل وگىر :
— پېرسىنگال زما دەۋاچى يوه بلۇك ئە
اشرازو سره يە يوه مىلسەنە نېشىتە كىسى
سەخت تاوان ولید دۇنەپى لە تىرسە كىساو
وروستە دەغىن دقوماندانى لە خوا نە زەۋەتپۇل
دەرقى دەعلمىمى ھەركىز نە دنويو رالىزلى شو يو
سربازانو لە جەملى نە دېنخلس تنو پە رالىزلى
سرە «اگەال» شو .

پىدى كى يوه سرباز چى جمعه خان ئېمىدە
بە ئاظاھىرى دنورو سربازانو سره عىيش كۆم
بىشكارە توپىرەنە دىرلۇد مگر دەدە دىريپو دېيە
تېرولو وروستە ولېدل شۇل چى جمعه سان
بە آتلى كى پورە مەجبوبىت تىراسە كىرى و :
بە تەعلمى كى چېر بىنە و ، خېلە دەنە يى بىرە
لە خە ئىنپاۋ سىستى خىخە سەرتە رسولە ،
لە نورو سربازانو سره پە گەذارە كى خۇرۇ
بىنە وو ، دەخپىل چلگى لە ھەغىرى سره يى ھى
خە پە وس كى پورە وو ، مەرسىتە كولە ، او سر
بېرە پىدى تۆلۈ يى تىل خولە لە خىدا خەختە كە
وە او داھىم باید ووايم چى زېرىدىست رىبابىنى
غۇراو .

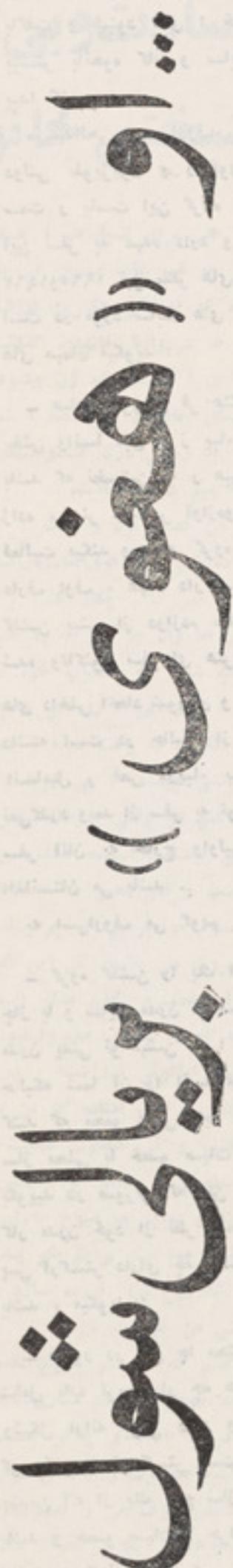
لەپە داچىي مىاشت نە وە پورە چى جمعه خان
بە ھۆل گەنلىك كى سربازانو او صاحبەنلىبانو
بېزىاندە او پە بىنە سەترىگە يى ورته كەتل
خودجەھە خان لە راتىڭ سېرە زەھۇن بوبىل
سرباز چى خان محمد نۇمىدە ، خېلە بشكارىدە
(دى شى تە البتە زەھۇن مەخصوصا زما وروستە
پام شو) .

دى خىرى تە نەھە خە وخت متوجه شوم
چى دەخپىل تۆلى دەلگىي وېش نوپى كىرم .
پىدى وېش كى جمعه خان دخان محمد پەدەلگىن
كى بىرابىشۇ (خان محمد زما د ھۆلى تىكىرە
دەلگىن مەشر وو) .

ھە خە وخت ھەم بۇن پە صەھرايى اردوگاھ
كى وو او داتلۇتكۇ معاھابىي وظيفى « مو
تىارى نىولە .

ما سەختن مەھال خان محمد زما خېمى تە
راغى اولە مانە بىھىلە وگىرە چى كە زە نە
خې كېرىم نو چىراغ على سرباز چى دە دە
چلگى خىخە بل چلگى تە تىلى ، بېرە دە
چلگى تە ورگىرم . مۇن داخېرە سرە وشارىلە ،
خوبىه بىكى زما يام شو چى خان محمد عىيش
مەقۇل دەلىل ئەرى او دچراغ على پە عوپىن
ھم پە نامە خوك نە بىسى چى دە دە لە چىنگى

امين الفانپور



(دوھەم بېرخ)

هنری حیثیت آهنگ روز را داشته است که افزون گرم و گیرادارد، و آواز خوانان واجرا گشته گان آن چشیده های آشنا و معجوب هنری تا چیکدرگشته ما می باشد.

اکنون این دو گروه به خاطر شر کت در می خوانند، بازده ذره چا نش شور می آفرینند آن چنان که انگار تمام خواست ها و آرزو ها، همه آرمان های درونی با درد ها دیگر مورد استقبال گرم و پر شور هست و ناتوانی ها و ناشکیابی ها در آواز اوته نشین شده است و او همه ایشان را، این باز عالمی را هنر مندانه در دیگران القاء میکند و شنود های احساسی آشناست بیشتر بازخواه کار و سابقه هنری شان پیدا کنیم.

«عبدالحی ساروف» معین اول گمیته دولتی تلویزیون و رادیوی تاجیکستان که سمت ریاست این گروه های هنری را در این سفر به عهده دارد و قبل از سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ نیز سفر های به کشورهای داشته است در مورد سابقه های هنری انسا مبل های مهمان میگوید:

- هیات هنری و فر هنگی ما شامل دو بخش و انسا مبل «زیبا» و «گلشن» می باشد که نخستین به رهبری «زیبا» مین زاده «هنر مندانه پر آوازه و مردمی تاجیکستان فعالیت میکند و رهبری گروه دوم را «عارف شاه عارف اوف» به عهده دارد است. آرکستر تالار در مو جی از شور و هیجان غوطه ور میگردد صدای شوروهلهلموآفرین صد هاشنونه و بینندگان که نتوانسته اند از تبارز احساس شده و تاکنون سفرهای هنری به جمهوریت های داخلی اتحاد شوروی و چند کشور خارجی داشته است در حالیکه از فعالیت هنری است بینندگان که باز هم می خواهند بینندگان خود جلوگیری میگردند در آن طین انداز میشود آنگاه به پایان می رسد، آواز خوان از این سفر بیرون می روید اما نزدیک به یک عزار تها شاگر که باز هم می خواهند بینندگان خود را در دست گیرند این آهنگ را از دو سال نمیگذرد و بعد از سفر به تو نس این دو مین سفر آنان به خارج واولین سفر شان به افغانستان می باشد.

به اسراروف می گوییم:

- گروه گلشن را یک آرکستر کمال جاز با و سایل مدرن می سینی و نوهوه اجرای مدرن یعنی نو تیشن همراهی می کند در حالیکه شما آن را انسا مبل معرفی می کنید که مجموعه ای باید باشد از آلات ساز محلی با خصوصیات بومی آن میتوانید بگویید در صورتی که این آرکستر باشگل کار مدرن خود از نظر شما انسا مبل است، پس آرکستر دارای چه خصوصیاتی باید باشد، میگوید:

- منقول در اینجا محتوی است که شامان ناب ترین پارچه های محلی میگردد و شکل ارائه بومی دارد و از نظرهای انسا مبل گوچتر از آرکستر است که باید در آن چندین آنکه از یک نوع ساز وجود داشته باشد و خصوصیات بومی این آهنگ را میگذرد و دقیق، بگوئیم که هر ساز در آرکستر تلویزیون کشور ما باز هم از رادیو و هم از تلویزیون کشور ما باز هم باز هم شاهنشاهی رسانیده است و باز هم تقاضا پشت تقاضا برای نشر مجدد آن وجود داشته است همه گویای این نکته است که این اجراء های

آواز خوان جوان صدای گرم و گیرادارد، از خود بیغود می سازد و به دنیا می آزد های فربینده می کشاند، او با تمام احساس

آن چنان که انگار تمام خواست ها و آرزو ها، همه آرمان های درونی با درد ها دیگر مورد استقبال گرم و پر شور هست و دستان کشور ما قرار گرفته اند جای دارد باز عالمی را هنر مندانه در دیگران القاء میکند و شنود های بینندگان را در این حساس

وقتی می خوانند:

ای بت بیر حم شکار بر افکن
رشته بینداز تو بر گومنم
تیر بینداز که من از هوا
گیرم و در سینه کنم جا به جا
تیر ترا در دلو جان جا دهم
تا تسلی این دل شیدا دهم

معین کلتوری رادیو تلویزیون تاجیکستان شوروی میگوید:

«مادر تاجیکستان حتی یک گروه عزیز هم نداریم که پارچه های افغانی را در برنامه های هنری خود به اجرا نگیرند.

«کمتر آهنگ تاجیک ای رامی توان سراغ گردید که به شکل آهنگهای افغانی در آن هایه نداده باشد و این به خاطر وجود اشتراکی فراوانی است که در هنر و فرهنگ هردو کشور وجود دارد.

«بیش از پنجاه فیصد مردم تاجیکستان در پهلوی بر نامه های رادیویی کشور خود وزیبا اجرا و از طریق مارکس به رادیو تلویزیون افغانستان را نیز می شنوند.

«به زودی آهنگهای فراوان افغانی به وسیله هنر مندانه گروه های هنری گلشن و زیبا اجرا و از طریق مارکس به رادیو تلویزیون افغانستان هدیه میگردد.

زبان احساس

و و سیله پیو ند

عاطفی انسان

معین کلتوری رادیو تلویزیون تاجیکستان شوروی میگوید:

«مادر تاجیکستان حتی یک گروه عزیز هم نداریم که پارچه های افغانی را در برنامه های هنری خود به اجرا نگیرند.

«کمتر آهنگ تاجیک ای رامی توان سراغ گردید که به شکل آهنگهای افغانی در آن هایه نداده باشد و این به خاطر وجود اشتراکی فراوانی است که در هنر و فرهنگ هردو کشور وجود دارد.

«بیش از پنجاه فیصد مردم تاجیکستان در پهلوی بر نامه های رادیویی کشور خود بروگرام های هنری و مو سیقه رادیو افغانستان را نیز می شنوند.

«به زودی آهنگهای فراوان افغانی به وسیله هنر مندانه گروه های هنری گلشن و زیبا اجرا و از طریق مارکس به رادیو تلویزیون افغانستان هدیه میگردد.

«مردم افغانستان مهمان دوست ترین مردم جهان می باشند.

«جزا برخی از آواز خوانان تاجیک بعضی از آهنگ های اصیل افغانی را از ساخته های خود معرفی می کنند؟

«خواهش ما از مقامات هنری و مسوول افغانستان این است که زمینه های ارسال گروه های هنری افغان را به تاجیکستان فراهم آورند چه مردم تاجیک به هنر سرزین شما عشق می ورزند.

«رقص اینگریزی در حرکات بد نی خلاصه گردد هیچ پیامی را نمی تواند به مردم رساند اما رقص های سوزیک از نو رقص های ما عده دارای همکنون اجتماعی می باشند و به همین دلیل مردم می توانند هماد های از واقعیت های عینی را در آن مشاهده کنند.

«مادر مدت ۱ قاچت خود در کشور شما همچو احساس بیگانگی نگردیده چنانکه انگار در یکی از شهر های تاجیکستان بودیم و این دلیل زنده این موضع است که مردم ما چقدر از نظر عادات و عرف بهم نزدیکی دارند.

اینکه اعاده حیثیت کرده باشد ، بپاس عای خودرا جمع کرد و دست پسر چهار ساله خودرا گرفت و به خانه پدر رفت . هر قدر دوستم التماس کرد ، زادی نمودکه از عزمش منصرف شود و او را بیخشد سودی تبعشید و همسر دوستم به خانه پدر خود رفت مدت یک هفته دوستم در خانه ۱ شن بدون همسر و طفلش زندگی کرد بالاخره حوصله اش سر رفت و می خواست که کار را یکطرفه سازد . دیدم که دوستم زیاد عصبانی و ناراحت است و اگر در بین نشوم شاید کار از کار بگذرد و زندگی آنها از هم بپاشد . به خانه خسرو دوستم رفت و همسر دوستم را به هر ترتیب که بود به منزلش بردم . مدتی زن و شوهر از هم فاصله بودند بالاخره با هم آشتنی کردند و زندگی خوش خانواده را آغاز نمودند . شبی بخطاطر اینکه در امر خو شیخختی آنها کو شیمه بودم هر ۱ دعوت گردند این دعوت بپاس زحمات من بخطاطر زندگی آنها بود . شب بخوشی گذشت و من از آن لذت فراوان بردم زیرا باکار خو یش زندگی دو جوان را که کم بود از هم بپاشد نجات داده بودم .

بلی دو سтан این قصه واقعیت دارد و
ساخته و پر داخته خودم نیست و شما که
شاید روزی صاحب زندگی و زن و او لاد
شوید و زندگی هشتگر خانوادگی را بسازید
متوجه باشید که زندگی خانوادگی به رسمته
های خیلی باریکی از تباطط دارد که اگر متوجه
آن نباشد شاید در آینده برایتان درد سر
های بزرگی ایجاد نماید.

زندگی زن و شو عری همانقدر که شیرین
و دلچسپ است روی دیگر ورخ دیگر نیز
دارد و آن رخ، رخ بد و زشت زندگی است
که ۱ مید واریم سر د چار آن نشوید.
و این زمانی میسر است که شما به زندگی
بیشتر آشنا گردید و هر چیز زندگی را از
دید هنفی و عینک سیاه نگیرید. وقتی دو
جوان به هم قول دادند که زندگی مشترک
باشانند. بقول تان اعتماد داشته باشید
هر گز فرا موش نکنید پشم پا زدن بقول
دور از نزاکت های زندگی است. وقتی
همسر تان اعتماد و اطمینان داشتند
لوشش نهایید که آن را تا پای جان حفظ
نهایید. به زندگی تان ۱ میدوار باشید و
نوشیین به آینده و این خیلی ۱ همیت دارد.
اعتماد و اطمینان بین زن و شو هر یکی از
ساسی ترین مسائل زندگی خانوادگی بشمارد
که خود و گفتگه می توانیم که خوب ساختی
خانواده مخصوصاً بین زن و شوهر به این
درستگی دارد.

است برای اینکه دو ستم را از این و فرع
نجات داده باشم به اجازه دو ستم بطور
خصوصی به ۱ هور ز ندگی شان مدا خله
کردم ، بعد از تحقیق ز یاد با لآخره متوجه
گشتم که هو فضوع از چه قرار است ، ایا
می دانید که چه حادته کوچک و پیش پا
افتاده که باعث خنده شما نیز می شود و کم
بود ز ندگی خانوادگی دو ستم از هم پاشند
دد اثر بی فکری دو ستم داشت در عمل
پیاده می شد . برای اینکه شما را به انتظار
نگذاشته باشم برایتان می گویم :

بعد از چند روز رفتن به خانه دو ستم
آنهم وقت و نا وقت متوجه شدم که طفل



ترکاری و میوه جات و بعضی از لبنتیات رژیم غذایی مناسب دنبال نهایتند. شاید که باعث چاقی نمی شود می باشد. یک کیلوگرام وزن اضافی وادرهدت یکماه جوانانیکه بهاین مشکل گرفتار اند و وزن وساید اضافه تر کم نهاید و این خود می رساند که چقدر ۱ نسان حوصله داشته باشد اضافه دارند باید یک پرو گرام هنظام و طویل تابتواند به مقصود خوش بین نماید. برای کم کردن وزن اضافی خوش بین طرح نهایتند و آن را با حمایه و شستکاری بگیرند.

حساب و بی اعتمادی ریشه خوب شختی خانواده‌ای خشکد

نهی دانم که برای شما هم اتفاق
افتاده که بعضی موضو عات بسیار کوچک
و پیش با افتاده که اصلاح کوچکترین ارزشی
نداشته اتری بد در روابط خانواده گذاشته
است و علت آن اینست که زن و شوهر
و یا دیگر اعضای خانواده نتوانسته اند
بکدیگر شان را بد رستی درک گشته باشند
که لازم است بهم داشته باشند .
دوستی به هنر قصه کرد و گفت : که
زندگی خانواده می خود فوق العاده ناراضی
و دلتنگ هستم ، نهی دانم چکار کنم ، از
نکسو فشار کارها واژ جا نمی نمایم را حتی
در خانواده باعث شده که اعصاب خود را
از دست بد هم . گفتم این نمایم را حتی از چه
ایست و انگیزه که باعث شده این
ندر نمایم راحت باشی چیست ؟ من گوید :
الله چه عرض کنم هر وقتی به خانه تیلفون
می کنم می بینم که تیلفون
خانه مصروف است و وقتی عصر به خانه باز
می گردم از همسرم می برسم که چرا اینقدر
تیلفون منزل مصروف می باشد ، کمی اینقدر
می بپم این زندگی ولی همسرم بکلی هنگر این

ورزشی شرکت نموده بودند مسابقات در چند بالترتیب دوم و سوم شدند *

در کلاس چهارم ۶۷ کیلو گرام رحمت الله مرحله تحت نظر اشخاص ملکی پیش برده کارمند از کلب تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۸۲ شدو سر انجام این نتیجه اعلام گردید : شیر محمد زمانی از کلب قوای مسلح دروزن ۵۲ کیلو گرام در دو ضرب جای اول را گرفت جلیل از کلب کابو را در دو ضرب مجموعا وزن در دو ضرب جای اورا گرفت .

وسید محسن از تعلیم و تربیه با بلند نمودن محمد داود از کلب تعلیم و تربیه با بلند نمودن ۱۶۲ کیلو گرام به مقام سومی رسید ، وزن ۷۵ کیلو گرام هریک دوم و سوم شدند . در کلاس دوم وزن ۵۶ کیلو گرام داراهمد از از کلب کابورا در حرکت دو ضرب جمعاً ۱۹۵ کیلو گرام را بلند نموده مقام قهرمانی را به تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۲۰ کیلو گرام در دو ضرب به مقام قهرمانی تکیه زد و عبدالمجید از تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۰۵ کیلو گرام دوم را گرفت و محمد حنف از تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۶۰ کیلو گرام سوم شد . کلاس

ششم وزن ۸۲ کیلو گرام محمد نادر از قوای مسلح با برداشتن هفده و نیم کیلو گرام در حرکت دو ضرب به مقام قهرمانی تکیه زد

محمد حیدر چهره خوب تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۶۵ کیلو گرام و محمد رسول از تعلیم و

تربیه با بلند نمودن ۱۴۵ کیلو گرام دوم و سوم شدند و در وزن ۹۰ کیلو گرام قدرت الله چهره موفق این ورزش در حرکت دو ضرب

با برداشتن ۲۲۰ کیلو گرام از عنوان قهرمانی خود هوشیارانه دفاع کرد . درین وزن وبالاتر

از آن هیجان از تعلیم و تربیه با بلند نمودن ۱۹۶ کیلو گرام در حرکت دو ضرب نیز قهرمان

تربیه دایر گردید که درین رقابت های این

ورزش تعداد ورزشکاران کلب ها و موسسات از کلب تعلیم و تربیه و خلیل از تعلیم و تربیه

طبق برنامه منظم ادامه دارد .

در کلاس سوم وزن ۶۰ کیلو گرام محمد نعیم

از کلب سپورتی قوای مسلح با بلند نمودن

۱۶۵ کیلو گرام در دو ضرب ، نجیب الله

گردید . قرار تعویز ریاست عالی ورزش و کمیته

ریاست عالی ورزش در شروع نیمه دوم ماه حمل

طبق برنامه میلان دست داشته شان به منظور

انتخاب بیترین ورزشکار در تیمهای ملی یکسلسله

مسابقات را در رشته های فتبال ، هاکی و زنه

برداری و بوگستنگ طور جداگانه ضمن تدویر

محافلی برگزار نمودند .

مطابق به برنامه اداره برگزاری مسابقات

ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک مسابقات

انتخاباتی هاکی روز ۱۶ حمل باشکرت تیم

های منتخب تعلیم و تربیه ، یوهنتون کابل و کلوم

ورزشی قوای مسلح در میدان های ورزشی

گلوب ورزشی قوای مسلح تحت نظر هیات

موقف با ایانیه دیس کمیته ملی المپیک دایر

گردید . و این مسابقات بعد از چند روز در گیری

تیم هاییکن مقابل دیگر هفته سوم ماه گذشته

به سرانجام خود رسید که در نتیجه نهانی

علاوه بر معرفی بازیکنانیکه در تیم ملی انتخاب

گردیدند تیم یوهنتون با پیروزی بیشتر

شان بر تیم های مقابل جای اول را گرفتند و

تیم هاکی گلوب ورزشی قوای

مسلح جای دوم را احراز کردند . کمیته ملی المپیک

این مسابقات به تیم قهرمان توسط دیبلوم انجیر

نصری احمد رئیس کمیته ملی المپیک به کیتان

آن تیم اهدا شد .

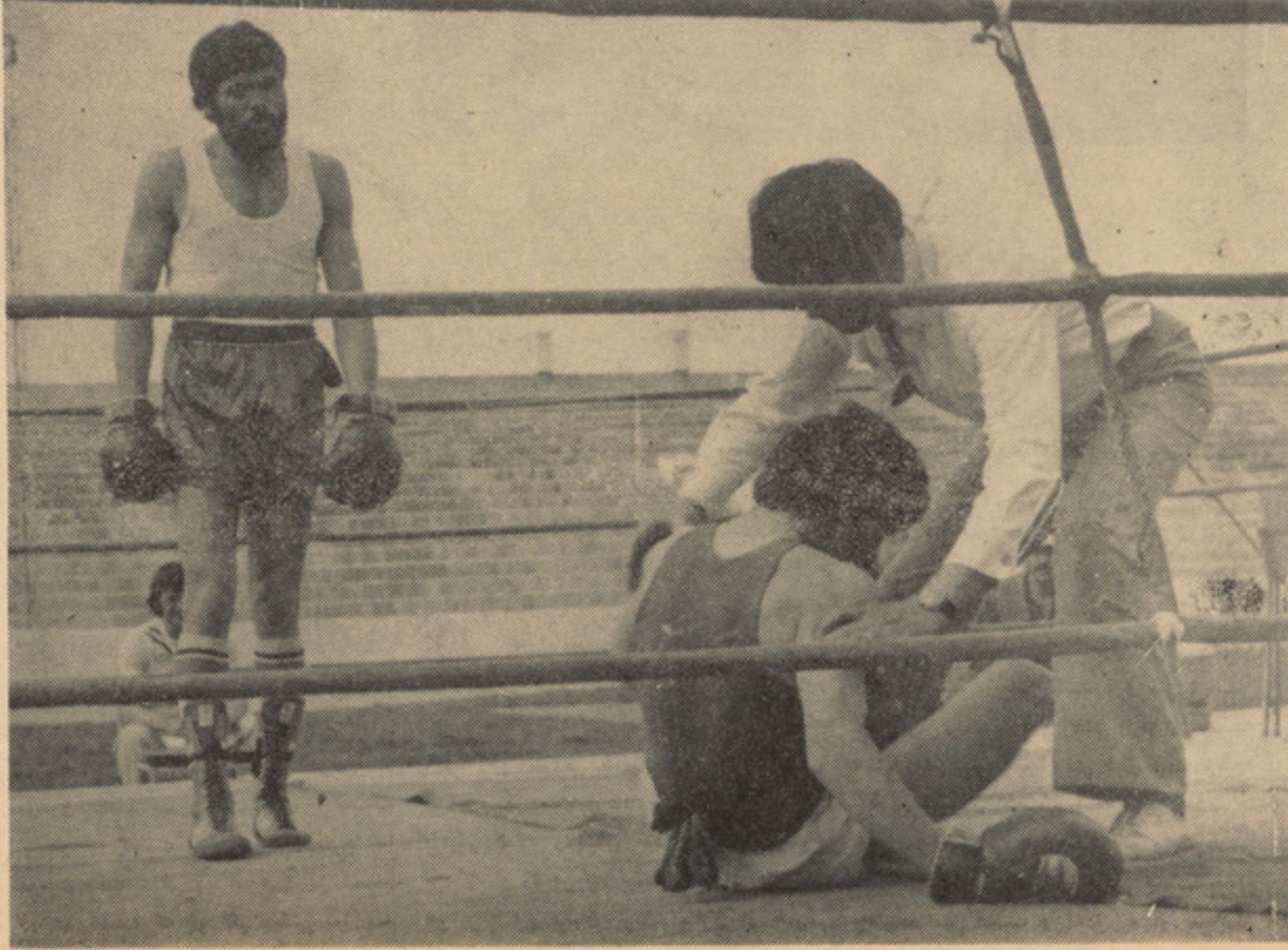
تیم های منتخب تمرینات اساسی شانرا

تحت نظر ورزیده ترین مربیون داخلی و خارجی

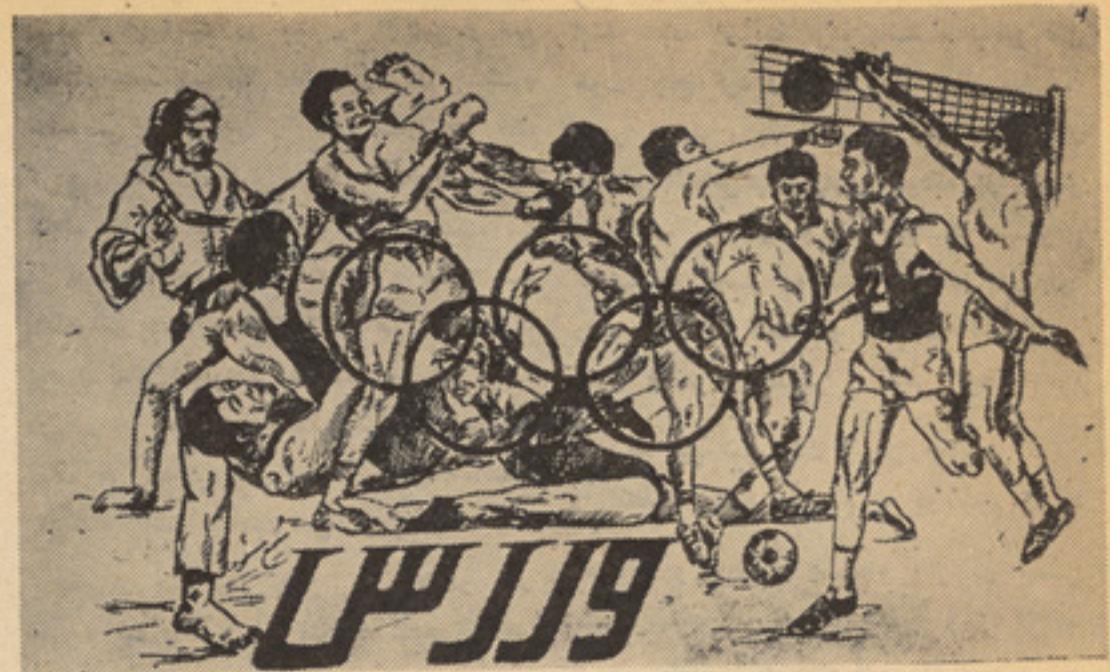
برای آمادگی در مسابقات ورزشی سومین جشن

انقلاب شکوهمند تور و سفرهای ورزشی حسن

نیت وغیره از سرگرفتند که تمرینات ایشان



رسنم کارمند بکسر جوان و با استعداد که در روند اول حریف را از پا درآورد .



گزارش از : عبدالکریم پویل

۹۰ ترین و سیله رشد ایستادهای ورزشی بوگزاری مسابقات است

طبق برنامه منظم ادامه دارد .

یک روز قبل از مسابقات هاکی ، مسابقات

انتخابی وزنه برداری در کلب نقیله تعلیم

از کلب سپورتی قوای مسلح با بلند نمودن

۱۶۵ کیلو گرام در دو ضرب ، نجیب الله

گردید . قرار تعویز ریاست عالی ورزش و کمیته

ریاست عالی ورزش در شروع نیمه دوم ماه حمل

طبق برنامه میلان دست داشته شان به منظور

انتخاب بیترین ورزشکار در تیمهای ملی یکسلسله

مسابقات را در رشته های فتبال ، هاکی و زنه

برداری و بوگستنگ طور جداگانه ضمن تدویر

محافلی برگزار نمودند .

مطابق به برنامه اداره برگزاری مسابقات

ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک مسابقات

انتخاباتی هاکی روز ۱۶ حمل باشکرت تیم

های منتخب تعلیم و تربیه ، یوهنتون کابل و کلوم

ورزشی قوای مسلح در میدان های ورزشی

گلوب ورزشی قوای مسلح تحت نظر هیات

موقف با ایانیه دیس کمیته ملی المپیک دایر

گردید . و این مسابقات بعد از چند روز در گیری

تیم هاییکن مقابل دیگر هفته سوم ماه گذشته

به سرانجام خود رسید که در نتیجه نهانی

علاوه بر معرفی بازیکنانیکه در تیم ملی انتخاب

گردیدند تیم یوهنتون با پیروزی بیشتر

شان بر تیم های مقابل جای اول را گرفتند و

تیم هاکی گلوب ورزشی قوای

مسلح جای دوم را احراز کردند . کمیته ملی المپیک

این مسابقات به تیم قهرمان توسط دیبلوم انجیر

نصری احمد رئیس کمیته ملی المپیک به کیتان

آن تیم اهدا شد .

شکست اش در مسابقات قبلی بوکس دوباره تیم های پوھنتون کابل ، جیبیانا ، ستور ، گردیده جای دوم را داشت . در آریا ، اکادمی خارنبوی ، تعلیم و تربیه و اتحاد گروپ دوم تیم هندوکش در سر خط جدول نتایج دیده شد آن تیم سه بار با تیم های شامل میباشد . مسابقات روز پنجشنبه وارد شانزدهمین روز مقابل در گروپ شان دیدار نموده بایک خود رسید طبق برنامه هرتبه تمام تیم های برد و دو مساوی و داشتن ؛ امتیاز جای اول شرکت کننده در گروپ های شان در دوراول را اشغال نموده بود . تیم اتفاق درین گروپ جای دوم را داشت . در گروپ سوم در صدر پنج الی شش مسابقه را انجام میدعند که در شروع گزارش مذکور شدیم که مسابقات کلپ عمر شرید جای دوم را اشغال کرد . در شروع گزارش مذکور شدیم که مسابقات در رشته های فتبال هاکی ، وزنه برداری و بوکسینگ بود . مسابقات فتبال جام خیر روز یکشنبه ۱۷ حمل در میدانهای ورزشی استیون پولی تختیک پوھنتون کابل با این تیم به کمیته ملی المپیک گشایش یافت . درین مسابقات نزدیک شرکت ورزیده که آنها به طوریکه جدول نتایج از شروع تا روز ۳۰ داشته پنج گول زده و دو گول خورده دارند . تیم جیبیانا با داشتن سه امتیاز جای دوم حمل بررسی شد در گروپ الف تیم کلوب ورزشی قوای مسلح بیشترین امتیاز را داشت . رادرین گروپ داشت . تیم های شرکت کننده مسابقات شانزدهمین معنی که آن تیم با انجام دادن سه - به این مسابقات شرکت کننده مسابقات شانزدهمین رسیده گروپ الف بوج دسته بندی گردیدند چنانکه در گروپ الف تیم های آمو ، کارگر ، کلوب ورزشی قوای مسلح ، پولتختیک ، باخترواللهها در گروپ ب تیم های اتفاق ، میوند ، بانک پامیر ، کابوراو هندو کش و در گروپ ج با داشتن ؛ امتیاز از سه مسابقه نصیب تیمه خواهم کرد .

مترجم : «ع غیور»

انکشاف ورزشی دو میدانی در بلغاریا

ورزشکاران چمپوریتسوسیالیستی بلغاریا مانند سایر سپورت ها در رشته سپورت دو میدانی نیز موفقیت های چشم گیری بدست آورده اند . ورزشکاران آنکشور در طی سال جاری در بیش از (۱۹) ورزش انتلیک ریکارد های جدیدی قایم کرده است . بر طبق عین تزارشات در سال (۱۹۸۰) ده تن از ورزشکاران بلغاریا در مسابقات دویلن هشت صد متر و (۱۵۰۰) متر خوب درخشید . گذشته از آن ورزشکاران آنکشور دو سپورت وزن برداری نیز موفقیت های شایانی را نصیب شده است در چمپوریتسوسیالیستی بلغاریا برای انکشاف هر چه بیشتر سپورت دو میدانی در شهر های صوفیه ، بورگاز ، تومنووا ، کابورو ، پولیودیف ، و رنا و امثال آن مراکز جدید تعلیمی و تربیوی گشایش یافته بطوریکه سلسه تمرینات بین ورزشکاران به صورت متواتر ادامه پیدا می نماید . ورزشکاران آنکشور پس از انجام موفقانه بازیهای میونیخ و مونتریال به این نتیجه رسید که تبدیل ورزشکاران و اشتراک تیم های ورزشی در مسابقات ملی و بین المللی در جهت انکشاف ورزش های دو میدانی وائل تیکن تائیر بسزایی را دارا بوده است .

در حال حاضر مسابقات دو میدانی در رشته های مشت زنس ، بینگ پانک ، تینس ، والبال دویلن ، آب بازی وزن برداری و پهلوانی در کلپهای سپورتی آنکشور بشدت جریان دارد . مسابقات ورزش پهلوانی ، وزن برداری و دویلن در بلغاریا سابقه طولانی داشته است .

بقیه در صفحه ۳۸

به اساس رایورها نیکه در مورد انکشاف سال (۱۹۸۰) در رشته بازیهای دو میدانی به تعداد ورزشی دو میدانی انتشار یافته است در طی (۳۳) ریکارد جدید قایم گردیده است .



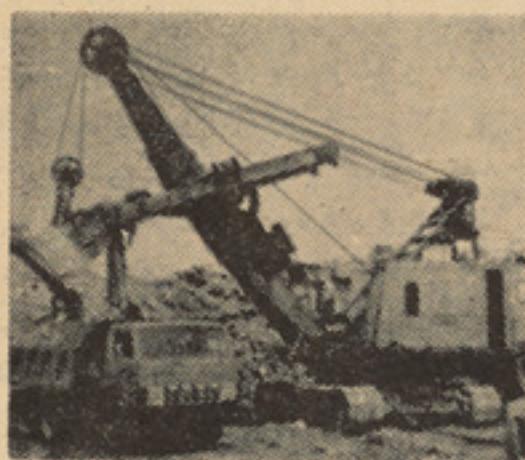
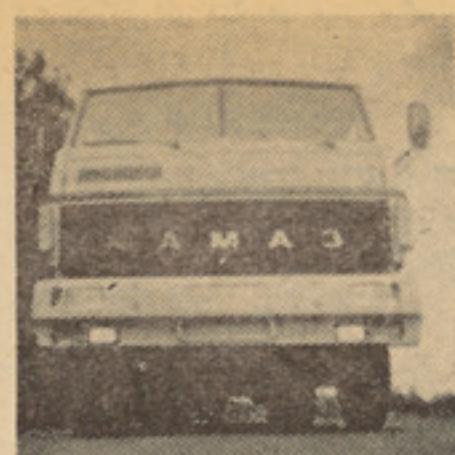
یکی از دختران ورزشکار بلغاریا

ملی المپیک از جمله تمام شرکت کنندگان صرف آناییکه به مقام قهرمانی و درجه های دوم و سوم قرار گرفتند به حیث اعضا تیم ملی شناخته شدند . که آنها تمرینات اساسی شان اطبق یک برنامه منظم تحت نظر ترینران ورزیده و آزموده این ورزش اخاز نمودند . دوی ۲۲ حمل برای ورزشکاران بوکس و تماشگران علاقمند به آن، روزناییت خوب بود زیرا در آن روز باز هم ورزشکاران بعداز یک وقفه گوتاه روی رینگ مسابقه با عم دینو بازدید نمودند . درین دیدار های انتخابی عده کشیری از تماشگران نیز حضور به هم رسانیده بودند .

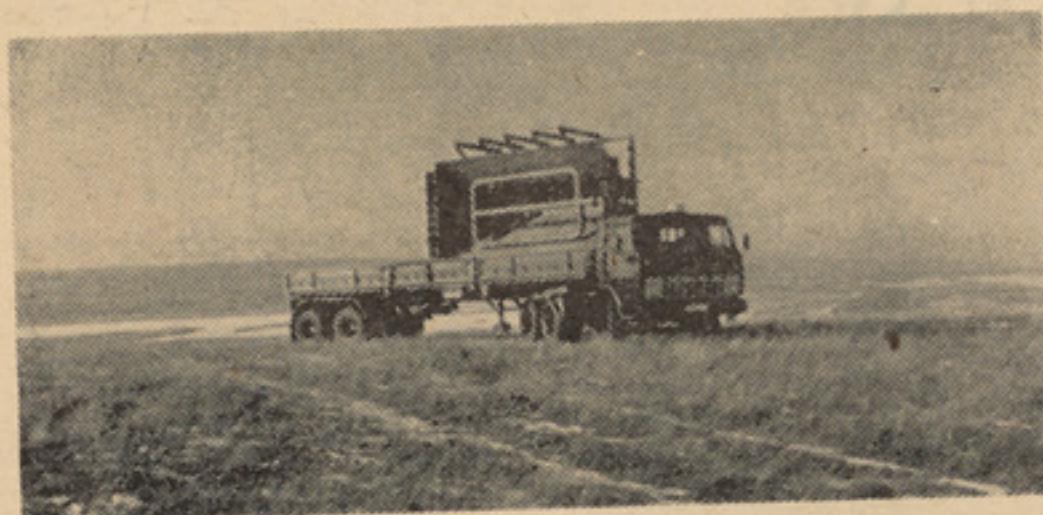
تعداد شرکت کنندگان که به اضافه از یکصد ورزشکار میر رسید در آن چهره های کاملاً جوان تازه وارد روی رینگ تبارز نمودند و با درخشندگی یکبار دیگر درین قهرمانان عرض وجود گردند و در نتیجه تهایی پس از چند دور دیدار ها در وزن ۵۲ کیلو گرام نشار احمد فاری زاده از کلپ ورزشی قوای مسلح بر مقام قهرمانی تکیه زد احمد عمر چهره خوب و جوان این ورزش با نتیجه چند امتیاز جای دوم را اشغال کرد وی عضویت کلپ عمر شرید را دارد . صالح محمد عضو کلپ عمر شرید به درجه سومی قرار گرفت دروزن ۵۷ کیلو گرام از کلپ شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان ، محمد هارون از کلپ عمر شرید و محمد اسماعیل از کلپ داغستان بانک هر یک به مقامهای اول دوم و سوم قرار گرفتند در وزن ۶۰ کیلو گرام غلام ربانی از کلپ نساجی بکارهای جای اول را میرفت . خلیل احمد از کارتو گرافی دوم شد و محمد سلیم به درجه سومی هاند . دروزن ۶۳ کیلو گرام محمد حسن و عبدالجليل اعضاي کلپ عمر شرید هر یک اول دوم شدند گرام الدین عضو کلپ اختیاری جای سوم را گرفت دروزن ۶۷ کیلو گرام رستم کارمند از کلپ تعلیم و تربیه با مهارت و درخشندگی خاصی از عنوان قهرمانی خود را کرد . میر عبدالحکیم از تعلیم و تربیه دوم شد و محمد صادق از کارتو گرافی به مقام سومی رسید . در وزن ۷۱ کیلو گرام عبدالحکیم از کلپ اتحاد جوانان به مقام قهرمانی رسید و شهاب الدین از کلپ شهاب الدین و حیدر علی از کلپ اختیاری بالترتیب دوم و سوم شدند . دروزن ۷۰ کیلو گرام عزیز الله عزیزی بعداز یک

میشود دیزاین کننده گان نوآوری های نموده که با استفاده از آن عین پروفیل را میتوان در بلک های مقاومت کاماز مورد استفاده قرار داد. و بدین ترتیب از فسایع شدن هزار ها تن فلزات مختلف به شکل مواد اضافه تولید جلوگیری شده است.

تاسیسات عظیم صنعتی کاماز نه تنها بولم های صنعتی خود را حل می نماید بلکه همگاری های همه جانبی خود را بادیگر فابریکات و هو-



را در زمینه تقسیم بین المللی کار و تولیدات صنعتی بین ممالک دارای سیستم های مقاومت سیاسی بزرگ خواهد گرد. طوریکه واضح است اکثر کشور های اروپائی و امریکایی هائند اضلاع متعدد امریکا، جمهوریت اتحادی آلمان، ایتالیا، فرانسه، چین، هالند، بلژیک، سویڈن، والز جمهوری مالکوسیا، جمهوریت دیموکراتیک آلمان، جمهوریت مردم مغارستان، جمهوریت پولن، بلغاریه، چکسلواکیا و یو-



سیاست صنعتی کشور هم ادامه میدارد. خصوصاً گوسیلاویا در ساختمان تاسیسات عظیم صنعتی کاماز - همکاری و تجهیزات ساخته کشور های تحقیقات دوامدار صورت گرفته تا به همکاری هوسیات صنعتی داخلی بتواند از وارد شدن مواد خارجی که برای تولیدات کاماز-فروری بود جلوگیری گردد و مواد مشابه را در داخل اتحاد شوروی تولید نماید. با عملی شدن این اقدامات مفید صرف در سال ۱۹۸۰ در حدود پیش از هشت میلیون روبل به اقتصاد ملی مملکت مفاد عاید گردیده است.

فابریکات موتور سازی کاماز - دریک منطقه کوچکی تاتا ریه نام - (تاتا ریخ) - ایالت کام موقعیت دارد اما این نوع بروزه

های بزرگ صنعتی هائند کاماز - نه تنها در رشد سریع وعده جانبه اقتصاد خود همان منطقه تاثیر فوری دارد بلکه تاثیرات آن به مرتب عمومی ترویج تر باید محاسبه شود بطور مثال شعبات متعددان بروزه بزرگ صنعتی که اهمیت بین المللی دارد در شهر های مختلف در نزدیکی تاتارویا در شهر های که به فوامل خلیل دورازان واقع است قرار دارد.

ناظمهایی

از هفت اقلیم



ترجمه و تبعیع: محمد نعیم (نیواد)

موترهای کاماز، موتوهای فیصل جدید

از جمله بزرگترین فابریکات تولیدی هوتر -
های باربری جهان است.

حالا میخواهیم بصورت مشخص در زمینه رول موتوهای کاماز در حیات اقتصادی و صنعتی سوروی معلوماتی ارائه نمایم.

موترهای کاماز کاماز برای کشور شوروی بر علاوه از دیگر ساحه های حیاتی دو وظیفه خیلی مهم و حساس اقتصادی را نجات میدهد. اول اینکه بصورت عووم موتوهای کاماز - تواناز خلیل بلند نسبت به تمام موتوهای باربری قابل شوروی دارد و مزیت دومی آن این است که موترهای کاماز با انحنی دیواری

مجهز میباشد که از نظر اقتصاد منافع هنگفت رابه اقتصاد مملکت باری اورد و مواد سوخت قابل ملاحظه ای صرفه جویی میشود و از طرف دیگر مسومیت را که در اثر سوخت بطرول محیط زیست به آن مواجه میشود تا اندازه قابل توجه پانیز می آورد.

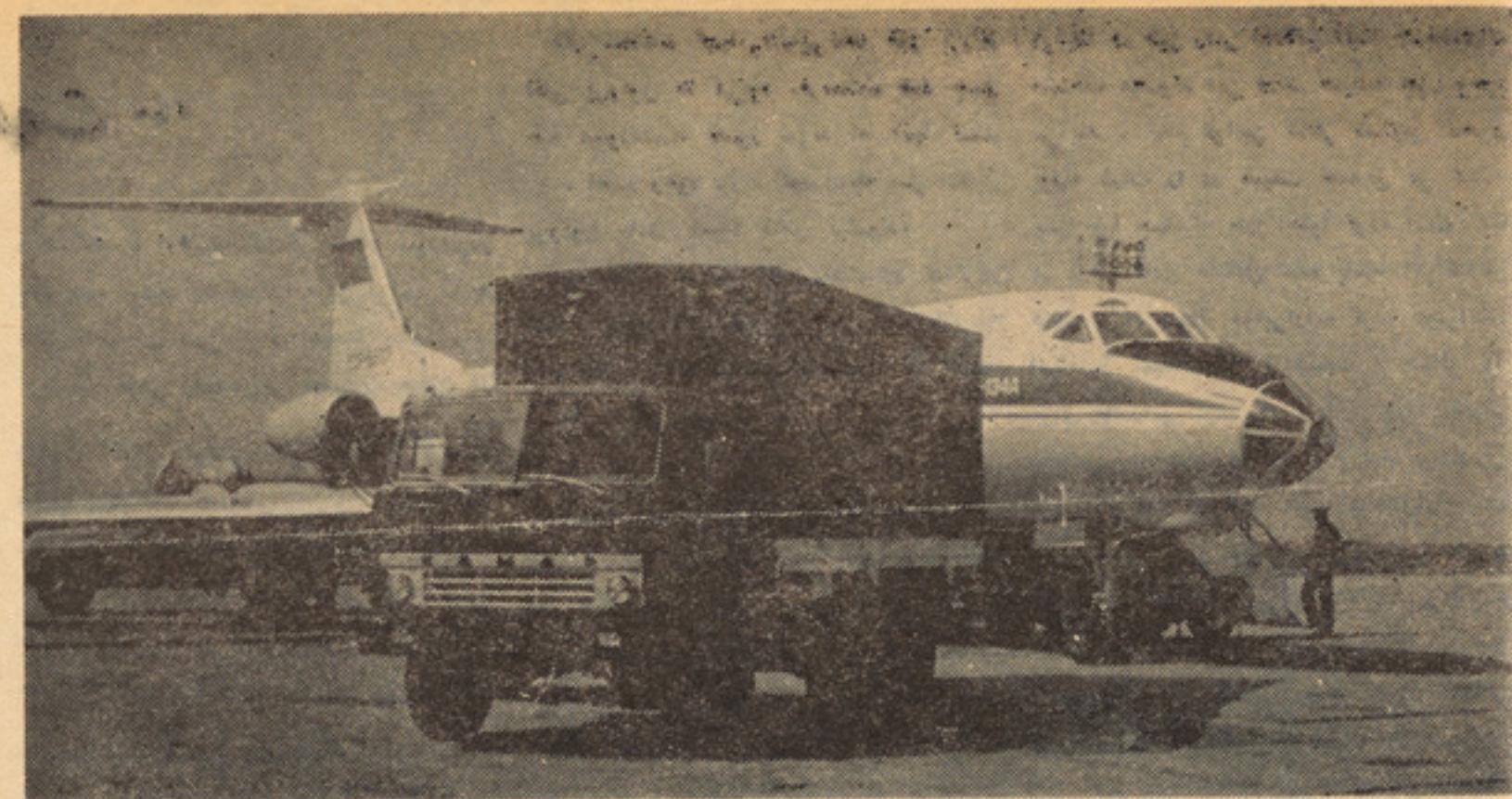
دریلان پنج ساله اول بروزه بزرگ کاماز «نیجر» دریلان پنج ساله دوم بروزه عظیم کارگران و انجمنان هربوط فابریکات کاماز - تعهد سپرده بودندگه تا شروع بیست و ششمین کانگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تولیدات قرار داده که با استفاده از آن میتوان صرفه جویی های بزرگی اقتصادی گردد. بطور مثال اکثر بروفل های فلزی که در ساختمان قسمت های مختلف این موتر باری از آن استفاده کانگره نتایج کار پیلانده ساله اخیر را عقربه خاتمه می یابد بروزه خلیل - عظیم صنعتی تولید موترهای کاماز - کاماز - در فابریکات کام میباشد این بروزه هم صنعتی بروزه این موترهای کامکاری عای بیشتر



داد که ضد ماده در نظام کیهانی ها از ۱۰۰ بر ۱۰۰ دارد. فیضی اعداد عمومی مواد معمولی تجاوز نمی کند. این مثالاً چه قسم ثبوت شد؟ در انتیوت تختیک و فزیک لینن گراد در اوایل سالهای ۱۹۷۰ سپیکتر و متوفناطیسی ساخته شد که این آله نه تنها ذرات را مشخص می ساخت بلکه آنها را از پذیرفات تمیز می کرد، که خود مصاله ای ساده نیست. زیرا در طبقات بالای اتوهوسفیر وجود فضای کیهانی بعد از ذرفی و اونج در این رو وجود دارد.

در جریان سالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۷۷ سپیکتر و متر بالون کیهانی را با ترکیب دستگاه تبت استفاده به سرحد اتوهوسفیر به ارتفاع بلند انتقال داده آنجا در هاشامت مغلق بود. ذرا نی که از کیهان پرواز می کردند توسط دستگاه که از کیهان پرواز می کردند توسط دستگاه هر بروط تبت می شد. بعد از انجام بروگرام داده شده دستگاه توسط پراشوت به زمین پائین آورده شد که علمای تجربه کننده لینن گراد را وادار به مطالعه صد هزار حواضت فیدشده در دستگاه نمود تا بالاخره امکان می سرشد که انتی بروتون (ضد بروتون) را در شعاعات کیهانی کشف کنند.

خبر این مطلب در کنفرانس فزیک شعاعات کیهانی سر تاسی اتحاد شوروی که در سال ۱۹۷۹ در هرگز ارمنستان اتحاد شوروی شهر «برلوان» دایر شده بود صورت گرفت. بعداً به شعاعات کیهانی روی آوردند. مجموعه تجارب مغلق با شعاعات کیهانی که به استفاده از تحقیقات اشتراکندهان شانزدهمین کنفرانس بین المللی کیهانی و بالون های هوایی صورت گرفت نشان



بطور مثال در شهر (بود یسوی) هر بروطیلی از تراکتور راهی توان یاد آورد شد بصورت روسیه فابریکه تولید. (تفویه کننده اتوما - عمومی در حدود بیش از سه صد فابریکه موتورهای - نسل دوم راکه توان از آن به مرتبه تیک ها یدرو لیکی) - در شهر (بارو سلاو) و دستگاه های مختلف صنعتی کشور همکاری فابریکه تولید سیستم های مختلف برای انجن های خیلی نزدیک با فابریکات کاماز. دارند. برای آنکه معاویات فابریکات کاماز را تولید سیستم های مختلف برای تعبیه واستفاده به خوبی معروفی کرد باشیم تذکر می دهم کشور دارای میباشد تولید می نماید.

مترجم: نورمحمد همتا استاد در انتیوت پولی تختیک.

آیا اضداد جهان حیه وجود دارد؟

با قبول قوانین فزیک، در مقابله با هر ذره ابتدایی ضد ذره وجود دارد.

ما ضد ماده؟

اگر ضد ماده وجود دارد، پس چه قسم در کجا، و بکدام سویه؟

به آن جهت جهان واقعی



ضد ذرات اولین مرتبه توسعه فزیکدان انگلیسی متکی به حصول آن از کیهان است. «دیروک» بیشتر از ۵۰ سال قبل پیش گویند شده عقیده بر آن بود که اگر در کیهان ضد ماده بود، معلوم شد که پوزیترون یکی از چنین بشکل هایکرو سکویی موجود باشد، پس ذرات است که در سال ۱۹۳۲ در تجارت با شعاعات نفوذ آن در سیستم آفتایی از امکان بعید نیست کیهانی کشف شد. پوزیترون در مقابل علماء به این ترتیب به اساس فرضیه عالم اتحاد چون انعکاس آئینه وار الکترون قرار گرفت. شوروی اکادمیسین و کانستان تینووه، ستاره های دنباله دار و یا حداقل بخشی از آنها در تجارت بعدی در سرعت دهنده ها اثبات کرد سیستم آفتایی از ساحت خیلی بعید کیهان موجود است. علاوه از تجربه در سرعت دهنده نفوذ می کنند، میتوانند از اضداد ماده تشکیل شده باشد. این فرضیه پرابلم مسکو اتحاد شوروی «سیر پوخووه» هر بروط مسکو اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۰ امکان داد که حتی هسته تشنعت سیاراتیکه از زمین دیده می شوند. چوابی ضد هلیوم رادر یابند.

اما علمائیکه در پرابلم ضد جهان حیه مصروف بودند، امثال چنین ذرات رادر یافت نکردند. زیرا ذرات مصنوعی ایجاد شده بودند. علم

بہ آن حیث ...

ذکر تفاوتات کیهانی دارای بین طبقه های بزرگ
اتفاق بروتون ها می بود ، ممتنعه شد جهان
حیه میتوانسته تصور شوند اما آنها کس
اند ، آنقدر وجود دارند که در نتیجه عمل متقابل
بروتون عادی بامداد ظاهر میشوند .
این مطلب اساس ادعای رامیکار است که اگر در
نظام شمسی مانند بروتون وجود دارد طوریکه
قبل تذکار یافت مساوی به ۱ بر ۱۰۰ فيصد
مقداری عمومی مواد است .
این امر بیشتر به فزیک ستاره شناسی
نیوترون ارتباط می گیرد . طوریکه معلوم است
نیوترون خا صیت قوه تحفظ عالی را دارد است
این ذرات یعنی نیوترون از مواد باضغایت
زیاد با حفظ تمام خصوصیات مربوط بخود
میتوانند عبور کنند با حصول چنین ذرات گذار
همیزی کیهانی چندین ملیون سال زندگی می کنند
علمای معلومات پیشروعه جانبه درباره موجودیت
فرد جهان حیه میتوانند اراده کنند .
مسئله دلچسب دیگر اینکه : اگر در سرعت
دهنده زمینی (دستگاه تجربه) ذرات بوجود
پیش بروند ؟؟

فریاد شعاعات کیهانی که در اگست سال ۱۹۷۹ در پایان خود قدرتمند جاپان «کیوتا» دایر شده بود به مطلب انتی پروتون آشنا شدند. گروپ زیاداتی پروتون کشف شده با انرژی ۱۲ الی ۵ ملیارد الکترون ولت٪ (۶۰-۶۰) از گروپ پروتون های عادی ای کیهانی را تشکیل میدهند. این انتی پروتون ها اویلن انتی پروتون طبعی بودند که از انتی پروتون های کشف شده تجربه باسرعت دهنده تفرق می شدند.

بعداز چندین ماه خبرداده شد که فریکدانان امریکایی در «یخناس» چین تجربه ای را انجام دادند. یعنی به استفاده از بالون های کیهانی دستگاه مربوط رابه سرحداتو موسفیر بالا برده بعداز انجام وظیفه دوباره به سطح زمین پائین آورده شده گروپ انتی پروتون های قید شده

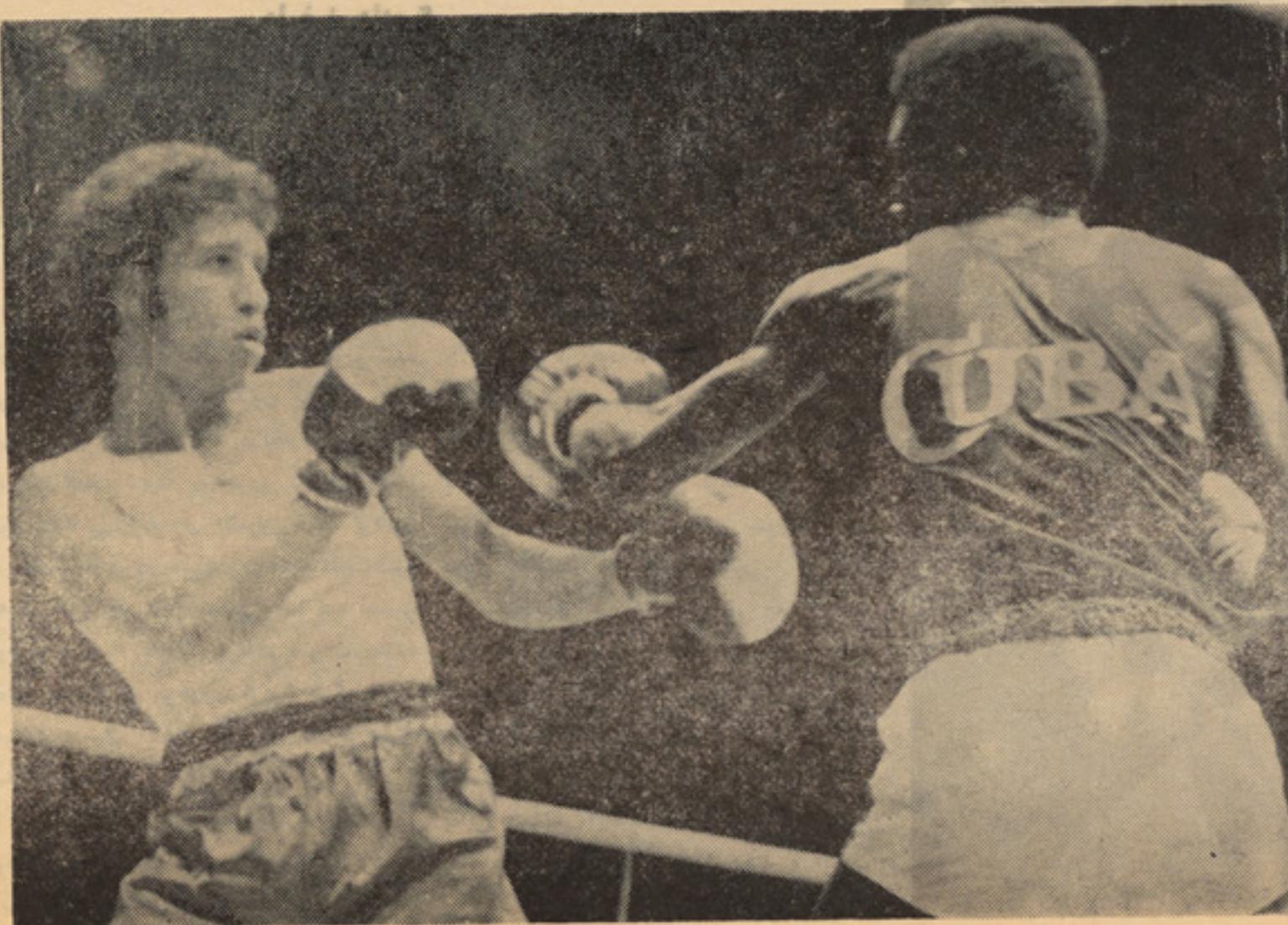
چشم گیر بوده است . به عقیده دوشهیزه (ت) درمورد انجام مسابقات ورزشی بین کشور های پترولیومی (کنفرانس اقتصادی اسلامی) اتحاد شوروی و بلغاریا باعضا رسیده در طی مسابقات دوین یکهزارو پنجمین کشوری مونتریال به گرفتن جایزه طلایی هر سال بیش از دوازده مسابقه دومیدانی به موفق گردید یکی از عوامل عمدۀ ویزرنگ اشتراک ورزشکاران هردو کشور در مسکو و میزبانی و موفقیت ورزشکاران بلغاریا در صوفیه صورت میگیرد . توقع میروند تا ختم مسابقات های دو میدانی همانا دوام تهرینات در سال (۱۹۸۱) تیم های ورزشی آنکشور در بیش از ده مسابقه چهارمین درقاره های آسیا ، افریقا ، اخلاق کشورهای اشتراک در مسابقات ملی و بین المللی میباشد . برطبق پرتو کول هائیکه وامریکا لاتین بعمل آید .

انکشاف ورزشها

کشور های سوسیالیستی انجام پذیرفته است. مسابقات بیلرانی در شروع قرن نوزدهم در شهر یولیدیف آغاز گردیده و سپس دامنه آن به سایر حصص آنکشور وسعت یافته است. بیلرانان یونان قدیم گفته اندگه ورزشکاران بلغاریا ذر رشته ورزش کشتی گیری مهارت تمام دارند. کشتی گیران ترکیه در عصر امپراطوری عثمانیه نیز اعتراف گرده که بورش بیلرانان بلغاریا در حوزه بالقان شهرت خاص

فدراسیون ورزشی های دو میدانی بلغاریا در سال (۱۹۶۲) یعنی دو سال قبل از شروع مسابقات الیمپیک در مونتریال واقع در کانادا چندین کلب سپورت پهلوانی و وزنه برداری را افتتاح نمود ، گرچه در شروع مشکلات بزرگی در جهت جذب تعداد کلب ها موجود بود معاذلک در او اخر سال (۱۹۶۳) پس از باز گشت تیم وزن برداری آنکشور از بلکراد تمام معضلات حل و فصل گردید :

دو تحول عمده و بزرگی که اکنون در رشته های ورزش دو میدانی در آنکشور رونما گردیده همانا بکاربردن طریقه های جدید جمناستیک در سپورت دو میدانی و «سپار کاتیاد» است، در سال (۱۹۷۹) تیم های ورزشی بلغاریا در بیش از پانزده پروگرام چنها سیک و سپار کاتیاد اشتراک گرده بطوریکه بیش از نصف آن در کشور های حوزه بالقان و



گوشه ای از مسابقات ورزش هشت زنی بین کیوبا و بلغاریا.

پیوسته بگذشته

((چپ باش ! سر و صدا نکن .
دخترک مرده است .))
و دخترک پادو که بار ها شاهد
چنین حوادث اندوه بار بود، این بار
ناخود آگاه دعست هایش را به هر
کوبید، چیخ زد و دویده بسیرون
برآمد. کلام ام را بر داشتم و بیرون
شدم. پیر زن هنوز هم با سرور و
شادی گپ می زد و صدایش در
گوشم طنین می انداخت. گفته نمی-
توانم که چقدر دلم برای پیر زن
سوخت و درد کرد.

بگیچی به راه افتادم و بسیار
بعد ایوانف با گادی به من رسید
و به آن سوار شدم.

بخش ششم

... قصه همینطور بود سپس
سرماور جریان دیدنم را از خانه
تبعدی به بالا گزارش داد و دگرمنی
که در کوسترو ما موظف بود به مقام
های بالایی. این گزارشها به بالا
بالا ها رفت و در نتیجه من از ترفیع
ماندم. اگر راست بگویم من هرگز
از آنچه انجام دادم، با آنکه از ترفیع
ماندم، پشیمان نیستم.

با گذشت مدت‌های زیاد، هنوز
خاطره این دختر جوان از دفتر ذهنم
بیرون نرفته است.

همین حالا که گپ می زنم او در
برابر دیدگانم قرار دارد.

این چه معنی دارد؟ کی می تواند
آنرا توضیح بد هد!

((آقا، خواب نرفتی!))
خواب نبودم ... اندوه کلبه کوچک
در انبوه جنکل فرو رفت و تصویر
غم آلود دختر مرده در دل تاریکی
و فریاد زوزوه تو فان، جان گرفت...
یاد داشت:

این داستان در مارچ ۱۹۸۰
وقتیکه کورلنکو در زندان مو قستی
ویشنی - ولو چک منتظر حر کت
به تبعید گا هش در سا یبریا بود،
نوشته شده است: این قصه رایکی
از زاندارم هاییکه وی را در همین
سال در زندان برویزووسکی بوچنکی
به ویا تکا می برد، نقل کرده است.
چهره دختر تبعیدی از روی سیمای
ناگهانی خوردہ ام.

پایان

بودم. ازان روز به بعد، غم واندوه
مانند خوره تنمرا می خورد. روز بعد سر ما مور پو لیس مرا
و دخترک پادو که بار ها شاهد
چنین حوادث اندوه بار بود، این بار
ناخود آگاه دعست هایش را به هر
هایت آمده است. ((حالا می توانی بروی، مکتوب
دریکی از این مکتوبها، ۱ مر
شده بود که دختر را باید به تبعید
گاه های دور تر ببرم. بسیار ناوقت!

خدابر او رحم کرده بود ووی را
نزد خودش خواسته بود!

... صبر کن این یا یان داستان
نیست. در راه باز گشت، ما به
یک ایستگاه میانه راه توقف کردیم.
وقتیکه وارد اتاق شدیم، سما واری
روی میز می جوشید. از سرو سامان
اتاق معلوم میشد، که زن پیر با
سلیقه بی در آنچه موظف است.
خودش پیدا شد. او زن باز یک،
نظیف و ساده بود و سعی می کرد
با هر کس رو یه خوش داشته باشد،
و بقچه دلش نزد هر کس باز بود.

او یکرته قصه زند گیش را
می گفت:

((بین من خانه میراثی را
فروختم. کالا مالایم را جمع کردم
و حالا به سوی خانه کبوتر کوچکم
روان هستم. از دیدن من چقدر
حیران خواهد ماند!))

اگر راست بگویم از خوشی غش
خواهد کرد. ممکن است مرا هلاخت
کند و لی با دیدن همه چیز یا دش
خواهد رفت. او از قهر زیاد برایم
نامه نوشت و دران گفت که هر گز
بیشش نروم.))

مثل اینکه کسی به پهلویم ضربه
زده باشد. من با عجله به آشپز-
خانه رفتم از پا دو آشپز خانه
پرسیدم: ((این زن کیست؟))

((کی بوده می تواند غیر ما در
همان دختری که تو به تبعید گام
بردی!))

این کلمات در قلبم زخم زد. از

گفتم: ((عسکر، چه شده است!))

((اگر راست برایت بگویم هنوز
هم فکر می کنم که مادشمنان عمری
هستیم. با آنهم باتو دست می دهم
و امیدوارم که تو با وجود اولامر
اکید روزی به یک موجود انسانی
بدل شوی.)) آنچه را ترک گفتم.
ریاز نتسیف مرا دنبال کرد. وقتیکه
در حوالی با او ایستاده بودم حس
کردم که اشک به دور چشما نش
حلقه زد.

پرسید:

((استیبان پتر ویچ، در شهر
تاکی خواهید ماند؟))

((ممکن باز سری به ما بز نید
خوب می شود. با وجود این کاری
که داری، آدم با اطمینان به نظر
می رسمی))

((ببخشید من او را آزار دادم...))
((خوب گذشت.))

((چیزی است که من می خواهم
آن را بدانم. شما کلمات آدم سر
به هوا را بکار بر دید. یعنی اول
متعلق به همین گونه مردم هست)
(باشد. یاباشد. آنچه مهم
است این می باشد که وی متعلق به
آن گروه مردمان هست که تو غرور
شان را در هم کو بیده یی واهر گز
در برایر هیچ نیرویی سر فرود
نیاورده هست.)) آنچه را ترک گفتم.

بخش پنجم

از آن پس، به زودی او جهان را
پرورد گفت. به جنازه اش شرکت
نداشتند زیرا در ما موریت پو لیس
مصطفوف بودم. فقط پس فر دای آن،
توانستم تاریا زتسیف را ببینم.
وضع بدی داشت.

او آدم قد بلند، با چهره جدی
بود. در گذشته با من بر خورد پر
از محبت داشت ولی آن بار مثیله
گیج شده باشد. دستم را گرفت
که تکان بد هد و لی به زودی آنرا
رها کرد و در حالیکه دور می شد
گفت:

((از دیدنت بدم می آید. بهتر
است دور شوی، دور!))

سرش به سینه خم شد و رفت.

دو باره به ما موریت بر گشتم تابا

چیزی معدہ ام را پر کنم، زیرا بیش

از دو روز بود که غذای سیر نخورده

جنون

آنستیتوئی های انجمن

در از ترین ناخن

جهان

افتخار داشتن رکورد بلند ترین ناخن دنیا نصیب «موراری ادیتیا» از اهالی کلکته هند و ستان شده است. موراری طی ۱۲ سال موفق شدن اخن های دست چپ خود را تا ۱۶۵ سانتی متر بلند کرد دست چپ موراری طی ۱۲ سال یکدفعه هم کار نکرده است.

سترا تیری جدید

جهت مساعی برای بهبود وضع موجود برونا مه جدید خواستار چندین سطح اقدام همزمان بود که عبارتند از:

۱- توسعه همه برونا مه های جاریه صحی، تغذی، آموزشی و رفاه اجتماعی برای اطفال و خانواده های شان در راه جلو گیری از صدمه، مراقبت از معیوب بیت ها قبل از وقوع آن و مدد و احیای مجدد.

۲- تاکید بر نیاز مندی های همه کودکان، نه تنها طفل معیوب، تا آنکه رشد هر کودک تا حد ممکن شکل عادی داشته باشد.

۳- تقویت دانش و توانایی هر خانواده و اجتماع در امر جلو- گیری از معیوب بیت و کمک با آن کودکانی که معیوب گردیده اند.

صا اشخاص بی بضاعت و آنانی که بعد مات بشری کمتر دسترسی دارند به آن موابعه میگردند.

۵- بدنی آمدن طفل ناقص یا وقوع معیوب بیت میتواند بر تمام خانواده بار بیشتری تعیین نماید.

این مو ضوع میتواند استعداد خانواده را برای زندگی اقتصادی کاهش دهد و ممکن است آنرا در گرداپ فقر غوطه ور سازد.

۶- صرف گاه گاهی برونا مه های بهبود زندگی کودکان و خانواده های شان از نگاه صحت، تغذی، آموزش اساسی، رهنمای خانواده و بهبود اجتماعی نقش ارزشمند شان را در جلو گیری و کاهش معیوب بیت ایفا نماید.

۷- بصورت عموم در حصه مو جبات اساسی معیوب بیت، جلو- گیری ازان و امکانات احیای آن بی خبری حکمفر ماست که در نتیجه آن خانواده ها و جوامع در سراسر جهان بی جهت اطفال خود را معیوب و ناقص میگردانند.

دستور یونیسف در هر ده معیوب بیت

اطفال

یونیسف برونا مه گستردگی ایرانی در باره جلو گیری از معیوب بیت های مذهبی ملیون ها طفل ممکن بود.

۲- اطفا لیکه با نقص های جسمانی، ذهنی، عصبی، مصاب اند غالبا از تووجه اساسی و انگیزشی که همه اطفال در راه رشد و اکتشاف خود به آن نیاز دارند محرومند.

۳- انقطاع پر و سه عادی اکتشاف طفل ممکن است صدمه مد هشتری را نظر به آنچه معیوب بیت

بنشایی موج میگردید برای طفل بار آورد.

۴- عوامل عمده صدمه های معیوب بیت ها عبارتند از غذای ناکافی، مشکلات در موقع تولد، بیماری های قابل جلو گیری، تصادمات و آسودگی میباشد که مخصوصاً

در باره مطبوعات جهان چه میدانید؟

قرار معلوماتی که نشریه رسمی «یونسکو» می یابد.

همچنان فرهنگی و علمی ملل متحد (سازمان فرهنگی و علمی ملل متحد) میلیون نسخه مجله در دنیا طبع و نشر میگردد. انتشار داده است روزنامه در سراسر جهان دوصد شصت میلیون نسخه روزنامه طبع و نشر میشود.

که برای هرده هزار نفر مردم دنیا نوود و شماره روزنامه نشر میشود.

شماره روزنامه نشر میشود.

مجموع روزنامه های سراسر دنیا هزار است و در تمام جهان هشت هزار روزنامه یوپیه انتشار

تیه و ترتیب محمد فاروق «اسیر»

در عین حالیکه از اهداف کلی (سال بین المللی اشخاص معیوب) حمایت میشود در فعالیت های یونیسف در راه نیازمندی های اطفال معیوب ب و خانواده های شان مبذول خواهد داشت. ستراتیژی عملی جلو گیری از معیوب ب شدن اطفال، یا کاهش از تأثیر آن، که از طرف هیئت اجرایی یونیسف مورد تصویب قرار گرفته، میتواند برای کشور های جهت بهبود استعداد ملی شان در راه جلو گیری و مدد وای معیوب بیت اطفال خطوط عمده رهنمایی بگیرد.

این دستور العمل امکانات جدیدی برای همکاری با کشورهای رو به اکتشاف را از طریق یونیسف و سازمان های علاقمند در داخل چوکات خدمت صحي اولیه و سایر خدمات جمعیت بو جود میاورد. دستور العمل جدید ناشی از حقایق ذیل است:

عشق چیزیست

یجاد کشش ناگرفتی بین زر و ماده میشود . آنها به شام میرسد .
در تزارش عشق عم چنین ذکر شده است .
عشق یک حادثه اسرار آمیز است که در افراد مختلف حالات واکرات گو ن گون دارد و غلط است اگر بخواهیم در بر راه رنگ و بوئی دارد و این هر بوط به حالات آنها به طور گلی حرف بزنیم هر عشقی یک روانی طرز ترشح غدد بدنشها و اهواج ناگرانی اوردن جنس مخالف در انسان نفس فوق -
است که بین عاشق و معشوق رد و بدل العاده موثری دارد .
این دیگر از مواد شیمیائی می باشد .
و عاشقی ((فرمون)) است که انسوئر مختلف دارد و سبب بیوی بدن می باشد .
فرمون در مرد و زن و یا در تمام حیوانات نرماده تولید می گردد و اینک ثابت شده است که بیوی ناسی از آن در به عیجان اوردن جنس مخالف در انسان نفس فوق -
البته کشف تاثیر فرمون در نسانه که دارای شامه بسیار قوی نیست و دنیا می خارج را بیشتر از راه چشم - زن می گنه کار مشکلی است با وجود این ثابت شده است که زن ها بر خی بو هارا بپندازند از هر هادرک می گنند و خیلی از زن ها معتقد اند که بیوی بدن مرد مخصوصاً بیوی زیر نعل کاملاً تمیز و شسته شده مرد برای شان یک بیوی بسیار عطیه و احساسات بر انگیز است در اینجا نیز میزان حساسیت زن میزان حساسیت او را در نوع بو تعین کننده میزان علاقه ای که نسبت به یک مرد پیدا می گنند و یا لااقل در پیدایش این علاقه نقشی دارد .
به همین جهت است که اخیراً عکس عانی در پارس ساخته اند که بیوی طبیعی بدن از می گند .

کلن و دیو ید زن و شو هر روان‌شناس از نظر ارتباط بین شکل ظاهر و عاشق شد. تیز آهاری جمع کردند برطبق این آمار مردانیکه دارای قد بلند، شکل کوچک اندکی لاغر و چشم واپری جذاب هستند پیشتر هورد شکار دخترها قرار می‌گیرند این هوردها از نظر هوش ذکاءوت و شخصیت‌گاهتر هوردهای ایش دختر واقع می‌شوند و آنند بسر راه آنها دام عاشقانه گستردند می‌شود در حالیکه مرد های عفشهای از این بابت به مشکلات پیشتری هواجه می‌شوند و باید ثابت کنند که افراد هوشمند و با ذکاءوت هستند زیرا ورزشکار بودند و عفشهای بودن برای هر دختری جدا بیشتر و عاشقانه نیست.

در مقابل زنی که دارای پستانهای بزرگ است پیشتر به جلب نظر مردی می‌پردازد که سگرت می‌کشد مجله‌های زنانه زیاد می‌خواند و روزشکار است هر تبا قرار ملاقات می‌گذارد. در مقابل دختری که پستانهای پس غله مذبور به طور اسرار آمیزی موجب صاف دارد سعی در جلب نظر مردی دارد

صفحه ۱۹

۵۰۰ مخدر و یهاد با ادعای...
اعتباد

نتایج و تحقیقات کمیسیون نشان میدهد که
بخارت غیر قانونی ادویه مخدره اخیراً در اکثر
شور های غربی توسعه یافته قاجاق بران
ز تکنیک های ماهرانه درمورد استفاده میکنند.
اتحاد شوروی مبهمترین کنوانسیون های
بریوط به کنترول برادویه مخدره را امساء
تصویب کرده است . این کشور يك سهیم
فعال را در امور کمیسیون ادویه مخدره ایفا
موده ، پیشنهادات متعدد ، لوایح و قیصمه
نامه های مسمی در زمینه ارایه کرده است .

طور مثال این کشور پیشنبادات سود -
ند در مورد کنترول جدی تنواع ادویه
مخدراه و متع تو لید هروئین و استعمال
آن به مرزجع هر بوط ملل متحده پیش کرده
که مورد قبول و تصویب نیز واقع شده است
ولی متأسفانه با تر میها تی که بنا بر اصرار
کشور های غر بی و اساسا ایالات متحده
امریکا در زمینه این پیشنبادات بعمل آمد
مشکلاتی در راه تطبیق فیصله های مذکور
ایجاد شد . معملا طور عمومی اتحاد شوروی
 قادر شد که با اراده پیشنبادات خود در مورد
مبازه علیه ادویه مخدراه به نتایج مشبست
معیشتی نایل آید و باینو سیله کام های
پیشتری در راه مبارزه علیه تعمیم ادویه مخدراه
برداشته شود .

چنانچه در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ تحت
بروگرام هوسسه صحن جهان سیمینار هایی
در مورد کنترول ادویه مخدره و جلوگیری
از استفاده ترکیبی این ادویه در مسکو
و چهارمین های آسیای مرکزی اتحاد شوروی
این امر به پیمانه بزرگ هر همان
شرایط مساعد اجتماعی بی است که با
تاسیس اولین دولت بزرگ کارگری جهان
و پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر میسر شده
است .

با ارتباط به مؤثثیت اقدامات علیه
تعهیم ادویه مخدره باید گفت هر جا که
کوشش جدی و هم آهنگ به سویه بینالمللی
در زمینه صورت گرفته و کشورهای
مختلف به تعهدات خود پابند بوده اند نتایج
خوبی از این اقدامات بدست آمده
البته کمیسیون ادویه مخدره شورای اقتصادی
واجتماعی ملل متعدد اوضاع را بر اساس معلومات
رسانی که توسط ادارات حکومت رایبور داده شد
معطایه نموده و تدایری مشترک اتخاذ هیکنند
معلومات بالارزش نیز توسط انتربول در زمینه
تبلیغ شده است .

جهان شان با استعمال ماری جوانا مباردت
افراد باین ادویه خطر ناک صورت می گیرد
عقل اصلی اعتیاد بادویه مخدره که عبارت
از فقر ، غربت و لکردن ، بیکاری ، فحشاء
وغیره است از جامعه ریشه کن شده و جوانان
هیجاناند با اطمینان در مورد داشتن شغل
وکار در آینده از هر فرصت در تا میں اهداف
مقید انسانی خویش استفاده کنند . و از
تسهیلات گوناگون مستفید گردند .
یک فکتور مهم دیگر در زمینه عبارت
از تهرکز صنایع ، ادویه سازی و دواخانه
ها در دست دولت است که به مو جسب
آن تعییم و مقدار تو لید ادویه مخدره محدود
به نیاز مندی های طبی و علمی بوده و خرد
و فروشن آن ها نیز بر اساس تجویز دکتوران
صورت گرفته و جدا کنترول می شود
اتحاد شوروی در همکاری مشترک با موسسه
صحن جهان علیه تعییم ادویه مخدره می رزه
می کنند . متخصصین اتحاد شوروی در گروپ
عای اکسپرت و مشورتی در زمینه فعالیت
دارند و هم اتحاد شوروی در جمیع سیمینار
های که توسط موسسه صحنه جهان باین
منظور تنظیم می شود سهم می گردند .

در آنرا رشی عشق این دو روان تناس
حرفهای عجیب و غریبی هم آمده است مثلا
نوشته‌اند:

دختری که چاق است و با سن بزرگ
دارد در آرزوی شوهری است که بتواند
جذبه و قدرت حاکمیت داشته و به وی
دستور بدند در مقابل دختری که با سن کوچک
و اندام بازیک دارد خواهان مردی است که
خصلت و عادت امر کردن را نداشته باشد
بلکه بکارش عشق بورزد جدی و پول درآورد
باشد و در روابط بازنهای خلق و خوی دمو -
کراتیک داشته باشد.

در مزارش عشق تاکید شده: دختر خوش
عیکل به جستجوی مردی می‌پردازد که
عاشق پیشرفت و ترقیات است و تمایل
به کسب قدرت‌های سیاسی و اجتماعی
دارد.

غدد شیمایی بدن و نحوه اندازه ترشحات
آنها بیز در پیدایش عشق بین یک پسر و
دختر تأثیر دارند یک پسر یا یک دختر
تحصیل کرده و تر بیت شده تصود می-
گند اراده شان بدست خود شان است.
در حالی که این ادعا صد درصد درست
نیست و مواد نظری هورمون‌ها مخصوصا
هورمونی بنام ((تستوسترون)) در مرد هادر
عاشق پیشگی آنها تأثیر به سزا دارد و
بسیاری از مردان زشت و کمپول هستند
که به علت ترشح فوق العاده هورمون‌های
جنسی می‌باشد.

آخر چه اطلاعات ما از طرز عمل و تأثیر

حلاوه های شاد

وحشت زده مو های خود را گرفت
ومانند یک انسانی که به مرگ
محکوم شده باشد، در مقابل خود
خیره گردید.

پیر مرد سوال کرد:
سو تو از کجا می آیی؟

«ولادیمیر» دیگر علاقه ای نداشت
که به سوا لی جواب بدهد و گفت:
— آیا میتوانی برای من تا
«شادرینو» اسپ تهیه نمایی؟
دھقان پیر جوابداد:

— ما چگونه میتوانیم اسپها را
داشته باشیم.

— آیا میتوانم یک رهمنما داشته
باشم. من هر قدر پولی که بخواهد
برایش میدهم.

پیر مرد در حالیکه پنجه را می
بست گفت:

— صبور کن، من پسر خود را نزد
میفرستم. او ترا رهمنما می خواهد
گردد.

«ولادیمیر» انتظار کشید. اما
هنوز یک دقیقه سپری نشده بود
که دوباره تک تک زد. کلکین باز
شد و زیش پیر مرد از فرای آن
ظاهر گردید.

— چه میخواهی؟
— پسرت چه شد؟

— نورا می آید. او هوزه های
خود را می پوشد. آیا خنک میخوری؟
بس داخل بیا و خود را گرم کن.

— تشکر، فقط پسرت را زود

روان کن.

درب با صدای بروی خود چرخید
و یک مرد جوان در حالیکه یک عصا
در دست داشت پیرون آمد و باسر
باطراف راه پربرف اشاره ای نموده
به پیش افتاد.

«ولادیمیر» پرسید!
— ساعت چند است؟

دھقان جوان جوابداد:

— بزوی هوا روشن می شود.
«ولادیمیر» دیگر یک کلمه حر ف

هم نزد.

هنگامیکه به «شادرینو» رسیدند
خروس ها آواز میدادند و هواروشن
شده بود. کلیسا بسته بود.

«ولادیمیر» پول رهمنما را پرداخت،
و به طرف منزل کشیش راند. گادی

برفی او در روی حویلی نبود. آیا

دیگر چه خبری انتظار اورا داشت!

اما اکنون دوباره به نزد مالکین
زیاد دور نیست، تقریباً آنقدر چه حالند. بد نیست!

و رسالت فاصله باید باشد.

بعد از این جواب «ولادیمیر» و به اطاق نشیمن آمده بودند. در

گردید. اسپرا قمچین گرد. حیوان
بیچاره اندکی سریعتر به دویدن
آغاز کرد. اما بزوی از مقاومنت

خود کاست و پانزده دقیقه بعد با
وجود تمام مساعی «ولادیمیر» باقدم

های آهسته حر کت میگرد. آهسته
آنبوه در خان

کمتر گردید و «ولادیمیر» از جنگل
بیرون آمد. «شادرینو» در هیچ

جایی به نظر نمیرسید و اینکه باید
نصف شب فرامیرسید. اشک در چشمان

«ولادیمیر» جمع شده بود و او به
صورت تصادفی پیش میرفت.

فضای طوفانی اند کی آرا مگرفت
واپرها از هم دیگر پاشیده شدند. در مقابل او دشتنی مانند یک لحاف

سفید موجدار گسترشده شده بود،
شب تقریباً روشن بود. اوردنزیدیکی

مقابله خود یک دهکده کوچک را
مشاهده کرد که از چهار ویا پنج

دهقانخانه تشکیل شده بود و به همان
سمت روان گردید. در مقابله اولین

کلبه از کاسکه بر فی پایین پرید
به طرف پنجه آن دوید و تک تک

گرد. بعد از چند دقیقه کلکین چوبی
باز گردید و سر و کله یک پیر مرد

باریش سفید از میان آن نمودار
شد.

— شما چه میخواهید؟

— آیا تا «شادرینو» راه زیاد دور
است؟

— سوال میکنید که آیا تا
«شادرینو» راه دور است؟

— بلی، بلی آیا زیاد دور است؟ «نینا رادو فو» بر گردید و به بینیم

— زیاد دور نیست، تقریباً آنقدر چه حالند. بد نیست!

والدین پیر از خواب بیدار شده

پوسته بگذشته

در یک دقیقه تمام جاده از برف
ب Yoshiyide شد. اطراف در یک ظلمت

زد رنگ تیره مستور گردید که
از خلال آن پاغنده های برف به اما او پیش

تعجله پایین می آمدند و گویا آسمان
خود را بازمیگردند ذوب نموده بود

«ولادیمیر» از جاده منحر ف
گردید و نا امیدانه کوشش می کرد

آن را دوباره بینا بد. اسپ بصورت
تصادفی و بدو نهد ف پیش میرفت

و در هر ثانیه یابا و زشن دانه های
برف مصادف می شد و یا در گودال

های پربرف فرومی رفت. کاسکه

برفی در هر دقیقه بدیگر رو می شد
و «ولادیمیر» کوشش میگرد تا سمت

اصلی را بگلی کم نکند. اما نیم ساعت گذشت و

داد و با خود فکر کرد: «خدرا شکر
او هنوز به جنگل کوچک «شادرینو» اکنون دیگر راه دور نیست». او به

نرسیده بود. ده دقیقه دیگر نیز
گذشت ولی از جنگل هنوز اثری
پیدیدار نگردید.

«ولادیمیر» با گادی خود با لا

یک مزرعه پیش میرفت که ذریعه
گودال های عمیق برف قطع شده

بود. طوفان برف از شدت خود
نکاست و آسمان روشن نگردید.

اسپ روبه خستگی میرفت و خودش
با وجودی که هر لحظه تاکم در برف

فرو میرفت از تمام بدنش عرق
سرازیر شده بود.

بالاخره فهمید که کاسکه را به
سمت غلط راند. آنوقت

«ولادیمیر» تو قف کرد و کوشش

نمود فکر کند و خواست در که کرد که
به این نظریه رسید که به سمت

راست برگردد. آنوقت به طرف

و خواهش کرد که این بد بخت را فراموش کنند، مرد بد بختی را که یگانه راه امید او مر گ است. بعد از چند روزی فهمیدند که «ولادیمیر» به خدمت سر بازی لشکر بازگشته است. این موضوع درسا ل ۱۸۱۲

خیلی دیر جرئت نکردند که این واقعه را به اطلاع «ماشا» که اکنون صحت یافته بود، برسانند. اما چند ماه بعد «ماشا» نامش را در لست مجرو حین شدید چنگ «بورودینو» یافت واز هوش رفت. همه از این می ترسیدند که او دوباره دچار تب شدید خواهد گردید.

اما خوشبختا نه این بی هوشی کدام نتیجه و خیمی نداد.

ناتمام

صحت یا ب گردید. «ولادیمیر» را از مد تمدیدی بدینظر ف دیگر درخانه «گاوریلا گاوریلو یچ» ندیده بودند. او به نسبت همواره پذیرایی بوقوع پیوست.

آهسته آهسته دختر ک دوباره چنین استنباط کرد و نتیجه گرفت که دخترش فو ق العاده عاشق «ولادیمیر نیکو لا یویچ» است و به این مناسبت عشق اساس این مریضی می باشد.

های خرا ب ترسیده بود و دیگر در منزل آنها ظاهر نشد آن وقت تصمیم گرفته شد تانزد او بفرستند و این خبر سعادت آمیز وغیر منتظره را برای او بدهند: «رضایت عیبی نیست و اینکه انسان بالرود والدین برای ازدواج، اما تعجب مالکین «تینا رادوفو» چقدر زیاد بود، هنگامیکه در جواب دعوت نامه خود یک مکتو ب در هم ویرهم ضرب المثل های اخلاقی در و نیمه دیوانه از او حاصل گردند. مواردی که خود انسان راه حل او در مکتو ب نوشته بود که دیگر مشکلات را نیابد، خیلی مفید قدم به خانه آنها نخواهند گذاشت

بستراو دور نمی شد از جملات او واقع می شوند.

او با شوهر خود و بعضی همسایه کان مشوره و مذاکره نموده و بالاخره به این نتیجه رسیدند که ذریعة اسپ هم نمیتوان از این داماد فرار کرد و غربت و بی بضا عنی کدام عیبی نیست و اینکه انسان بالرود نه، بلکه با انسان زندگی میکند و از اینگونه برویم ها زیاد دیده شده است.

ضرب المثل های اخلاقی در و نیمه دیوانه از او حاصل گردند.

گاوریکا وریلو ویچ «با یک کلاه و چاکت پشمی و «پراسکو یا پتروفنا» با یک بالا پوش خواب پنهانه ای. سماوار آمده شد و «گاوریلا گا -

وریلو ویچ» خدمه را فرستاد تا صحت «ماریا گاوریلو فنا» را پرسیده و احوالش را بیاورد که آیا شب را آرام خوابیده است؟ دختر ک خدمه بازگشت و اطلاع داد که اگرچه ما دمواز ل خوب نخواهید است، اما اکنون خوب است و همین الان به اطاق نشیمن حاضر می شود. حقیقتا در همان لحظه در ب باز گردید و «ماریا گاوریلو فنا» داخل شد تا به پدر و مادر خود سلام بگوید.

«گاو ریلا گاوریلو ویچ» پرسید: «سر درد ت چطور است، «ماشا»؟

«ماشا» جواب داد:

- خوبتر است، پدر عزیز!

«پراسکو یا پتروفنا» گفت:

- توحتما دیشب از بوی ذغال

ناراحت شده ای.

«ماشا» جواب داد:

- شاید همینطور باشد، مادر! روز بدون کدام اخلاقی سپری گردید. اما در شب «ماشا» مریض شد. آنها یک نفر را به شهر فرستادند تا دوکتوری بیاورد. دوکتور طرفهای شام رسید و مریض رادر حال هذیان گویی یافت که در حالت تب شدیدی بسر می برد. مریض بیچاره دو هفته درا ز درین مرگ وزندگی قرارداشت.

هیچکس در خانه از همچو یک فرار نا فر جا مواقف نگردید.

مکاتیبی که در شام قبل تحریر یافتند بودند، همه سوختانده شدند

دخترک خدمه از ترس اینکه خشم و غضب ارباب خود را بر انگیزد سکوت کرد و چیزی گفت، کشیش افسر مقاعده، مساح برو تی و سر باز کوچک که می بایست شاهدین عقد باشند همه سکوت کردند، ابته نه بدون حق السکوت، «تیر یشکای گادیران» هیچوقت، حتی در هنگام نشه و مستی نیز یک کلمه اضافی نمیگفت.

به این صورت این اسرار، بهتر از اینکه تعداد زیادی در باره دست اتحاد بهم داده باشند، نهفته ماند. اما «ماریا گاو ریلو فنا» خودش در هنگام هذیان گویی از شدت تب این اسرار را فاش کرد اما کلاماً تشن به اندازه ای از هم گسیخته و نا منظم بودند که مادرش که از پسلوی



دبا عیات

گه ای لب برسان بر دل بی عصیانی
کن تاقت تو رسید این چان بر لب

• • •

صد معجزه در بهار پر آ بشار است
صد ساز طرب به شاخ پر ازبار است
با این همه معجزات در روی زمین
شادی بزرگ آدمی از کار است

• • •

در هر گلگن ره حیات است ای چان
در هر گرداب صد نجات است ای چان
امید رها صد بلایت بکند
نمیمیدی تو راه همات است ای چان

• • •

آب گه زقله بد خشان آید
از دیده آفتاب سایبان آید
تاقشم مه بد خشی را بوسه زند
سر را بزند سنجک غلتان آید

• • •

آنان گه بفرق کوه را هی جویند
با آرزوی میر میا هی جویند
از مرگیاح عشق چون بی خبرند
از سایه خو یشنن پنا هی جویند

• • •

آنان گه گند ندا بگوید به گذار
از شاعرم عاشق دوست نواز
• • •

بن دوست قدم به دهر نگذارم من
بن دوست ره حیات نسپارم من
روزی گه گشم نفس در عالم بن دوست
آن روز ز عمر خویش نشمارم من

• • •

هر کس به روی د هر تن پرورد شد
بیگانه ز خلق خویشن پرورد شد
تنها نبود ره زن آمرغ بختش
اووه زن اقبال و طن پرورد شد

• • •

بن سو زش دل در عالم اختر نشوی
بن مهر ووفا عزیز دلبر نشوی
این راه دراز و پر خطر گفت هرا
قاره نروی هیچگر هبر نشوی
• • •

از گردش خویش ، ماه عالم تاب است
از جوشش خو یش ساف در جواب است
ای بخت مطلب بغير هرغ بعثت
از خواب گران سخت تو در خواب است

• • •

افتاد اشکی ز چشم گریان بر لب
آتش شد و گفت با صد الفان بر لب

راه تو به سوی چشم نور افسان باد
راه تو چو روی صبحدم خندان باد
آن کوزه گه در دست سفیدت باشد
بر تشهه دیدار تو جاویدان باد
• • •

سلیم شاه بروزین

کابل گه میان میل واب افتاده است
حسنش ز جهان آفتاب افتاده است
از دیدن روی خوا هر او بز مین
بی چاره دلم در انقلاب افتاده است
• • *

بوی خوش خر بوزه ز پالیز آمد
شیرین قد و لب شکر شکر دیز آمد
از حاصل عمر دل چه خواهی دیگر
بردرگه تو بخت سحر خیز آمد
• • *

ای چشم سیه گه چشم شبلا داری
با چشم سیاه خود تمبا داری
شستی تو هگر گه چشم در چشم عشق
گین دیده پر خمار و زیبا داری
• • *

بایاد رخت قدم در عالم بزنم
از عشق تو خنده بر سر غم بزنم
هن بن تو ازان خنده گنم با دیگران
تا یک نفس چنانی بر هم بزنم
• • *

پر خوف ز راه عشق را هی نبود
ستگین تر از آه هجر آهی نبود
از ترس جان به جانان دادن
در دهر بزرگتر گنا هی نبود

• • •

آن در گه بود به مردم د نیا باز
آن دل گه بود زمیر یاران پر داز

شیرین بزنی چو دست بر دستک در
آواز برآورده داد از بند چکر
گه ای جان جهان قفل هن خانه عشق
من وا نشوم غیر تو بر شخص دیگر

دو پیکر عشق د یغت چان من و تو
گل کرد ز عشق خود جهان من و تو
آن سان شده ایم همنفس درده عمر
فرقی نکند اجل میان من و تو
• • *

از روی تو صد بر گه سحر میشگند
در شبتم عشق گشته تر میشگند
در شام فراق گر چه شد پر مرده
در صبح وصال از دگر میشگند

جبهه میهنی بر قرار گردید .
باید باد آور شد مبارزات مسلحه خلقهای
بلغاریا علیه سر مایه داری و فاسیزم خارقان
و اتحاد نا مقدس دو لش فاشیستی بلغاریا
و دولت فاشیستی هتلری در سالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۴.

۱۹۴۴ به اتحاد طبقه کارگر تحت دادخواست
جبهه پدر وطن در راس حزب کمو نیست
بلغاریا شدت پیشتر یافت . مارش ظفر نمون
فشنون راهای بخش کشور سوراها که در
رومانیا ، در راهی دانیوب و مرز راهی بلغاریا
برخند فاسیزم هتلری جا نبا زانه برآمد
انداخته شده بود ، شرایط مساعد سیاسی
ونقلی خارجی را برای قیام نهم سپتامبر
۱۹۴۴ مساعد گردید ایند که در فرجام منجر
به شکست قطعی رژیم بوروزوازی ، فاشیستی
و ایجاد دو لش توده ای بلغاریا گردید
و در اثر این همه مبارزان پیکر ، توده های
مردم بسوی اعمار جا مده نوین ، بسیج
گردید .

در ۲۱ اگست ۱۹۴۵ ، که آلمان فاشیست
سرکوب شده بود ، گنودگی دیمتروف به
میهن عزیزش باز گشت و زمام دولت را داشت

او سپرده شد یکسال بعد ، همه پرسی
عمومی در جمهوری توده ای بلغاریا صورت
گرفت و مراجعته به آراء عمومی ، حزب ب
کمو نیست بلغاریا در حدود ۵۵ فیصد آراء
را بدست آورد و می توانست به تنهایی
حکومت را تشکیل کند اما در اثر تو صیه
خرد مندانه دیمتروف یک حکومت انتلاقی
باشر که جبهه ملی بوجود آمد . پلان دولت
جهت صنعتی شدن و اعمار جا مده نو در کنگره
پنجم حزب کمو نیست که در آن رهبر توانی
خلق بلغاریا و مو سس جبهه پدر وطن
دیمتروف به صنعتی شدن کشور و هدایت
شدن سو سیاستی ز داعم اشاره و
تاکید ورزید ، به تدریج ، رو به گسترش
نمیاد .

دیمتروف ، بیمار شد ، بنیه وی رو به
تحلیل رفتہ بود ، راهی معا لجه نهاده
رفت ولی بی تصریح ، در روز نهم چون در
سن ۶۷ سالگی ، چشم از جهان بست .

در اواخر سال ۱۹۴۲ در نتیجه تلاش ها
دیمتروف و سایر پیکار جویان راه خلیق
کمیته ملی جبهه میهنی بوجود آمد بود
که در تاریخ انکشور از ۱ همیت بزرگ
برخوردار است . پایه چنگ های پار تیزانتی
علیه فاشیزم اسلامگار با دستیاری این جبهه
که بانی آن دیمتروف است ریغته شد .

عصر روز هشتم و شب نهم سپتامبر ۱۹۴۴
مردم بلغاریا ، قیام کردند و در نتیجه حکومت

دشمن هوشیاری

صودت گسر ناقا شم هر لحظه بتی سازم
وانگه عمه بت ها را دار پیش تو بکلا رم
صد نقش بر ۱ نگیم بساد و ح درا میزم
چون نقش ترا بینم در آتشش اند از
تو ساقی خواری یا دشمن هوشیاری
یا آنکه کنی و بیران هر خانه که من سازم
جان ر بخسته شد با تو آمیخته شدبا تو
چون وی تو داده جان چا نرا هله بنوازم
در خانه آب و کل بی تست خراب ۱ بین دل
با خانه داری جان تا خانه بیردازم
» جامی «

باقیه صفحه ۲۸

گهورگی دیمتروف

نازراوارد آورده اند ، مورد جزا قرار بگیرند
و خساراییکه بر آنها وارد شده ، جبران شود
اما این عمه پیشنهاد دات دیمتروف مورد
قبول واقع نشد و محکمه دیمتروف و بارانش را
فقط بعلت (حفظ دلایل کافی) برانت

از شرافت شخص خود بعیث یک فرد
انقلابی دفاع می کنم من از محتوا و مجموعه
زندگی خود دفاع می کنم .

دیمتریوس مکنیت از بیانات گنودگی
علوم می شود که وی صرف به وضع حزب
کمو نیست بلغاریا تو جه داشته در حالیکه
اکنون در دفاع از حزب کمو نیست آلمان
برداخته است .

دیمتروف جواب داد :

آقای د نیس من بمنابه یک اغلبی
بلغاری به نیفست ۱ نقلابی سراسر جهان
علقمند . مثلا من بوضع سیاسی ۱ هر یکی
جنوبی هم علاقه دارم با وجود آنکه هیچگاه
آنجا نبوده ام شاید از وضع سیاسی آنها
بهمان ۱ ندازه اطلاع داشته باشم که از وضع
سیاسی آلمان . این به هیچ جه د لیل آن
نیست که اگر یک ساخته دولتی در جنوب
امریکا آتش بگیرد ، من عامل آن هستم .

محکمه هیچ را هی نیافت و به آزادی
متوجه تصمیم گرفت ، مگر دیمتروف گفت
که متوجه را مطلقاً بیکناد ۱ علام داد ،
عاملین آتش سوزی رایشتاک را دشمنان
طبقه کارگر اعلام نهایند ، کسانیکه اینها



اطفال امروز



موضوع د پیلوی تر بیت سالم باید به کودکان تعلیم بیا مه زیم و با روشن نمودن مشعل سواد و دانش باطن او را تنویر نمایم و بر فایل های محترم است که

موضوع مطالعه و آموزش را برای اطفال ممکن سازند و بگوشتند تا مشوق خوب درام شرط مطالعه برای اطفال باشند اما باید ظرفی نمایند که مطالعه و ذهنیت اطفال را در نقطه رادیو بگیرند با یک رهنمایی ساده می شود

شان خوب کو دکان در امر مطالعه بود و آموختن و مطالعه را طوری به دماغ کو د کار ذهن نشین سازیم که هانند غذا لباس از حتمی تصور نمایند. پس گفته می توایند که چنین ما دران و پدران از مسؤولیت رسالت خوش بیرون مند و موافق باشند و روند آمده اند.

این نظر و عقیده انسانی زمانی میسر شد می تواند که پدران و ما دران به تو بخواشیم به دانش و جیان علم و فرهنگ و مطالعه همیشگی علاوه مدن باشند و آنرا همان وظایف شبا روزی انجام دهند.

واین نظر در مورد خانواده ها و کودکان و نظر صدق می کند که لااقل کمی سواد دارند مگر ما میدانیم که جای معه قصدا عقب نگه داشته و تحقیق

ما که اکثر بیت والدین از نعمت سواد بپرسی کافی ندارند و رفع همیشگی آنهاهم همین است که نه تن توائند لااقل سواد نو شست و از زندگی خوان را به اطفال شان یاد بد هند و به نهایت اصطلاح خود شان «کور هستند» و بهزبان نگاه دیگر شرایط جای معه فیودالی و نظام های

متوجه سلطنتی این موقع را به ایشان نداد ترا یار از خرم سواد و دانش بجهه برند و دانه انسانی

چیزه باشند و از طرفی برای چنین فایل نموده ها نیز ز میشه. مر فتن ۳ خجالت، مجلات و نسایر، نشرات، هیئت ابوده و آنها بیو سنه مان.



فاسیزم این کودک ملعون سرمهایه سالاری نه تنها از کشتن و زجردادن جوانان و پسران دریغ نمی‌گرد، بلکه اطفال معصوم را نیز بی‌رحمانه به گام مرگ می‌سپرد و از مرگ تدریجی ایشان لدت می‌برد.

ذاهت را بخاطر

د اشتهه باش

در کوره های آدم سوزی می‌سوختند.
اردو گاه مرگ «آشویش» در به کسام
کشیدن اطفال و گوکان که اکثراً حتی نام
های خود را فراموش می‌گردند شهرو گشته
بود و هزاران طفل بی‌گناه درین زندان ها
بی‌سر برست و در حالت وحشتناک بورد
شکنجه و عذاب قرار می‌گرفتند. انگاشی

«نامت را بخاطر داشته باش!»
زیرا آنها به پیروزی اینوار بودند و
می‌خواستند روز های بعد از چنگال این
زاده ناب سرمهای سالاری و امیر یا لیز،
کوکان و اطفال شان نام های خود را بدند
واز روی نام بایکدیگر آشنا باشند.
مادران زیاد به این آرمان چنین بیرون
ولی مادران و گوکان زیاد نیز این پیروزی
را دیدند و ما از آن پیروزی تا حال
سال فاصله داریم اما یا آن حوادث قلب
وضمیر ما را می‌آزاد.

چنگ جانی و انسان سوز دوم نه تسبی
میلیون ها انسان پیر و جوان که از نا موس
صلح و آزادی دفاع می‌نمودند در چنگال
مرگ گشیده های شان تکرار نمودند آن اینکه
یمکن اینکه از تزاد آریان بود
وحشیانه در محابس به گشتارگاه هافستادن و
حکم گشتایو واس، اس هایین ماموران
مرگ و شکنجه در اردو گاه های مرگ و
وحشت فرستاده می‌شدند و زنده ز ناده

در فکر پیدا کردن نان و لباس خیلی ابتدایی
بودند. پس چنین اشخاص معروف، رج -
کشیده و محتاج می‌توانست در مورد گوکان
قد خود پسند یشد و چهل و پیسوادی
وبی‌دانشی را از آنها دور نماید.
به هر حال آنچه مطلب اساسی را می-
رساند غذای معنوی کوکان است که باید
برای شان تسبیه شود و والدین مسؤول اند
که دست به دست بادولت انقلابی شان درین
زمینه توجه جدی نمایند همان طوری که دولت
همه شرایط را یست وزنگی را برای گوکان
هموار می‌سازد و آرزوی سعادت و پیروزی
کوکان را دارد فاصله های محترم نیز درین
زمینه مسؤولیت خویش را درست انجام
گیرند.

بیشتر آن است که در شیوه آموخته و
ارتقای سطح دانش از تجارب و شیوه عملکرد
کشور های مت قی استفاده نمایم و در
باشد اجراء آن اعمال کفر همت بیندیم و از تصریفات
من نمودن علمای دانشمندان و روانشناسان حد اکثر
استفاده را بنماییم و از مطالعه آثار نوشتہ ها
و تجربه آنها کو دکان خود را غنی سازیم.
وبدرام ترچه اطفالیکه در شهرها زندگی می-
ظرفیت نمایند به یقین آثار نشر شده، تلویزیون،
در نظر رادیو و غیره آثار سمعی و بصری پدسترن
و دعوه شه شان قرار گرفته و از آن مستفید می‌شوند.
آموخته اما آن عنده اطفالیکه، در گوش و کار
دکار دور افتاده کشور را یست دارند باید حداقل
س از نوجه به حال شان صورت گیرد که درین
توانی قسمت فاصله و مخصوصاً عناصر آغاز
لیست و روش مسؤولیت خاص دارند. در دهان
در آن جا هاکه محیط اجتماعی جمعی میسر
نمی‌شود نیست این مشکل کار و تلاش والدین
و باز را دو چندان می‌سازد.

بهر حال آنچه نوشته شد و آنچه گفته
آمد فقط یک یاد آوری مختصر از یک ایده
لودگان و نظر انسانی در باره تریتی روانی و معنوی
ارندهای گوکان است که در اثر مطالعه پیشگامان
داشته و تحقیق و رسیرج عناصر مسؤول راه حل
د بیرون یافته می‌تواند تا در فر دای زندگانی
همین فرزندان اجتماعی از ما به نیکویی یاد آوری
نمایند تا اطفال فردای جامعه ما از هر
زیبایی نگاه سعادتمند و صحت هند بار آیند.
های امید درین عمر صهیون یکدیگر
نداد ترا یار و یاور باشیم و مسؤولیت های
آن انسانی و اجتماعی خود را بد وستی در رک
میل نموده و نقش خود را فعالانه انجام دهیم.
لات ۵ به امید پیروزی و بیروزی کوکان کشور
و سنه مان.

در فکر ازدواج

دختري اينالياي رو به دوست خود گرديرسيد :
- خوب تو بالاخره تصميم نداري با آن پسر جوان ازدواج کنی ؟
- نی جانم .

- چرا ... برای چی ؟

- برای اينکه بدور ميترسد هبادا از خاطر بولسم بهن اظهار علاقه گرده باشد ... هادرم
ميترسد که هبادا خانواده بس درست و خوب نداشته باشد ... برادرم از آن ميتر سد
که او کاراته باز است ... خودم هم ازان همچو خوش نمی آيد و بعلاوه ...
دوستش حرف اورا بريده :

- بعلاوه چیست ؟

- بعلاوه اينکه او هنوز از من تقاضاي ازدواج نکرده است !!



وقتیمکه بیدار شدم

. بیما .



بدون شرح

«اسمهیت» وارد اتاق دوستش «ادوارد» شد
و دید او روی تخت دراز گشیده، او را صد
زده کرد :
- ادوارد ؟
- چراچه میگویند ؟
- بیدار هستی یانی ؟
- چی میگی بتوانی چی است ؟
- اگر بیدار هستی، آن صد دالر را که
قبل از برایت داده بودم پس بده !
- نی ... «اسمهیت» ... فعلا خو خواب پینچ
هستم وقتیکه بیدار شدم بیا !!



بدون شرح

در دیوانه خانه

دакتری در باره دیوانه بی که خود را
«لوئی شانزدهم» میدانست از بیستار توفیق
خواست و برسید :

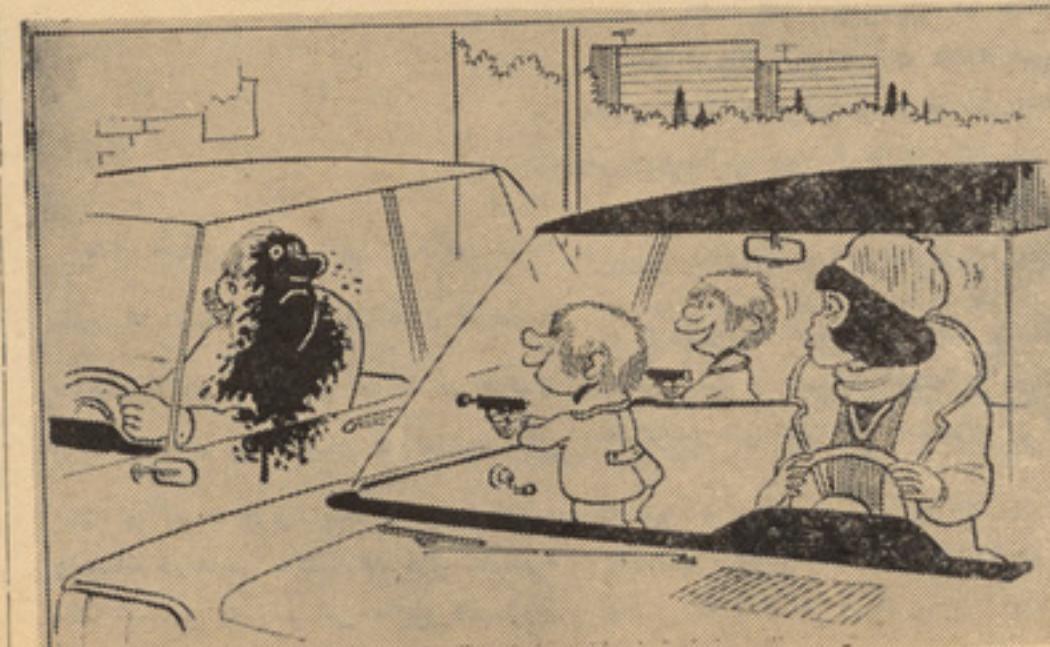
- خوب ... حالش بهتر شده یانی ؟

بیستار چوایداد :

- بلی آقای داکتر ... علامت بیهوی کم کم
در آن دیده میشود .

دلیل این حرف را میدانی !

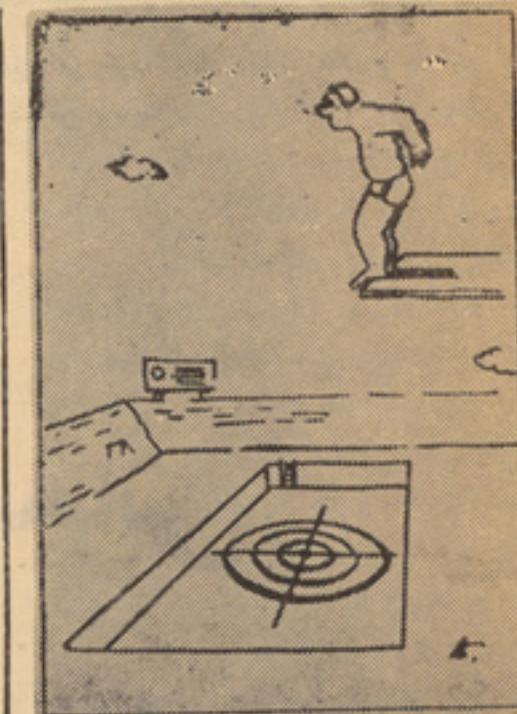
- برای اینکه از دیروز به اینظر خودش
را «لوئی چهاردهم» میداند !!



هائزی راست میگوید بارگاه میتوان خوبتر از آب باقفلنجه خود بازی گرد .

شاهد خوب

روزی شخص را محکمه میکردند رئیس محکمه گفت :
- آقا شما شاهد هستید و سو گند یاد گردید که آنجه را بچشم خود دیده اید شرح بدھید
خوب حالا بگویند که در چه تاریخی بدنبال آمدید ؟
- در اوول ماه تور ۱۳۲۰ ... اما ابته با چشم خودم ندیدم و بعد اطلاع پیدا گردم که در این
روز بدنبال آمدید .



بدون شرح

باید بهم و تو دیگر برو!

ردی مستی سوار موثر شد و پهلوی پیره زنی
نشست . پیر زن برای اینکه اورا نصیحت کند
گفت : شاید خودت ندانی ولی همینقدر می دانم
که تو یکراست به دوزخ میروی . هر دست
یکمرتبه از چایش بلند شدویه دریور گفت :
برادر جان بسیار بیخشید من غلط کرده
ام باید به موثر دیگر بروم .

نامزد خوش باور

جوانی که به مسافت رفته بود ، تلگرافی
به دختری که دوستش داشت مخابره کرده
و پرسیده بود :

- آیا حافم هستی با من ازدواج کنی ؟
و قسمتا پول جواب تلگراف راهم برداخته
بود ... دختر برای دادن جواب به اداره
تلگراف مراجعت کرد و از متصلی هر بوط پرسید:
- نامزدم پول چندکله تلگراف را برداخته ؟
متصلی تلگراف جوابداد :

- غیر از اسم و آدرس «ده» کلمه !
دختر گاذگی برداشت و صورت تلگراف
را نوشت :

- بلی ... بلی ... بلی ... بلی ...
بلی ... بلی ... بلی ... بلی ...
بلی ... بلی !



بدون شرح

کیهان بدر

کیسه بردی را دریکی از محاکمه های
شیکاو محاکمه میکردند ... پس از ختم
محاکمه رئیس روپاوه کرد و گفت :

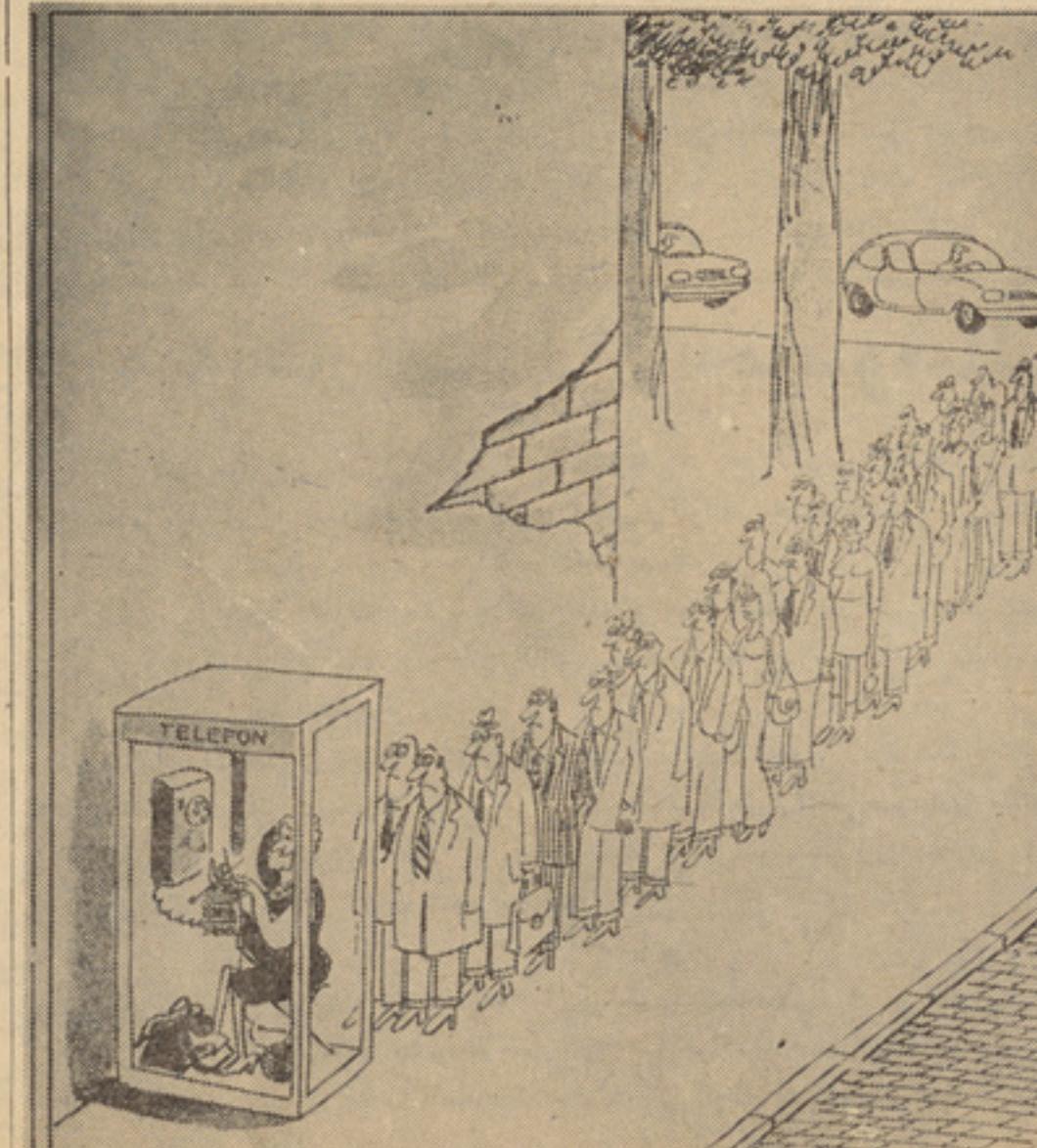
- تو برداخت صد دالر محکوم هستی ...
کیسه برد، همه جیب های خود را پالید و
بعد گفت :

قربان ... من بیشتر از هفتاد دالر ندارم.
رئیس محاکمه یکی از هاموران را صدا
کرد و گفت :

- چند دقیقه ای با این مرد در چاده راه
برو و از دور هر اقب باش تا فرار نکند و بعد
دو باره او را باینجا بیار تا جریمه خود را
بردازد !!



بدون شرح



بدون شرح



بدون شرح

پسر هوشیار

ارد شمس کوچکی دوان دوان خودش را به پدرش
را صد زده به خانه آمده بود رساند و در حالیکه

نفس میزد ، رویه او کرد گفت :
پدر جان پدر جان میدانی دیروز شیر
ل معلله های خواهرم چی گفت ؟
ا گه
نی ...

خواب ینج افغانی توبه هن بده تا برایت

برخلاف اصله دست در جیب کرد و گفت :
بیا ... این ینج افغانی ... حالا بگو که
گفت ؟

مرگ در حالیکه پول را در جیبش دی -

ت، با خوسردی گفت :
هیچ پدر جان ... شیر فروش به خواهرم
که ... گفت که خانم جان ... برای امروز
شیر بخوردین !!



بدون شرح

برگزیدهایی از میان فرستادهای شما

نقش ادبیات متعهد در تکامل زندگی اجتماعی

در جوامع سرهایداری که انسان به زاید
اشین تبدیل میشود و هرچه که هست حیمت
الا را بخود میگیرد و سود اندوزی انحصار
ران مقدم بر هرجیز دیگری گستره وسیع
باید، تردیدی نمیتوان و نباید داشت که
دبیات نیز از شمار عناصر فرهنگی دیگری
بنایه اقتضای طبیعت درونی صورت گندی
تتصادی، اجتماعی جامعه وسیله تامین و
سهیل نوعه بهره کشی قرار میگیرند مستثنی
و ده نمی تواند.

از آنجه که گفته آمد واضح میشود که
دبیات بورژوازی، ادبیاتی است مسخ شده که
باید از زیان هندی تأثیر آن بر ساخته وسیع
دبیات یوپا و متعدد امروز، تصور روشن
داشته باشیم، لازمه وارستن از بن
ام خطرنک، گرایش سریع به سوی ادبیات
بالیستی معاصر است که همواره از موائع
مشکلات موقعه عبور گرده و تابایه ادبیات
تکامل امروز رسیده است.

بحث های فراوانی که توسط صاحب نظران
دیبات متعبد و رسالت مند در زمینه بیوپاری
بیات صورت گرفته بیانگر آنست که ادبیات
جیت یک پدیده اصیل هنری ، افزون براینکه
سایر پدیده های شامل اوساخت جا مده
یوند اور گانیک دارد ، هم چنان با عناصر
شکله زیر بنای جامعه نیز ساخت در ارتباط
میوند و دلالکترک است .

اگر بدون دخالت پیش داوری شخصی در
زینه تکامل ادبیات طی مراحل مختلف تاریخ
مورد بحث شویم، بخوبی می‌توانیم دریافت
که ادبیات به سهم خود در تبیه و تدارک
ساعد ترین محمل هاوپیش زینه های تکامل
ندگی اجتماعی ساخت موثر و کارا بوده است
هر گاهی که امکان استفاده از ادبیات بعین
سیله موثر تامین انسانی ترین نیاز های
ندگی اجتماعی منظور بوده بخوب ترین و جذیر
برد استفاده قرار گرفته است.
قوانین حاکم بر سیر تکامل اشیا و پدیده:

Digitized by srujanika@gmail.com

سيطره سرمایه بکار گرفته اند ، توانستند
ز سیمای روشن ادبیات رسالت هند امروز
نظره دقیقی ترسیم نمایند و بر مبنای طرز نگرش
اقع بیانه به چهره ادبیات آینده ، به
ایه کلداری مکتب ادبی دست یزند که در
ابطه با قواعد آن باروری و غنای هر چه
بیشتر ادبیات عمیای کاروان تکامل زمان ،
سر افتاد .

مسئلما که درین بحث فشرده و گوته ، که
دون تردید از نقایص فراوان به هیچ صورتی
اری نمیتواند بود ، منظور نگارنده این نیست
ادبیات آنسو در کلیت مفهوم خود ، درون
رسیده و خالی از هر گونه جنبه مفید است ،
لکه اینست که در سایه سیاه و سنگین
ها تروایی سرمایه و استئمار انسان از انسان
بیان توانسته در باز تاب دقیقانه واقعیت
ی زندگی سبب فعل داشته باشد .

صاحب نظران ادبیات بورزوگانی ، ظریفانه
گوشش نموده اند تا ذوق مندان ادبیات را
قسماً متفاوت سازند که کویا ادبیات هیچگونه
رابطه ای و هیچگونه تاثیری به دیگر پدیده های
زندگی اجتماعی ندارد و خود میتواند در چوکات قواعد
وضایعه های مشخص مستقل تکامل نماید .
گاهی این اظهار عقیده میشود که ادبیات
تنها با اخلاقیات و مسائل صرفاً روانی جایده
در ارتباط می تواند بود و از همین لحاظ است
که ادبیات بکار تکامل جوامع انسانی کری
ندارد .

پایه گذاران مکتب های ادبی رهانیسم ،
سهبولیسم ، سورویا لیسم ، ناتورالیسم و
گونه گون مکتب های ادبی دیگری ازین قبیل
چون ادبیات را بحث و سیله تامین منافع
طبغاتی بورزوگانی و توجیه ابدیت و زوال نایدیری

ذامه یک ریاضی دان به مجهش و قه اش

ای قطر اطول لوزی وای شعاع دائره دلم. از آنروز که قاعدة عتوازی الاصلاح بیشانیت را دیدم یک دل نه صد دل عاشق ارتفاع آن گشتم و اعتراف میکنم که ساینس بینی کشیده اان را دوست دارم و آرزویم رسیدن به کوتاهی از قلب توست.

محبوبیم . غباری که هنگام خرامیدن از مجموع اقطار بیفی ته کفست بلند میشود سرمه الفای چشم هن است ، بیا : و تر مثلث صورت را بنما تا ثابت کنم که مساوی است به هر بع مجموع دو فسلع دیگر ... آرزو دارم کسینوس وجودم را در پای سطح مقطع بینی ات بریزم ، بشرط آنکه پایه وقت را به توان نرسانی . بیش از این از گویا کردن کسر های گنج خودداری میکنم و فرمایشات را در رادیکال قلبم می پذیرم کسیکه تا آخر عمر عاشق زاویه خارجی دهانت خواهد بود .

آیا شنیده ای که گفته اند خداوند روزی هر کس را تسبا میگذارد؟ بلی حالا تو مر اترک گردی و تنها گذاشتی روزی میرسد که خداوند ترا تنها خواهد گذاشت آنوقت پشیمان بنتزد من بازخواهی گشت وزنگ در را بصدادرخواهی آورد ولی آنوقت بتو خواهند گفت او دیگر نیست!

دیر زمانی رسم معمول در بسا موارد چنین
بوده که تکامل پدیده های هنری و منجمله
ادبیات را بدون در نظر داشت تکامل ساخته اند
اقتصادی جامعه در نظر میگرفته اند . واين
عقیده که دست اندر کاران فعالیت های ادبی
صرفا به کاوشگری های زیبایی شناسانه آنهم
در ورای قانو نهندی تکامل اقتصادی جامعه
می بردازند ، به سنت دیرین پاوسخت ریشه
ای تبدیل شده که بی آمد ناگواری داشته
واين گونه طرز نگرش ناسالم و بیمار گونه
فوق العاده همسرو غالبا گمراه گشته بوده است .
قلم زنان ادبیات بورژوازی ، پیوسته تلاش
ورزیده اند که ادبیات و هر گونه آفرینش
ادبی ، وسیله باشد برای ارضای نیاز هنری
های طبقات و اشار صاحب امتیاز جامعه از
همین رو ادبیات در مسیر تکامل قانون هندخود
اندک زمانی در انtronon چنگل انبوه ابهام به
مشکلات فراوانی مواجه شده و آنگونه که
می بایست باسیر تند و شتاب زده به سوی
بیوایی و تکامل ، به پیش تازد ، توانسته

در جوامعی که مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و در رابطه با شکل خصوصی تملک وسائل تولید استثمار و بهر کشی انسان از انسان بعیث یک پدیده عینی وجود داشته باشد طبیعی است که برای تیات و پایداری موقعیت طبقاتی صاحبان خصوصی وسائل تولید و جلوگیری از تسریع بروسه زوال استثمار ادبیات نیز به بازی گرفته میشود و جانب داران طبقات حاکم جامعه در عرصه ادبیات به آرایش گری سیمهای ادبیات دست میازند و از سیمهای راستین و بی‌آلایش ادبیات سیمهای رنگ آمیزی شده ای را که غالباً به صورت یک همکیاژ مفعک و خنده آور درمی‌آید . بدست میدهند از همین گونه است ادبیات بی‌رق و کم توان جامعه سرمایداری که در محدوده منافع طبقاتی بورژوازی با گیرهانده و به سوی انحطاط و بوسیدگی سمت گیری نموده است .

۹۵۵ جیزه

• فضیلت مرد ، از سخن او شناخته میشود.
• بهترین دارایی نام نیک است .
• آنچه کمش زیاداست دشمن است .
• آنچه قبل از هرگز آدمی را میکشد نزدیکی است .
• پاک رویی و بی ریائی بالا ترین درجه ایمان است .
• عمنشین بدمانند نکه آتش است .
• نشانه خرد ، مدارا کردن با مردم است .
• بذریعن عادت درونی است .
• بزرگی مردبه داش اوست نه به دوده اش بزرگترین گناه ترس است .
• احسان ، دلماهرا تسبیح می کند .
• آنچه بیش از هرگز آدمی را می کشد نویدی است .
• بهترین عبادت خدمت به خلق است .
• زبانی مرد در وقار اوست .
• داش بزرگترین گنج است .
• شکیبایی ، هیوة درخت ایمان است .
• گرد آورنده عبدالغفرن (توخی)

• • •

سعادت دو جهان در رضای پدر
ومادر است .
حکیم کسی است که دلمهای
مردمان را بحکمت صید کند
نیکی کردن ما نند اصره کردن
پول نقد است .
مردم با فهم را ملا متنی کافیست
وابله را صد تاز یانه کم است
کسی که بیش نزد عقب میرد
چراغ علم با مد دسیعی و کو -
شش تا ریکی های جهل را از مردم
بر میدارد .
ار سالی : شکر یه سعادت
متعلم صنف دهم لیسه آمهه فد وی

هدین همسوول : راحله رامیخ خره
معاون : محمد ذ مان نیکرای
امر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری وات-جواری است
مطبع دولتی - کابل

تلفون مدیر همسوول : ۲۶۸۴۹
تلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
سوچبورد مطبع دولتی ۲۶۸۵۱
تلفون ارتباطی مدیریت ژوندون

۲۱

طبعه دولتی

یکی از صاحب نظران ادبیات متعدد عقیده اش و هوواره سرد و بی احساس *
نویسنده برج عاج نشینی که واقعیت های رادر همین زمینه چنین بیان میدارد .
«هنر آئینه حقیقی زندگی است . ولی عرقه زندگی را ، هنکی بر پنداش و تغیل مشخص اش این آئینه به سوی فرد بگراید ، دریافت آن تحلیل و تعزیزی می نماید و سرشت درونی بر وسیه از واقعیت بیشتر محدود به همسوون های کوچک از هنرمندان ادراک جامعی از جهان میشود . اگر هنرمندان ادراک جامعی از جهان نمی توانند ویل دارد که بروبنای پیشداوری باشد می باشد همچومنه ویان گویی و یان گویی صریح شخصی خودش تصویرگر واقعیت ها باشد از زندگی بر حسب تکامل تاریخی اش بددت از آن راهی رفته است که برای نویسنده متعهد دهد » و ملتزم گزیدنی نیست .

طبیعی گرایی و شکل گرایی ، این هردو نویسنده در پر تو شاعر نور الگن قوی ای سبک ادبی کم مایه که دیر گاهی در ادبیات استعداد هنری اش ، آن چیزهایی را می بیند وورد استفاده قرار گرفته ، نیز نتوانسته اند که برای دیگران قابل روشنیست و لذا باید از واقعیت های پذیر فتنی دریافت عمیق نویسنده در یافتش را به صورت مشخص و نوونه داشته باشند .

شکل گرایی (فورمالیزم) در طول تاریخ بگونه انعکاس دهد که نه فقط با واقعیت های تکامل ادبیات موفق شده با ارائه فراوردهای عینی در تنافق نباشد بلکه سهولتی را برای ادبی ، هاندگاری و بقای جاویدانه اش را در تضمین نماید . هر گونه اثرا دیگر ای که مبتنى فراهم نماید . نویسنده اگر متعهد و ملتزم آثار برعایت اسالیب سنتی این سبک وجود بسیار آفریده اند که در اوج بزرگی و ارزش هنری قرار دارد .

تنوع بوده و هیچگاهی عطش خواننده را بر طرف ادبیات متعدد به متابه عنصر فعل یابیده نه نموده است . چون دون گونه باز آفرینش ادبی ، به نایره تقابل و بیوندی الکتیکی و شکل قرار داشته و مساعد ترین زمینه ها را برای محتوا و نفس تعین کننده محتوا توجه نشده در غالب آثار ادبی ای ازین دست ، محتوا تکامل و پویایی فرعنگ توده هافراهم نموده باز سنجین شکل را بر دوش می کشیده اند این سبک ادبی از هر گونه خصوصیت خوب و قابل طبقاتی رادر جامعه دارای ترکیب اجتماعی چند گونه ، منعکس ساخته و راه مبارزه را برآمد پذیرش غاری بوده است ، جنبه های ضعیف ستمگری هاو بی عدالتی های ناشی از مالکیت و بی مایه این سبک ادبی را ، یکی از فلم زنان ادبیات راستین و هدف هند بدهین سان خصوصی بر وسائل تولید نشان داده است . از همین جاست که ادبیات واقعکاری باز گویی نماید .

شکل گرایی و طبیعی گرایی هردو از هر گونه آنچه نشده است بلکه با بیان تکامل دریافت عمیق عاری هستند ، در یافتن آنها قانونمند زندگی اجتماعی به سوی تکامل و بازی ناگفته ای و غریب است یابی رهق و غریب .

های مادی طبیعت قبل از پیدایش انسان نیز وجود داشت و طبیعت نجست تأثیر این فواین بیوسته به سوی تکامل پیش نازید ولي قبل از پیدایش انسان طبیعت انسانی نبود و با پیدایش انسان طبیعت مدنی نیز آنسانی شد . لذا بدون ارائه هیچگونه دلیلی هی توان پذیرفت که همه گونه پدیده های فرهنگی جامعه تهره منطقی کارو فعالیت اجتماعی انسان است . هم پستان بسط و مسترش (امنه فرهنگ جامعه)

بر وسیع ترین گستره های زندگی اجتماعی آدمیان ، با سرشت ذاتی خلاقیت کار اجتماعی انسان تناسب دیالکتیکی دارد و همیشه و در همه وارد تکامل پدیده های فرهنگی از خصلت افرینده کار اجتماعی مایه گرفته است . برای اینکه ادبیات در خدمت توده های زجوت کش جاده ، زجوت کش جاده ، قرار گیرد باید هنرمند ادبیات تهم فراورد ده های هنری اش را در خدمت جامعه گمارد و هر آفرینش هنری و ادبی موثر ترین وسیله باشد برای تسهیل شرایط ادبیات ریالیستیک و هردم گرایانه قبول اصل تقدم جمع گیری (کلکتویزم) بر لرد گرایی (اندیویید والیسم) همیشه در خدمت شنید و توده های زجوت کش جامعه تراز گرفته وزمینه تکامل جامعه را مساعد نموده است در هر اثر ادبی ای که برایه اسلوب ریالیستیک ادبیات نگارش یافته باشد ، نویسنده گوشیده است به خواننده اش واقعیت های زندگی اجتماعی را بینند . نویسنده متعهد قهرمان اترش را از میان انبوه کثیری از آدم های معقولی جامعه اش بر می - مزیند و این قهرمان به گونه اغراق آمیزی توصیف نمی شود که کمترین وجه تشابه با آدم های دیگر جامعه نداشته باشد و درین مکونه آثار ادبی کلی ترین هدف نویسنده ، باز تاب رقیانه واقعیت های زندگی است و این باز تاب در برگیرنده هدف نویسنده در تاریخ مساعد ترین زمینه های تکامل زندگی اجتماعی نیز هست .

تعهد و عدم تعهد در ادبیات نهیاند بل موضعگیری مشخص طبقاتی همراه نباشد برای نویسنده تعهد و اتزام زمانی پذیرفته میتواند بودکه منافع توده های زجوت کش جامعه را بر منفع هشتی از افراد سه ر و طفیلی ترجیح دهد و آفریده های هنری اش را در جهت تامین منافع توده های زجوت کش هر ده کار برد و استفاده قرار دهد .

اگر پروسه تکامل ادبیات را طی مرآی مختلف تاریخی در نظر گیریم و گزنه گون شیوه هاوسالیب نویسنده ای را نهاده اند بر زمینه تهانیم ، همان شیوه های نویسنده ای از پرهایگی فراوان بر خوردار بوده که بر جنبه های فرگرایی کمتر انکاء نموده است و فراورده عای ادبی ای از یتکونه را خوانندگان با اشتیاق زیادی پذیرا گشته اند و از همین جاست که

گاخازه دل

ز هجرت در گرفته لا نه دل
نشد رو شن ز و صلت خا نـاـدل
ز بر ق آشین سو ز نـگـاـهـت
فر و زان مجرمی کا شـاـنـدـل
بـیـارـسـاـقـیـتـوـآنـجـامـبـلـوـرـینـ
زـنـرـشـعلـهـمـسـتـاـنـدـلـ
نشـدـوـاـغـنـجـهـبـاـغـدـلـمـ
چـرـابـیـلـالـهـشـدـگـلـخـاـنـهـلـ
زـکـیـفـهـرـنـگـاـهـیـبـاـدـهـخـیـزـتـ
بـوـدـلـرـیـزـمـیـبـیـمـاـنـدـلـ
چـوـمـجـنـوـنـبـرـسـرـمـسـنـگـجـفـاـیـتـ
چـهـمـیـخـوـهـیـاـزـینـدـدـیـوـاـنـهـلـ
زـبـوـیـعـارـگـلـهـیـمـجـبـتـ
بـوـدـگـلـخـاـنـهـهـاـگـلـخـانـهـدـلـ
بـیـاـیـدـلـفـتـاـدـهـحـلـقـهـزـلـفـ
خـوـشـاـدـلـوـخـوـشـاـزـوـلـانـدـلـ
نـگـوـیـمـبـاـ(ـنـهـیـکـ)ـرـازـدـلـمـرـاـ
بـعـالـمـفـاـشـکـرـدـاـفـسـاـنـهـدـلـ

فهیک



شماره
۲۲۳
سال



شنبه ۲۶ شور ۱۳۸۳



پیغمبر
عمرنا
الله
آن



۱۳۸۳
۱۹۷۴

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library